

به سوی جهانی بهتر



رویکرد جامعه جهانی بهائی به توسعه اجتماعی و اقتصادی



©2003, 2008, 2018, 2023 by the
Bahá'í International Community

Bahá'í International Community
866 United Nations Plaza, Suite 120
New York, NY 10017 USA



«تدبّروا و تكلّموا فيما يصلح به العالم و حاله ...»

درباره آنچه که موجب پیشرفت عالم و وضعیت آن می‌شود فکر و گفتگو کنید.

- حضرت بهاءالله



مقدمه

«امروز را نگران باشید و
سخن از امروز رانید.»
-حضرت بهاءالله

تعهد جامعه جهانی بهائی به توسعه اجتماعی و اقتصادی از متون مقدس این آیین سرچشمه گرفته است. در این متون ذکر شده است که جمیع انسان‌ها «از برای اصلاح عالم خلق شده‌اند». بخش بنیادینی از باورهای بهائی بر این اعتقاد راسخ است که هر فرد، هر گروه و هر ملت نقشی در ساختن یک اجتماع جهانی مرقه و صلح‌آمیز دارد.

تئوری‌های مدرنیزاسیون در تفکر سنتی توسعه، بر تعاریف خاصی از پیشرفت بنا شده بودند و پیش‌فرض‌های مشخصی در مورد ماهیت دین و نقش آن در پیشرفت اجتماعی داشتند. در این بستر، به دین به چشم مانعی در مسیر پیشرفت معنادار، منبعی از تابوها، عامل رخوت در اجتماع و در بهترین حالت، موضوعی نامربوط به بحث توسعه نگریسته می‌شد. فرض بر آن بود که توسعه با پذیرش تدریجی تکنولوژی، مؤسسات و الگوی زندگی جوامع صنعتی لزوماً منجر به انحطاط دین خواهد شد. اما طی دهه‌های بعد، ارزیابی واقع‌گرایانه‌تری از نقاط قوت و ضعف رویکرد متداول، نگرش نسبت به توسعه را متعادل‌تر نمود. سال‌ها تلاش دقیق و صرف هزینه‌های هنگفت، گرچه به پیشرفت ملموس در

شاخه‌هایی مانند سلامت عمومی و دسترسی به آموزش منتهی شد، اما برخی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی تداوم و در مواردی، فزونی یافت، مانند فاصله بین فقیر و غنی، شمار بسیار از مردمانی که در فقر زندگی می‌کنند، مهاجرت در مقیاسی بی‌سابقه و انبوهی از مسائل محیط زیستی. نتیجه چنین کوشش‌هایی، گستره‌ای از سؤالات اساسی در مورد ماهیت و هدف کلّ مجهودات توسعه را ایجاد کرده است. توسعه اجتماعی و اقتصادی، اکنون به عنوان روندی پیچیده شناخته می‌شود که به دستورالعمل‌های ساده بر اساس کمک‌های مادی یا ترویج بسته‌های تکنولوژیکی پاسخ نمی‌دهد. تفکر توسعه، تحت فشار شدید برای یافتن راه حل، بیش از پیش بر مردم تمرکز کرده — بر فرهنگ، ارزش‌ها و جهان‌بینی افراد که برای اکثریت ساکنین زمین توسط دین شکل گرفته است. چنین چشم‌انداز گسترده‌ای کاملاً واضح می‌سازد که رویکردهای ماده‌گرایانه در آزاد کردن ظرفیت‌های افراد و اجتماعات برای ایجاد تحول در جهان اطرافشان به‌تنهایی قادر به موفقیت نخواهند بود؛ همچنین چالش‌های پیچیده متعددی که بشر امروز با آن روبه‌رو است را نمی‌توانند حل نمایند، چه این چالش‌ها به بحران‌های زیست محیطی، فقر و ثروت مفرط، مشکل سلامت عمومی و تأمین مواد غذایی مربوط باشند، چه به سیستم‌های فرسوده زمام‌داری.





بدین ترتیب در سال‌های اخیر، علاقه و توجه به مشارکت بالقوه‌ای که معنویت و دین می‌توانند در گفتمان توسعه داشته باشند به میزان قابل توجهی افزایش یافته است و برخی از اندیشمندان و محققان از آن به عنوان «روی آوردن به دین» یاد می‌کنند. با وجود آنکه همچنان به مشارکت دین ورای وسیله‌ای برای تحقق اهداف از پیش تعیین شده توسعه نگرسته نمی‌شود، مسئله بنیادی‌تری مطرح است: چگونه بصیرت‌ها و اصول نشأت گرفته از دین می‌تواند به جستجوی راه‌هایی بینجامد که در عین تحت کنترل در آوردن خلّاقیت علمی، تکنولوژیکی، اقتصادی و فرهنگی زمان حال، بتواند از این ابزارهای دنیای مدرن به طور کارآمد به گونه‌ای استفاده نماید که رفاه در میان ساکنین زمین گسترش یابد و بینش‌های جدید و راه‌های یادگیری پیشرفت جمعی آشکار شوند؟

این نشریه به تلاش‌های متواضعانه جامعه بهائی در مسیر همکاری با تمامی اقشار، فارغ از پیشینه و باور، برای مشارکت در رفاه اجتماعی و اقتصادی اجتماعاتشان می‌پردازد. انگیزه این قبیل کوشش‌ها – که با نام جامع‌تر اقدام اجتماعی تعریف می‌شوند – اشتیاق به خدمت به بشریت و مشارکت در تغییر اجتماعی است. مجموعه این تلاش‌ها، از سطح محلی تا بین‌المللی، در فرایند یادگیری مداومی مشارکت دارد که در آن اصول روحانی، مانند یگانگی نوع بشر و عدالت، به همراهی دانش به دست آمده از حیطه‌های مختلف فعالیت بشر در واقعیت‌های اجتماعی و مادی به کار گرفته می‌شوند. امیدواریم این مجله تصویر واضحی را از عملکرد توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی ارائه دهد.

سازمان توسعه بین‌المللی بهائی



۱۰

چارچوبی در حال تکامل برای
یادگیری جمعی



۱۷

مروری بر ابتکارات توسعه بهائی

۱۸	نقشه اقدامات توسعه جهانی
۲۰	نخستین حرکتها
۲۴	پروژه‌های پایدار برخاسته از جامعه
۳۰	سازمان‌های توسعه



۰۸

مسیر پیموده شده تاکنون



۸۲

سیستماتیک سازی یادگیری



۸۹

مشارکت در گفتمان توسعه
در سطوح مختلف



۳۷

حوزه های اقدام

۳۸	آموزش و پرورش
۵۰	شکوفایی استعداد جوانان
۶۲	کشاورزی
۶۶	بهداشت و سلامت
۶۸	محیط زیست
۷۰	حیات اقتصادی
۷۲	پیشرفت زنان
۷۶	هنر و رسانه
۷۸	کمک های بشردوستانه

مسیر پیموده شده تاکنون

«تعاون و تبادل از خواص
هیئت جامعه عالم وجود
است. هر آنچه این روابط
متانت و ازدیاد بیشتر یابد،
جمعیت بشریه در ترقی و
سعادت قدم پیش‌تر نهد.»
- حضرت عبدالبهاء

تجربه بهائیان در زمینه توسعه به دوران آغازین امر در ایران قرن نوزدهم بازمی‌گردد. تأکید آموزه‌های بهائی بر تعلیم و تربیت، انگیزه‌ای برای تأسیس شبکه‌ای از مدارس بهائی در سراسر کشور شد. یکی از این مدارس «مدرسه تربیت بنات» بود که در آغاز دهه اول قرن ۲۰ در پایتخت تأسیس گردید و به شهرت ملی رسید. جامعه پیروان آن کشور در طی تنها چند نسل موفق شد اکثریت افراد خود را که توانایی خواندن و نوشتن نداشتند به جمعیتی تبدیل کند که اعضایش پیش‌تاز حیطه‌های کثیری از مجهودات بودند. تا سال ۱۹۷۳، بهائیان ایران، نرخ باسوادی زنان بهائی زیر ۴۰ سال را به صد درصد رساندند؛ در حالی که آمار ملی باسوادی زنان در همان زمان کمتر از ۲۰ درصد بود.

طی دهه‌های بعد، فعالیت‌هایی که در مقیاس محدود و پراکنده در آسیا، اقیانوسیه، آفریقا و آمریکای لاتین شکل گرفتند، نصیحت «خدمت به عالم انسانی» حضرت بهاءالله را جامعه عمل پوشاندند. تعدادی از اقدامات توسعه اجتماعی و اقتصادی از قبیل برنامه‌های سوادآموزی و مدارس به عنوان پروژه‌هایی مجزا

توسط افراد و گروه‌ها اجرا شدند. پروژه‌های رادیویی و تلاش‌هایی برای پیشرفت وضعیت زنان نیز آغاز شدند.

مشارکت جامعه بهائی در توسعه اجتماعی و اقتصادی به دلیل افزایش قابل ملاحظه جمعیت بهائیان در کشورهای مختلف در اوایل دهه ۱۹۸۰ گسترش یافت. سال‌های بعد به تجربه و آزمون سپری شد، دوره‌ای که ویژگی‌اش وجود همزمان اشتیاق و تردید، اجرای برنامه‌های اندیش‌مندانه و اقدامات تصادفی و بی‌نظم، حصول موفقیت و شکست بود. اگرچه بیشتر پروژه‌ها به‌سختی توانستند خود را از قید الگوهای توسعه رایج در جهان رها سازند، با این حال بعضی از آنها بارقه‌ای از نمونه‌های امیدبخش اقدام را ارائه دادند. پس از این اولین مرحله فعالیت، در اوایل ۱۹۹۰، جامعه به مرحله‌ای رسیده بود که یکی از خصائص کاملاً تثبیت شده زندگی ارگانیکش پی‌گیری توسعه اجتماعی و اقتصادی بود و قابلیت مضاعفی یافته بود تا به تدریج یک رویکرد به توسعه بر اساس مفاهیم بهائی شکل دهد.

دهه‌های پس از آن شاهد افزایش قابل ملاحظه قابلیت لازم برای پیشبرد اقدامات اجتماعی بوده است که شکوفایی این اقدامات را رقم زد. در حالی که در سال ۱۹۹۶ تنها ۲۵۰ پروژه توسعه اجتماعی و اقتصادی از سالی به سال دیگر به مرحله پایداری می‌رسیدند، در سال ۲۰۲۲ بیش از ۲۰۰۰ پروژه مشغول به فعالیت بوده و تعداد سازمان‌های توسعه ملهم از تعالیم بهائی چهار برابر شده، از ۱۷۰ فراتر رفته است. در این مدت، اقدامات اجتماعی مردمی کوتاه‌مدت که به طور سالیانه آغاز می‌گردند ۷۰ برابر شده، در مجموع از ۱۰۰,۰۰۰ اقدام فراتر رفته و در بسترهای متنوع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی - از شهرهای کوچک و روستاهای غرب گرفته تا مراکز شهری بزرگ در آفریقا و آسیا - در جریان‌اند.





فرایند در حال تکامل یادگیری در مورد توسعه، جزء جدایی‌ناپذیر افزایش فعالیت‌ها در طی سالیان بوده است. تلاش‌های مستمر مؤسسات و نهادهای بهائی در سطوح مختلف به جهت تشویق و حمایت از اقدام، تأمل بر اقدامات، مطالعه، مشورت و سیستماتیک‌سازی مجموعه تجارب، به تدریج چارچوب وسیعی برای یادگیری جمعی ایجاد کرده است که به نوبه خود تلاش‌های جامعه جهانی بهائی در زمینه اقدام اجتماعی را هدایت می‌کند. این چارچوب طی دهه‌ها و قرن‌های پیش رو به تکامل ادامه خواهد داد، چرا که مردمانی در محیط‌های متنوع، مسئولیت توسعه روحانی، اجتماعی و مادی خود را پذیرفته‌اند و دانش نوین لازم برای رسیدن به آینده‌ای شکوهمند را تولید می‌کنند.

یکی از عوامل اصلی این پیشرفت، شکل‌گیری شبکه‌ای جهانی از ۳۳۰ مؤسسه آموزشی در سطوح ملی و منطقه‌ای بوده است. این مؤسسات که تقریباً در هر کشوری فعالیت دارند، دروسی ارائه می‌دهند که به افراد کمک می‌کند تا از آثار بهائی بصیرت گرفته، ظرفیت خود را برای مشارکت در بهبود جوامعشان افزایش دهند. گروه‌هایی از اقشار مختلف در ده‌ها هزار محله در دروس این مؤسسات شرکت می‌کنند و از طریق فرایند مشارکتی مطالعه، اقدام و تأمل، به ارتقاء حیات مادی و معنوی جوامع خود می‌پردازند. نتیجه طبیعی این قابلیت‌سازی، ازدیاد ابتکارات جامعه‌محور و همکاری بیشتر در میان طیف وسیعی از بازیگرانی است که در تلاشند جنبه‌های گوناگون حیات جامعه را بهبود بخشند. این نوع از کوشش جمعی در عالم، در قیاس با حجم عظیم چالش‌های پیش رو محدود به نظر می‌رسد، اما این مرحله، طلعه‌ایست از هماهنگی افراد، جوامع و مؤسسات در ساخت دوباره جهانی در پرتو اصول روحانی.

از چپ به راست: «روی آنتن»، رادیو بهائی، پاناما. پروژه گلکاری در اردنبولگان، مغولستان. کلاس خیاطی، هند. برنامه آموزشی جوانان، کلمبیا. مشرق‌الاذکار، ماتوندا سوی، کنیا، ۲۰۲۲.

چارچوبی در حال تکامل برای یادگیری جمعی

ریشه‌کن شده و ساختارهای تمدن جدیدی که منعکس‌کننده قدرت دوران بزرگسالی است شکل می‌گیرند. این مفهوم از تاریخ، به هر اقدام اجتماعی هدف خاصی می‌بخشد: پرورش رفاه حقیقی در ابعاد روحانی و مادی در میان ساکنین متنوع این سیاره.

یگانگی و عدالت

بر اساس تعالیم بهائی، نشانه بارز دوران بلوغ، وحدت نوع انسان خواهد بود؛ زمانی که یگانگی بشر - هدف غائی و اصل عملی ظهور حضرت بهاءالله - به طور کامل با الگوی حیات در تمامی سطوح اجتماع پذیرفته و ممزوج شده باشد. باید به خاطر داشت که پذیرش یگانگی بشریت، به معنای هم‌شکلی و یکنواختی نیست، بلکه در بردارنده مفهوم لازم و اساسی کثرت بوده و در عین حفظ مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول مشترک، جنبه‌های مختلف فرهنگ در سراسر جهان را شامل می‌شود.

اصل وحدت در کثرت، به طور فزاینده‌ای در اندیشه توسعه معاصر در حال به رسمیت شناخته شدن است. این افزایش آگاهی هرچند چشمگیر، تصدیق یگانگی نوع بشر تنها یک قدم در مسیر حرکت به سمت بلوغ جمعی محسوب است. نمی‌توان بیش از این به شکاف رو به افزایش میان فقیر و غنی مجال داد. تمامی ساکنین کره زمین باید بتوانند از ثمرات مادی و روحانی یک اجتماع مرقه بهره‌مند شوند. یگانگی با اصل عدالت پیوندی نزدیک دارد و مستلزم نواندیشی در باره روابطی است که به اجتماع تداوم می‌بخشد. بدین ترتیب، درک ماهیت آن روابطی که فرد، جامعه و مؤسسات اجتماع، یعنی سه بازیگری را که همواره در صحنه تاریخ گرفتار کشمکش بر سر کسب قدرت بوده‌اند به هم پیوند می‌دهد، مسئله‌ای مهم و اساسی در فرایند یادگیری در باره توسعه است. در این بستر، پیش‌فرضی که روابط بین سه اجراکننده مزبور را لزوماً تابع مستلزمات رقابت می‌داند و قدرتهای عظیم و نهفته روح انسانی را

توسعه اجتماعی و اقتصادی نقش متمایزی در حیات جامعه بهائی ایفا می‌کند، چرا که بیانگر تلاش افراد، گروه‌ها و مؤسسات برای به‌کارگیری هماهنگ اصول روحانی و روش‌های علمی برای دستیابی به پیشرفت مادی و اجتماعی است. اقدامات توسعه تنها برای خدمت به بهائیان نیستند بلکه تمامی مردم را، از هر پیشینه و باوری، دربرمی‌گیرند. تقسیم جهان به دو گروه «توسعه یافته» و «توسعه نیافته» در اقدامات توسعه بهائی پذیرفته نیست. تغییر اجتماعی به عنوان یک اصل، پروژه‌ای نیست که یک گروه به نفع گروهی دیگر اجرا کند. در واقع، هیچ ملت یا مردمی به وضعیتی از صلح و رفاه حقیقی که بتوان از آن به عنوان الگویی برای پیروی دیگران استفاده کرد، دست نیافته است. لازم است در بسترهای متنوع، یک فرایند یادگیری جهانی، طولانی‌مدت و جمعی در مورد دلالت‌ها و معنای تمامی ابعاد توسعه - جسمانی، فکری و روحانی - شکل گیرد.

در پرتو این باور، یادگیری، مضمون اصلی تمامی تلاش‌های توسعه بهائی است. طی دهه‌ها، چارچوب گسترده‌ای برای یادگیری جمعی شکل گرفته که بر تلاش‌های بهائیان در حیطه توسعه اثر می‌گذارد و با گردآوری تجارب بیشتر، به مرور زمان تکامل می‌یابد. ذیل تعدادی از عناصر این چارچوب به اختصار شرح داده شده‌اند.

حرکت بشریت به سمت بلوغ جمعی

بهائیان به توسعه به عنوان یک پروژه جهانی می‌نگرند که هدفش را الزاماً در بستر تمدن جهانی در حال ظهور دنبال می‌کند. آثار بهائی توضیح می‌دهند که بشریت در حال طی کردن دوران انتقالی است که به بهترین نحو می‌توان آن را گذر از کودکی جمعی به بلوغ جمعی توصیف نمود. تغییر و تحولاتی که با سرعتی حیرت‌آور در تمام ابعاد زندگی رخ می‌دهند در پرتو این توصیف، معنای حقیقی می‌یابند. در این دوران موانع حاصله از تفکرات، نگرش‌ها و عادات دوران کودکی بشر به مرور

نادیده می‌گیرد کنار گذاشته شده و به جای آن پیش‌فرضی واقع‌بینانه‌تر اتخاذ گردیده مبنی بر اینکه تعامل دوستانه و هماهنگی این سه می‌تواند مروج تمدنی باشد که شایسته بشری بالغ است.

انسجام بین ابعاد روحانی و مادی

یک مسئله بسیار مهم، دستیابی به انسجامی پویا بین مقتضیات مادی و روحانی زندگی است. آثار بهائی بیان می‌کنند که «هر چند مدنیت مادی از وسائط ترقی عالم انسانیست ولی تا منضم به مدنیت الهیه نشود نتیجه که سعادت بشریه است حصول نیابد»، سپس بیان شده:

«مدنیت مادیّه مانند زجاجست و مدنیت الهیه مانند سراج زجاج بی سراج تاریک است مدنیت مادیّه مانند جسم است ولو در نهایت طراوت و لطافت و جمال باشد مرده است مدنیت الهیه مانند روح است این جسم به این روح زنده است ...»

سعی در ایجاد انسجام بین ابعاد مادی و روحانی به معنای ناچیز شمردن اهداف مادی توسعه نیست اما مستلزم رد کردن رویکردهایی است که توسعه را بدین شکل تعریف می‌کند: انتقال باورهای ایدئولوژیکی، ساختارهای اجتماعی، روش‌های اقتصادی، مدل‌های زمام‌داری و نهایتاً انتقال همان الگوهای زندگی رایج در بعضی مناطق بسیار پیشرفته صنعتی جهان به همه اجتماعات دیگر؛ چه از ایدئولوژی‌های سرمایه‌داری نشأت گرفته باشند و چه سوسیالیستی. برای ترسیم مناسب مسیر، نظریه و عمل توسعه باید به دو نظام بنیادین دانش که در طی قرن‌ها به پیشرفت بشریت کمک کرده است تکیه کند: علم و دین. از طریق این دو نهاد، تجربیات نوع بشر سازمان یافته، محیط اطرافش معنا پیدا کرده، قوای مکنونه‌اش کاوش گردیده، و حیات اخلاقی و فکری‌اش انضباط یافته است. این دو منبع در حقیقت به منزله منشأ مدنیت انسانی عمل کرده‌اند.

بهائیان این تصوّر که علم و دین در تناقض ذاتی با یکدیگرند را رد می‌کنند. این عقیده زمانی در گفتمان روشنفکران رواج یافت که فهم بشر از هر دو نظام بسیار ناکافی بود. تطابق علم و دین یکی از اصول بنیادین دیانت بهائی است که به ما می‌آموزد دین بدون علم

به سرعت به خرافات و تعصبات تنزل می‌یابد و علم بدون دین به ابزاری برای ماده‌گرایی خشک تبدیل می‌گردد. بر اساس آثار بهائی «از جمله کائنات معقوله دین است. دین باید متحرک باشد. روز به روز نشو و نما نماید». همچنین واضح گردیده که «علم، اول تجلی الهی بر انسان است. جمیع کائنات از استعداد بالقوه برای کمال مادی برخوردار هستند. اما قوه کاوش فکری و تحصیل علم، فضیلتی برتر است که تنها انسان آن را داراست». باید از دوگانگی تخیلی بین عقل و ایمان – که عقل را به قلمرو شواهد تجربی و استدلالات منطقی محدود می‌کند و ایمان را با خرافات و افکار غیرعقلانی ارتباط می‌دهد – اجتناب نمود. فرایند توسعه باید عقلانی و سیستماتیک باشد و قابلیت‌های علمی را – مثل مشاهده، اندازه‌گیری و آزمایش دقیق ایده‌ها – شامل شود. در عین حال، باید وقوفی عمیق نسبت به ایمان و اعتقادات روحانی داشته باشد و به عنوان مثال به فضیلت، اخلاقیات، عزم راسخ، همکاری و فداکاری مخصّص باشد.

«مدنیت مادیّه مانند زجاجست و مدنیت الهیه مانند سراج. زجاج بی سراج تاریک است.»
- حضرت عبدالبهاء



مشارکت عمومی

مشورت درباره قابلیت مؤسساتی،
جمهوری دموکراتیک کنگو

این تمهیدات برای روش مشارکتی فوق‌الذکر کافی نیست. آنچه در هر منطقه یا محدوده جغرافیایی مورد نیاز است، مشارکت تعداد روزافزونی از مردم و مؤسسات در یک فرایند جمعی یادگیری است، فرایندی که بر ماهیت و خصوصیات مسیری تمرکز دارد که به پیشرفت مادی و معنوی دهکده‌ها و محله‌هایشان می‌انجامد.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که هدف بهائیان از شرکت در مساعی توسعه اجتماعی و اقتصادی، خدمت به مردم از هر عقیده‌ایست. بهائیان همچنین می‌کوشند میزان مشارکت را تا حد امکان افزایش دهند. تحمیل عقیده در دیانت بهائی ممنوع است و پروژه‌های توسعه با هدف ایجاد روابط عمومی یا به عنوان وسیله‌ای برای تغییر دین اجرا نمی‌شوند. این پروژه‌ها غالباً با همکاری نهادهای دولتی و سازمان‌های جامعه مدنی‌ای که اهداف مشترکی دارند، اجرا می‌شوند. در شرایط مناسب، بودجه برای پروژه‌های بشردوستانه از طرف نهادهای

تمدن شایسته بشریتی که مراحل ابتدایی تکامل اجتماعی را پشت سر گذاشته و به بلوغ خود نزدیک می‌شود با مساعی گروه نخبه‌ای از ملل یا حتی شبکه‌ای از دوایر ملی و بین‌المللی پدید نخواهد آمد بلکه تمامی نوع بشر باید وظیفه خطیر ایجاد آن را به عهده بگیرند. هر عضوی از خانواده بشری نه تنها حق بهره‌مندی از یک تمدن مرقه مادی و معنوی را دارد بلکه موظف است که به ساخت این تمدن نیز کمک کند. بنابراین اقدام اجتماعی باید بر اساس اصل مشارکت عمومی عمل نماید.

در ادبیات توسعه، مسائل مربوط به مشارکت به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. اما چه در تئوری و چه در عمل، این اصل حیاتی غالباً در سطح فنی مثلاً از طریق استفاده از نظرسنجی‌ها و گروه‌های متمرکز مورد توجه قرار گرفته است. البته این قبیل ابزارها - مانند مساعی مجدانه‌تر به منظور ازدیاد مشارکت در فرایندهای سیاسی و یا ارائه کارآموزی به بهره‌مندان خدمات نهادهای دولتی یا غیردولتی - محاسن خود را دارند. اما

دولتی یا خیریه‌ها پذیرفته می‌شود اما بهائیان از کمک‌های مالی منابع خارج از جامعه، برای پیشرفت امور درون جامعه استفاده نمی‌کنند. البته، موقعیت‌هایی برای افراد فراهم شده که در مورد اصول امر بهائی بیاموزند و در صورت تمایل به آن بپیوندند. گرچه طیف وسیعی از اقدامات نیز - از جمله اقدامات مربوط به عبادت و آموزش - پذیرای افراد فارغ از باورهایشان‌اند اما هدف از اقدامات توسعه، مشارکت بهائیان و همکارانشان در خدمت بی‌شائبه به بشریت است.

جامعه بهائی وسعتی جهانی دارد و از تقسیمات رایج در اجتماع امروزی مانند شهری و روستایی، «توسعه یافته» و «در حال توسعه» فراتر می‌رود. بهائیان در هر کشور، چه در سرزمین مادری و چه جایی دیگر، به عنوان اعضای جامعه ملّی در فرایند یادگیری در باره توسعه مشارکت و از استعدادهای خود استفاده می‌کنند. پیوند همکاری از مرزهای ملّی فراتر رفته و منابع از کشورهایی که به لحاظ مادّی مرفّه‌تر هستند به کشورهایی با رفاه کمتر جریان می‌یابد. بهائیان این را حق مردمان هر کجا می‌دانند که مسیر توسعه خود را بیابند و به امورشان نظم دهند؛ ساختار اداری جهانی بهائی نیز از این حق محافظت می‌کند. بنابراین، با وجود امکان پشتیبانی یک پروژه از طریق منابع خارجی، تعیین اینکه آیا ظرفیت استفاده سازنده از چنین حمایتی وجود دارد یا خیر بر عهده مجریان پروژه است.

قابلیت‌سازی

هنگامی که توسعه به صورت مشارکت تعداد فزاینده‌ای از مردم در یک فرایند جمعی یادگیری مشاهده شود، آنگاه مفهوم قابلیت‌سازی اهمّیت خاصی پیدا می‌کند - مفهومی که در فکر و عمل توسعه معاصر، توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است. چون هر اقدام اجتماعی طبعاً هدفش بهبود برخی از جنبه‌های حیات یک جمعیت خواهد بود، آن اقدام نمی‌تواند صرفاً بر ارائه کالاها و خدمات تمرکز نماید - رویکردی به توسعه که امروزه در جهان فراگیر است غالباً نگرش‌های پدرمآبانه به همراه دارد و روش‌هایی را به کار می‌گیرد که موجب توان‌زدایی کسانی می‌شود

که باید پیشگامان تغییر باشند. برای یک اقدام اجتماعی، تعیین و اجرای دستیابی به اهدافی خاص به منظور بهسازی شرایط، امری مشروع می‌باشد ولی آنچه به مراتب اساسی‌تر است افزایش همزمان قابلیت شرکت‌کنندگان در کوششی برای کمک به پیشرفت است. لزوم قابلیت‌سازی البته تنها محدود به افراد نیست، بلکه در مورد مؤسسات و جامعه - دو شرکت‌کننده دیگر در پیشبرد تمدن - نیز به همان میزان حائز اهمّیت است.

ایجاد قابلیت در افراد، متضمّن توسعه برخی از قابلیت‌های وابسته به هم است، از جمله قابلیت علمی، هنری، فنی، اجتماعی، اخلاقی و روحانی. برای پیشبرد یک زندگی ثمربخش، افراد باید دارای درکی از مفاهیم، دانشی از حقایق، تسلّطی بر روش‌ها و همچنین مهارت‌ها، نگرش‌ها و صفات روحانی لازم باشند. ایجاد قابلیت در جامعه به عنوان یک هویت مستقل، مستلزم تغییر و تبدیل آن به محیطی مناسب برای غنابخشی به فرهنگ است، چرا که ایجاد محیطی که در آن اراده افراد درهم آمیزد، توان‌ها چندین برابر شود و خود را در اقدام جمعی متجلی سازد، و تجلّیات متعالی روح انسانی امکان ظهور یابد، بر عهده جامعه است.

ورای آموزش افراد و پرورش حیات جامعه، استراتژی‌های توسعه باید به تقویت ظرفیت مؤسسات نیز توجه لازم را مبذول دارد. در هر سطحی از اجتماع به مؤسساتی نیاز است که به عنوان مجراهایی عمل نمایند که از طریقشان استعداد و انرژی افراد و گروه‌ها در خدمت به بشریت متجلی گردند. یکی از دستاوردهای پر افتخار ۱۸۰ سال حیات جامعه بهائی - حیاتی که گاهاً در شرایط نامساعد ادامه یافته - ایجاد ساختار هیئت‌های انتخابی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملّی و بین‌المللی است که این سلسله مراتب، تصمیم‌گیری را برای سطوح پایین‌تر میسر و از این طریق، امکان اقدام در سطح مردمی را فراهم می‌کند؛ در عین حال با ایجاد هماهنگی و تفویض اختیار، همکاری را در مقیاس جهانی امکان‌پذیر می‌سازد. تلاش‌های توسعه بهائی در سطح جهان از راهنمایی و حمایت این نظم اداری بهره‌مند می‌شوند.

«باید دامن همّت به کمر
غیرت زد و از هر جهت به
اسباب آسایش و راحت و
سعادت و معارف و تمدّن
و صنایع و عزّت و شرف و
علوّ منزلت جمعیت بشریّه
تشبّث نمود.»
- حضرت عبدالبهاء

رشد ارگانیک

از منظر بهائی، پیشرفت در زمینه توسعه عمدتاً وابسته به تحرکات و انگیزه‌های طبیعی در سطح مردمی است و باید نیروی انگیزشی خود را از همین تحرکات به دست آورد. تلاش‌های بهائی در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی عموماً در مکان‌هایی پدید می‌آید که احساسی آشکار از همبستگی وجود دارد و آگاهی و اراده جمعی رو به رشد، در حال آشکار شدن است. این تلاش‌ها غالباً با اقداماتی نسبتاً ساده آغاز می‌شوند که جامعه محلی توان مدیریت آن را دارد. در عین حال که شرکت‌کنندگان موفقیت کسب می‌کنند، تجربه به دست می‌آورند، و ظرفیت خود را برای اتخاذ و اجرای تصمیمات مربوط به پیشرفت مادی و روحانی‌شان افزایش می‌دهند، پیچیدگی به صورت طبیعی و ارگانیک افزایش می‌یابد. اقدامات محلی به پروژه‌های پایدارتر با اهداف مجذانه‌تر می‌انجامند. در همه موارد، ساختارهای سازمان‌دهی‌ای برای همراهی این پروژه‌ها به وجود می‌آیند و برخی از این نهادهای نوظهور، پتانسیل تبدیل به سازمان‌های توسعه کارآموده‌ای با توانایی اجرای برنامه در حیطه وسیعی از عمل را دارند. وجود چنین سازمان‌هایی در یک منطقه برای دستیابی به پیشرفت چشمگیر ضروری است. اگرچه یک پروژه مجزاً ممکن است برای مدتی نتایج ملموس داشته باشد اما تجربیات جهانی به وضوح نشان می‌دهد که اقدامات پراکنده در حیطه‌های بهداشت، آموزش، کشاورزی و غیره نمی‌تواند به توسعه پایدار بینجامد. هیچ شاخه‌ای از دانش نمی‌تواند برای همه مشکلاتی که بشریت را در خود غرق کرده راه حل ارائه کند. توسعه کارآمد واضحاً نیازمند اقدام هماهنگ، میان‌رشته‌ای و چندبخشی است. برای ایجاد انسجام میان شاخه‌های مختلف و هماهنگی لازم برای پیشرفت مداوم، ساختارهای سازماندهی‌ای مورد نیاز است که توانایی رویارویی و حل درجات رو به افزایش پیچیدگی در سطوح نظری و اداری را داشته باشد. شبکه روزافزونی از چنین سازمان‌هایی در جامعه جهانی بهائی همچنین شرایطی را فراهم می‌کند که روش‌ها

و رویکردهایی که به‌خوبی در یک کشور یا منطقه شکل گرفته‌اند، با دیگران به اشتراک گذاشته شوند و به این ترتیب مسیری طبیعی برای انتقال دانش به وجود آید.

یادگیری به عنوان شیوه عمل

محور اصلی تلاش‌های توسعه بهائی در هر سطحی از اقدام، یادگیری می‌باشد. بهائیان به عنوان اعضای یک جامعه دینی به مجموعه‌ای از باورها و اصول بنیادین مشترک معتقدند اما کاربرد خردمندانه این اصول برای تحوّل اجتماعی چیزی است که باید از طریق تجربه آموخته شود. بنابراین، دغدغه به‌کارگیری اصول روحانی مسئله‌ای مهم و اساسی در تمامی اقدامات جمعی جامعه بهائی است. این اصول نه تنها به راه‌حل‌های عملی اشاره می‌کنند، بلکه موجب برانگیختن نگرش، اراده و پویایی می‌شوند که اجرای آنها را تسهیل می‌نمایند. برای فرایند یادگیری، محتوا و روش‌های عملی نیز به همان اندازه مهم هستند، چرا که حقیقت دینی صرفاً در مورد ادعاهای مبهم نیست بلکه گزاره‌هایی است که به آزمایش، کاربرد و تولید سیستم‌ها و فرایندهایی منجر می‌شود که نتایجشان می‌تواند از طریق مشاهده و با استفاده از منطق اثبات شود. به‌علاوه، پیشرفت اجتماع مستلزم چندین برابر شدن وسایل مادی است که با مجهودات علمی در حیطه‌هایی مانند اقتصاد، کشاورزی و حفاظت از محیط زیست تولید می‌شوند. به بهترین وجه، توسعه را می‌توان فرایند مطالعه، مشورت، عمل و تأمل بر عمل توصیف کرد؛ کلیت این فرایند یادگیری در پرتو هدایات موجود در تعالیم دینی و دانش به دست آمده از علم صورت می‌پذیرد.

وقتی کارها به این ترتیب انجام می‌شوند، بینش‌ها و خط مشی‌ها بارها مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرند. در حین انجام امور، موانع برطرف می‌گردد، منابع افزایش می‌یابد، درس‌ها آموخته می‌شود و در اهداف و روش‌ها تعدیل و اصلاحات به عمل می‌آید. فرایند یادگیری که از طریق ترتیبات مناسب تشکیلاتی هدایت می‌شود، به قسمی بسط می‌یابد که با رشد و تحوّل مشابه است بدین



ایالات متّحده آمریکا



معنی که از تغییرات متشّنت و بی‌نظم احتراز می‌شود و تداوم عمل حفظ می‌گردد.

در جامعه جهانی بهائی، فرایند یادگیری در باره توسعه در سطوح مختلف بسط می‌یابد. اساساً این فرایند در سطح محلی، در روستاها و محله‌های سراسر جهان که تعداد فزاینده‌ای از مردم و مؤسسات در حال تلاش برای ترویج پیشرفت مادی و روحانی جوامعشان هستند ظاهر می‌شود. اثربخشی این کوشش‌ها به میزان بهره‌مندی و مشارکت ایشان در فرایند جهانی یادگیری بستگی دارد - فرایندی جهانی در باره رفاه مادی و معنوی کلّ نوع بشر.

بنابراین ساختارهایی در همه سطوح، از محلی تا ملی و بین‌المللی، مورد نیاز است تا یادگیری در باره توسعه را تسهیل کند. در سطح بین‌المللی، «سازمان توسعه بین‌المللی بهائی» در مرکز جهانی در حیفا، اسرائیل تأسیس شده است. این سازمان به تقویت قابلیت مؤسساتی در هر کشور به منظور ترویج تلاش‌های بهائی در زمینه توسعه کمک کرده، اطمینان حاصل می‌کند که منابع مادی به طور روزافزون در اختیار چنین اقداماتی قرار گیرند، و بر اساس بصیرت‌های به دست آمده در سراسر جهان و در پاسخ به سؤالات پیش آمده توصیه‌هایی کلی ارائه می‌کند. سازمان توسعه خود را یک نهاد یادگیری مختص سیستماتیک کردن تجارب روزافزون جهانی می‌داند، تجاربی که با مشارکت تعداد فزاینده‌ای از افراد، نهادها و جوامع در توسعه اجتماعشان حاصل شده است. بدین ترتیب رویکردی به توسعه که مورد توجه و تمرکز قرار می‌گیرد از طبقه‌بندی‌های «از بالا به پایین» یا «از پایین به بالا» به دور و بر تعاضد و همبستگی مبتنی می‌باشد.

صفحات پیش رو، مروری بر تلاش‌های بهائیان در زمینه توسعه است. در اینجا مشارکت در حیطه توسعه توسط هزاران بهائی که در زندگی حرفه‌ای خود در بسیاری از نهادها - در بخش عمومی و جامعه مدنی - برای دست یافتن به جهانی بهتر تلاش می‌کنند، عمیقاً مورد بحث قرار نمی‌گیرند؛ هرچند که این به معنای اهمّیت کمتر آن نیست.

بالا: جزایر قناری. پایین سمت چپ
و راست: ایالات متّحده آمریکا





مروری بر ابتکارات توسعه بهائی

بهائیان در بیش از ۱۰۰,۰۰۰ نقطه در تقریباً هر کشور و قلمروی عالم در کنار دیگران زندگی و کار می‌کنند. بهائیان عالم را می‌توان نماینده تنوع نژاد بشری دانست.

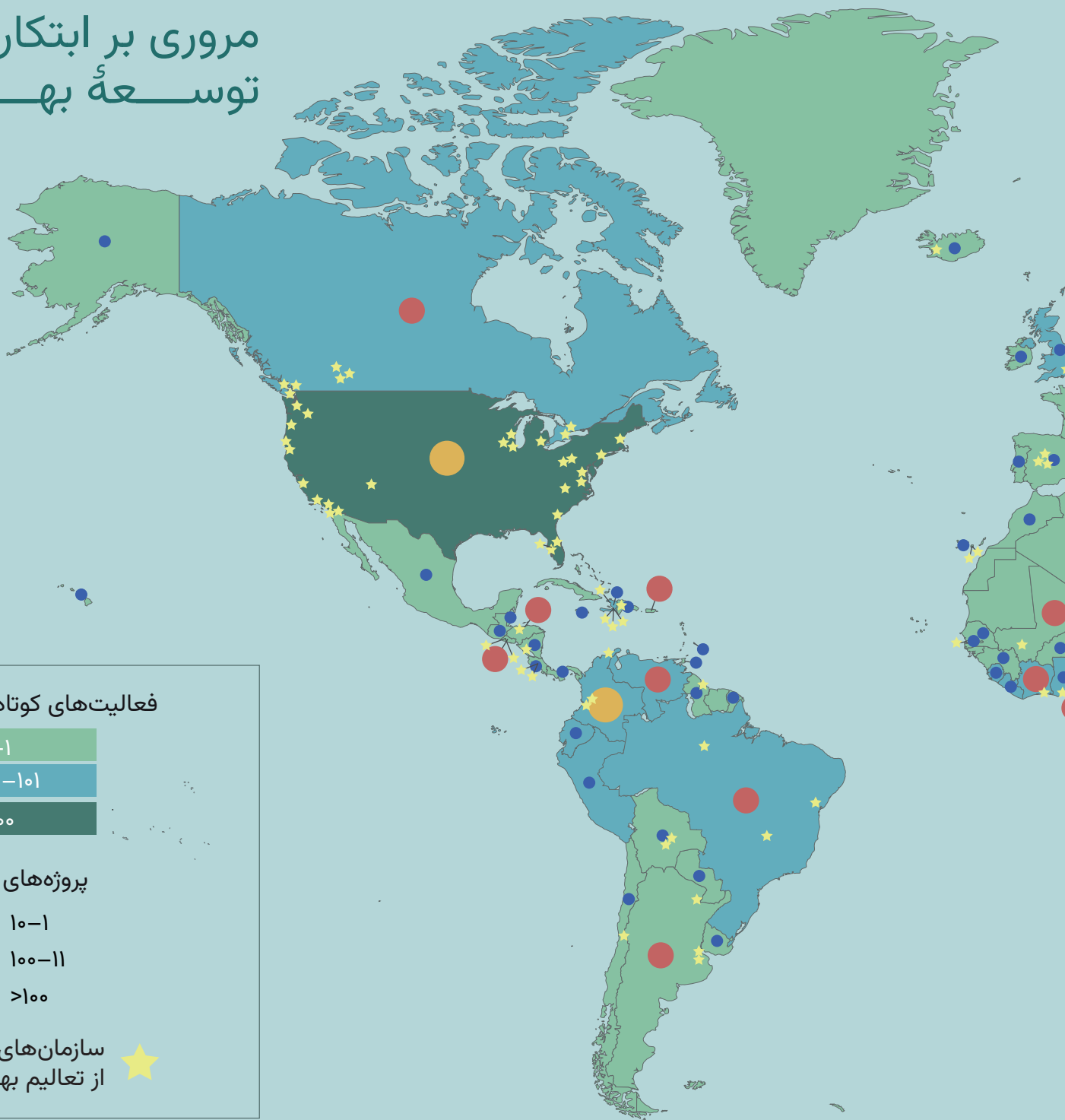
خانواده‌های بهائی و دوستانشان در هر کجا که ساکن باشند، به کسب بصیرت از تعالیم و به‌کارگیری این اصول در پیشرفت روحانی و مادی جوامعشان اشتغال می‌ورزند. آنها در حالتی مخصص به شوق یادگیری و عاری از ادعای درک انحصاری از حقیقت در فرایند جامعه‌سازی مشارکت می‌کنند - فرایندی برای همگان صرف‌نظر از پیشینه مذهبی، جایگاه اجتماعی، جنسیت، نژاد یا قومیت. بهائیان می‌کوشند برای آینده نوع انسان امید به بار آورند، تلاش‌های هدفمند را ترویج دهند و مجهودات همه کسانی را که برای ترویج وحدت و از بین بردن مصائب بشری تلاش می‌کنند، ارج نهند.

از جمله مجهودات بهائیان و همکارانشان از تمامی اقشار، اقدامات اجتماعی و اقتصادی با هدف توسعه جوامع و کشورهایی است که به آن تعلق دارند. مجهودات توسعه اجتماعی و

اقتصادی در طیفی از پیچیدگی قرار می‌گیرند. این فعالیت‌ها، مساعی نسبتاً غیررسمی و کوتاه‌مدتی را که گروه‌های کوچکی از افراد انجام می‌دهند، پروژه‌هایی که به مرور زمان پایدارتر می‌شوند، و نهایتاً برنامه‌های پیچیده و پیشرفته سازمان‌های توسعه ملهم از تعالیم بهائی را دربرمی‌گیرد. دامنه و پیچیدگی اقدام اجتماعی در هر زمان، قطع‌نظر از شرایط و اوضاع، باید متناسب با تعداد و قابلیت‌های افراد موجود در جامعه برای انجام آن اقدام باشد. همان‌طور که در بخش قبل مطرح شد، پیچیدگی به نحوی ارگانیک پدیدار می‌شود.

هر اقدام اجتماعی، صرف‌نظر از آنکه در کجای طیف قرار گیرد، نمایانگر کوششی برای به‌کارگیری مفاهیم و اصول تعالیم بهائی به منظور اصلاح یک و یا بعضی از جنبه‌های حیات مادی یک اجتماع می‌باشد. در چند بخش بعد، اقدامات توسعه در سطوح مختلف پیچیدگی و نحوه آغازشان به تصویر کشیده شده‌اند. نقشه صفحه بعد مقیاس این اقدامات را در کشورهای سراسر جهان نشان می‌دهد.

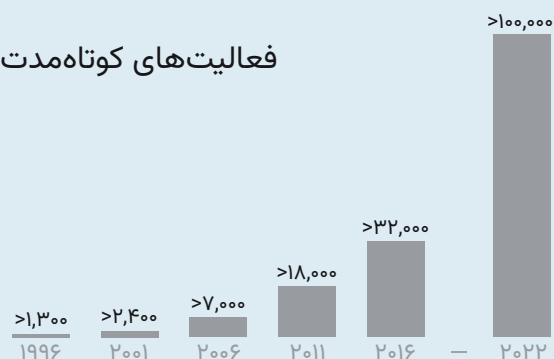
مروری بر ابتکارات توسعه بهائی

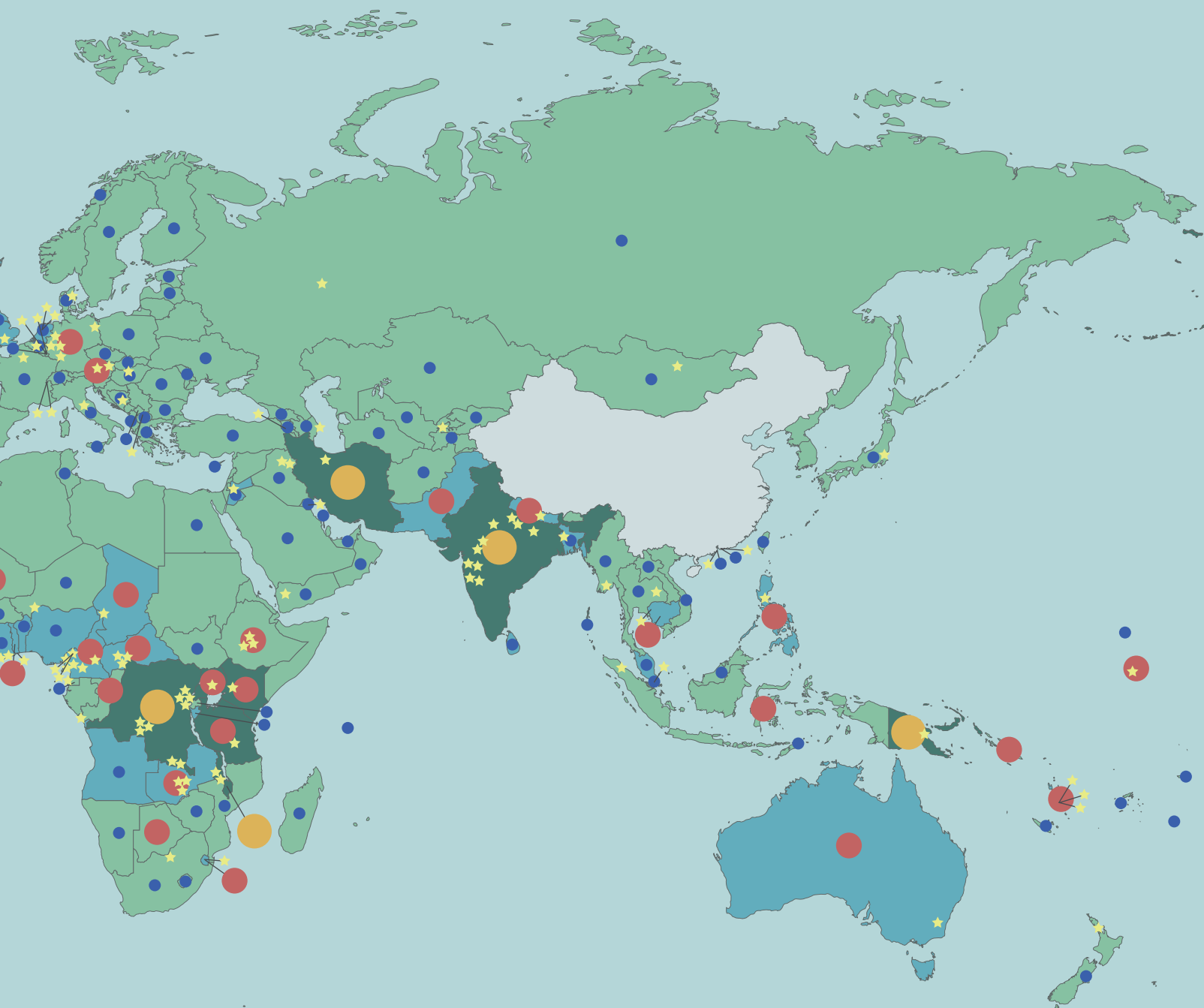


رشد کیفی اقدامات توسعه از ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۲*

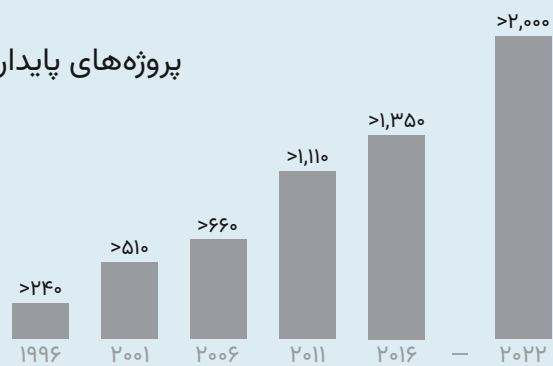
* ارقام تخمینی فوق‌الذکر بر اساس اطلاعاتی است که مؤسسات ملی بهائی در اختیار «سازمان توسعه بین‌المللی بهائی» قرار داده‌اند. برای توضیحات بیشتر در رابطه با دسته‌بندی‌ها به صفحات ۱۸ تا ۳۳ مراجعه کنید.

فعالیت‌های کوتاه‌مدت

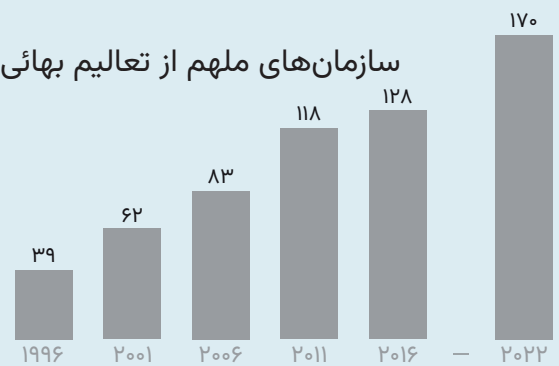




پروژه‌های پایدار



سازمان‌های ملهم از تعلیم بهائی



نخستین حرکت‌ها

آغاز تحرّکی جدید در زمینه اقدام اجتماعی را می‌توان نشان از جمعیتی دانست که در درون خود قابلیت به‌کارگیری اصول روحانی را به منظور پیشرفت اجتماعی و مادی اجتماع پرورش می‌دهد. اکثریت چنین ابتکاراتی در مقیاس محدود، نسبتاً غیررسمی و ماهیتاً کوتاه‌مدت‌اند.

به حلقه‌های مطالعه‌ای که قابلیت خدمت را در جوانان و بزرگسالان افزایش می‌دهند و به گردهمایی‌هایی برای عبادت جمعی که خصلت نیایش را در جامعه تقویت می‌کنند. زن و مرد، پیر و جوان با قیام به انجام این خدمات و خدمات دیگر درمی‌یابند که با نیروی اعمال طاهره مقدّسه، توانایی تحوّل دنیای اطراف خود را دارند.

فعالیت‌های کوتاه‌مدت

اغلب در مکان‌هایی که این نوع فرایند قابلیت‌سازی در جریان است و در جامعه احساسی آشکار از همبستگی وجود دارد، اولین طلیعه‌های بارز آگاهی اجتماعی را می‌توان در پدید آمدن گروه‌های کوچکی مشاهده نمود که با توجّه به یک دغدغه اجتماعی یا اقتصادی، چند اقدام ساده و مناسب را آغاز می‌نمایند.

این قبیل ابتکارات محلی، غالباً غیررسمی و کوتاه‌مدت‌اند و پس از رسیدن به اهدافشان پایان خواهند یافت. این ابتکارات ممکن است بسته به شرایط اجتماعی یک محل به طیفی از دغدغه‌ها مربوط و اشکال متنوّعی داشته باشند، از جمله: فعالیت‌هایی برای کمک به آموزش کودکان، اقداماتی به منظور پرداختن به یک مشکل محیط زیستی، پروژه‌هایی برای پاسخ‌گویی به یک نیاز بهداشتی به‌خصوص یا پیش‌گیری از یک بیماری خاص، و ابتکاراتی برای افزایش آگاهی در مورد موضوعات مهم. به طور تخمینی، سالیانه بیش از ۱۰۰۰۰۰ مورد از چنین فعالیت‌هایی در جوامعی که بهائیان ساکن‌اند اجرا می‌شود. چند نمونه از این ابتکارات در صفحه بعد ارائه شده‌اند.

بهائیان در تلاشند الگویی از حیات جمعی را ایجاد کنند؛ الگویی که عبادت را با فعالیت‌هایی درهم می‌آمیزد که خیر عموم را ترویج می‌دهند. یادگیری در کانون چنین کوشش‌هایی قرار دارد. گروهی از افراد در کنار دیگر اعضای جامعه محلی، فارغ از باور و پیشینه، از طریق فرایند مداوم مطالعه، اقدام، مشورت و تأمل، بررسی می‌کنند که چگونه آموزه‌های روحانی را در حیات روستا یا محله‌ای که در آن ساکن‌اند به کار بندند. این گروه کوچک از دوستان در محیطی عاری از هرگونه حس برتری، محتوایی را مطالعه می‌کنند که به آنها در کسب مهارت‌ها، منش‌ها، صفات روحانی و دانش لازم برای خدمت به جوامعشان کمک می‌کند. نیروی شرکت‌کنندگان از طریق مشورت - فرایند تصمیم‌گیری جمعی که در آثار بهائی توصیه شده است - در مسیر اقدام هدایت می‌شود. مشورت، علاوه بر فراهم کردن فضایی مناسب برای تصمیم‌گیری جمعی، به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد هماهنگی میان دیدگاه‌های متفاوت، ترویج وحدت مابین اعضای متنوّع جامعه، و تقویت پیوندهای اعتماد و محبت میان افراد و مؤسسات عمل کرده، اجازه می‌دهد بصیرت‌های جدید در مورد مسائل پیچیده مطرح گردد و بی‌طرفانه مورد بررسی قرار گیرد.

مطالعه و مشورت به اقدام آگاهانه و معنادار می‌انجامد. از جمله خدماتی که توسط افراد و گروه‌ها انجام می‌شوند می‌توان به کلاس‌هایی اشاره کرد که به آموزش روحانی کودکان می‌پردازند، به برنامه‌ای برای تواندهی اخلاقی که انرژی افراد در سنین حیاتی انتقالی را به سوی پیشرفت جامعه هدایت می‌کند،

«هر نوع اقدام اجتماعی، صرف‌نظر از دامنه و مقیاس آن، کوششی برای به‌کارگیری تعالیم و اصول امر الهی به منظور اصلاح یک و یا بعضی از جنبه‌های حیات اجتماعی یا اقتصادی گروهی از مردم می‌باشد.»
- بیت العدل اعظم



چند نمونه از فعالیت‌های کوتاه مدت

یک خانواده در محله‌ای در استکهلم در **سوئد** به منظور مهیا کردن فضایی برای گفتگوی معنادار در جامعه، یک کارگاه هنری در فضای عمومی که ورود به آن آزاد بود ترتیب داد. از طریق این اقدام، گروهی از داوطلبین، از جمله چند تن از هنرمندان محلی، یک نقاشی دیواری با موضوع تحول روحانی و مادی خلق کردند.

در آغاز همه‌گیری کرونا گروهی از جوانان ماکینی در **سیرالئون** با الهام از نقش مهمی که جوانان در خدمت به جامعه ایفا می‌کنند، فیلمی در مورد اطلاعات و اقدامات بهداشتی ساختند. این ابتکار به پزشکان، رهبران روستا و جامعه بزرگتر در این دوران خطر کمک نمود.

گروهی از جوانان سائو سیباستیائو در **برزیل** درباره محیط زیست محلی مشورت کردند و تصمیم گرفتند رودخانه‌ای را از زباله پاکسازی کنند. این گروه همچنین خبرنامه‌ای را با هدف افزایش آگاهی در مورد حفاظت از محیط زیست و به اشتراک‌گذاری اخبار سرورانگیز ایجاد کرد. با گذشت زمان، یکی از مقامات شهرداری از تلاش این گروه برای پاکسازی مطلع شد و منابع کافی را برای تقویت این اقدام فراهم نمود.

در دورهام در ایالات متحده چند گردهمایی جامعه برای مشورت در مورد این موضوع که چگونه چند گروه خانواده می‌توانند منابعشان را با یکدیگر شریک شده و از هم حمایت کنند تشکیل شد. چند ابتکار، از جمله کلینیک‌های واکسیناسیون و کلاس‌های زبان برای والدینی که تازه وارد کشور شده بودند، آغاز گردید.

گروهی از جوانان در باتامبانگ در **کامبوج** به منظور زیباسازی روستا و ایجاد سایه برای مقابله با گرما، در حاشیه یک جاده درخت کاشتند. اعضای این گروه پیش‌بینی نکرده بودند که یک سال بعد، تلاش‌هایشان آن بخش از جاده را از فرسایش شدید در زمان شروع سیل محافظت خواهد کرد.

بعد از وقوع طوفان در دلی در **تیمور لسته** مؤسسات بهائی و مقامات محلی شانه به شانه جوامع در امداد رسانی فعالیت کردند. جامعه بهائی در توزیع بسته‌های مواد غذایی، پشه‌بند و دیگر وسایل ضروری به بیش از ۷۰۰۰ نفر در ۱۳ روستا و محله، بدون توجه به پیشینه یا باورهایشان، کمک نمود.

هرچند محدود، این فعالیت‌ها نمایانگر مردمانی است که می‌کوشند با به‌کارگیری اصول روحانی مانند یگانگی، سخاوت و صداقت به چالش‌های پیش روی جوامعشان

پاسخ دهند. اگرچه به‌تنهایی، تأثیرگذاری این اقدامات ممکن است اندک به نظر رسد اما نمی‌توان نیروی تقلیب‌کننده هزاران هزار اقدامی را ناچیز انگاشت که توسط تعداد فزاینده افرادی از واقعیت‌های اجتماعی متنوع اما مرتبط با هم در یک چارچوب مشترک یادگیری صورت می‌پذیرند. همچنان‌که چنین اقداماتی در یک جامعه تکثر می‌یابند، به تقویت بافت اجتماعی کمک کرده، فرهنگ مشارکت و ابتکار را تشویق می‌کنند و قابلیت مشورت و تصمیم‌گیری جمعی را افزایش می‌دهند؛ نهایتاً محیط برای اقدامات پیچیده‌تر توسعه مساعدتر خواهد شد. صفحه بعد تصویری از این تجربه را ارائه می‌دهد.





بررسی عمیق: تنوع ابتکارات در یک جامعه

متاندره محله پرجمعیتی در لیلونگوه در کشور **مالاوی** است. چند ابتکار مردمی در محدوده ۵۰۰ خانه در متاندره جریان دارد. گروهی از جوانان که در برنامه‌های آموزشی بهائی شرکت کرده بودند، قدم‌های اولیه را برای ارائه کلاس‌های آموزش روحانی به کودکان و گروه‌های نوجوانان (به صفحه ۵۲ مراجعه شود) در اطراف منازلشان برداشتند. از آنجاکه والدین مشوق پیشرفت تحصیلی و رشد اخلاقی فرزندان‌شان بودند، تعداد شرکت‌کنندگان به سرعت افزایش یافت. دیگر جوانان نیز ابراز داشتند که مایل‌اند برای تشکیل کلاس به عنوان منبع انسانی آموزش ببینند. به مرور الگویی از حیات جامعه که عبادت و خدمت را در کنار هم قرار می‌دهد ریشه دواند و به تعداد زیادی از خانواده‌های جوانان نیز گسترش یافت.

همکاری و مشورت این هسته مرکزی در حال تزايد، روحیه مساعدت متقابل و دغدغه رفاه جامعه را افزایش داد و طبعاً به مجهودات بیشتری انجامید. طیفی از پروژه‌های خدمتی از ابتکارات گروه‌های نوجوانان نشأت گرفت، از جمله ملاقات و کمک به بیماران و سالمندان و ایجاد یک باغچه سبزیجات برای شریک شدن محصولات آن با نیازمندان. اعضای یکی از این گروه‌ها بیان کردند: «ما باید به یکدیگر عشق بورزیم، دور هم جمع شویم و یاد بگیریم که مانند اعضای یک خانواده زندگی کنیم. ما باید چیزهایی که دوستانمان ندارند اما مورد نیازشان است را با آنها شریک شویم و این عادت را در خودمان تقویت کنیم. هر چه داریم را باید با کسانی که ندارند شریک شویم.»

جوانان نیز به صورت منظم گردهم آمدند تا در مورد تحصیلات خود مشورت و بر محدودیت‌های موجود در مدارس محلی غلبه کنند. این گفتگوها منجر به ترتیب‌دهی چندین اقدام کمک‌درسی غیررسمی شد. در این اقدام، جوانان آنچه را می‌دانستند به یکدیگر می‌آموختند و یا از کمک افرادی با دانش و اطلاعات بیشتر در یک مطلب درسی استفاده می‌کردند. میل به بهره‌مندی از استعداد‌های یکدیگر به حیطه هنر نیز بسط یافت. برخی از جوانان که به تولید موسیقی علاقه داشتند،

درب خانه‌های خود را به روی جوانان کم‌سن‌تر گشودند تا مهارت‌هایشان را به آنها آموزش دهند. در این کلاس‌ها جوانان تلاش کردند آهنگ‌هایی بسازند که پیامشان مثبت و منعکس‌کننده برترین آمال یک جامعه باشد. این گروه در حال تزايد از جوانان از طریق این اقدامات می‌آموزند که چگونه استعداد‌های متنوع موجود در یک جامعه می‌تواند در ابتکاراتی که به رفاه دیگران کمک می‌کند تجلی یابد.

ملاقات‌های خانگی منظم و گفتگوی فردی و گروهی با والدین کودکان نیز بخشی از این الگوی در حال ظهور حیات جامعه بوده است. در این گفتگوها مادرانی که از آموزش روحانی کودکان حمایت می‌کردند اشتیاقشان را برای افزایش سطح دانش خود بیان کردند و تعدادی از جوانان داوطلب برگزاری کلاس سوادآموزی برای افراد علاقه‌مند شدند. برخی از مادران جوان نیز با کمک یکدیگر چند فعالیت محدود درآمدزا برای بهبود شرایط اقتصادی خود آغاز کردند. شرکت‌کنندگان نهایتاً دو گروه را برای پس‌انداز تشکیل دادند که امکان دریافت وام‌های کم‌مبلغ را برای فعالیت‌های اقتصادی‌شان فراهم کرد.

چند مثال دیگر از فعالیت‌های کوتاه‌مدت

کانادا و فرانسه: کمپین‌های آگاهی رسانه در باره سلامت روان (ص ۶۴) در بخش «بهداشت و سلامت»
اکوادور و کنیا: کمپین‌های آگاهی بوم‌شناختی (ص ۶۶) در بخش «محیط زیست»

بحرین و نیال: ابتکار کاشت درخت (ص ۶۶) در بخش «محیط زیست»
کاستاریکا و برزیل: پروژه‌های پاکسازی رودخانه (ص ۶۶) در بخش «محیط زیست»

وانواتو: پروژه‌های خدمتی نوجوانان برای آگاهی‌رسانی در باره محیط زیست (ص ۶۷) در بخش «محیط زیست»

تونس: گردهمایی با هدف ترویج فرهنگ همکاری (ص ۷۱) در بخش «پیشرفت زنان»

استرالیا: ساختن آهنگ‌هایی توسط جوانان برای امیدبخشی (ص ۷۵) در بخش «هنر و رسانه»

موزامبیک و مالزی: توزیع بسته‌های غذایی بعد از سیل (ص ۷۶) در بخش «کمک‌های بشردوستانه»

ایالات متحده: امداد رسانی جوانان در دوران همه‌گیری (ص ۷۸) در بخش «کمک‌های بشردوستانه»

ایتالیا: ساختن آهنگ‌هایی توسط جوانان برای امیدبخشی (ص ۷۸) در بخش «کمک‌های بشردوستانه»

هند: توزیع غذا به خانواده‌ها توسط مؤسسات بهائی (ص ۷۸) در بخش «کمک‌های بشردوستانه»

عراق: گروه ویژه برای کمک بهداشتی و درمانی (ص ۷۹) در بخش «کمک‌های بشردوستانه»

اردن و اسپانیا: فعالیت رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی در باره همه‌گیری (ص ۷۹) در بخش «کمک‌های بشردوستانه»



شده که توسط منابع محلی تداوم یافته است. خانواده‌ها و معلمان امیدوارند که این مدرسه رشد کرده و با همکاری یک سازمان ملهم از تعلیم بهائی که در مجاورتشان دوره‌های تربیت معلم برگزار می‌کند به تدریج همه کلاس‌های دوره ابتدایی را ارائه دهد



طبیعتاً دوستان نسبت به افراد متخصص و سازمان‌های مختلف موجود در جامعه که برای رفاه مردم فعالیت می‌کردند آگاه‌تر شدند و از طریق همکاری با این نهادها چند ابتکار مردمی دیگر پدیدار شد. برای مثال در حین مشورت در باره کمک به چند دختر جوان که ترک تحصیل کرده بودند، با سازمانی در جامعه که بر ترویج آموزش دختران متمرکز بود، تماس گرفتند. با حمایت این سازمان، دوستان توانستند به این چند دختر کمک کنند که دوباره به مدرسه بازگردند. در جایی دیگر پس از آغاز همه‌گیری کرونا، جوانان داوطلب شدند تا با همراهی یک گروه جامعه که در زمینه ترویج سلامت فعالیت می‌کرد به افزایش آگاهی در محله در باره این بیماری و راه‌های پیشگیری و درمان کمک کنند.

جوانان و خانواده‌هایشان با تکیه بر تجربیات به دست آمده و در فرهنگ مشورت و حمایت متقابل، مدیریت امور پایدارتر و پیچیده‌تر را نیز می‌آموزند. به عنوان مثال، یک پیش‌دبستانی جامعه اخیراً در محله تأسیس

پروژه‌های پایدار برخاسته از جامعه

بهائیان - که اغلب شانه به شانه دیگران کار می‌کنند - علاوه بر اجرای بیش از صد هزار ابتکار کوتاه‌مدت مردمی به طور سالانه، در بیش از ۲۰۰۰ پروژه جاری که در طول زمان پایدار شده‌اند و معمولاً مقیاس وسیع‌تری دارند، مشارکت می‌کنند. برخی از پروژه‌ها از مساعی کمتر و محدودتری که در صفحات قبل توضیح داده شد پدید می‌آیند، در حالی که دیگر فعالیت‌ها از ابتدا به عنوان پروژه‌هایی ساختارمند آغاز به کار کرده‌اند.

از قبیل صداقت، امانت و خدمت خالصانه منطبق باشد. تعداد روزافزونی از جوامع قادرند تا از برنامه‌های آموزشی نویدبخشی استفاده نمایند که در نقاط دورتر توسعه یافته اما با واقعیت محلی‌شان سازگاری دارد (برای مطالعه بیشتر به صفحات ۸۰ الی ۸۵ مراجعه کنید). چنین برنامه‌هایی به تقویت قابلیت‌های افراد و مؤسسات موجود در جامعه کمک نموده و اغلب منجر به شروع پروژه‌های پایدار بیشتر برای تمرکز بر دیگر جنبه‌های حیات جامعه می‌شوند.

امروزه در سراسر جهان بیش از ۲۰۰۰ ابتکار پایدار برخاسته از جامعه در حال اجراء است که برخی از آن‌ها به سازمان‌های برخاسته از جامعه با ساختارهای اداری ساده‌ای تکامل یافته‌اند؛ به عنوان مثال: مدارس جامعه که برای کودکان فرصت تحصیل فراهم می‌کنند، مؤسسات علمی بزرگتر که به سطح گسترده‌تری از منطقه دسترسی دارند، کلینیک‌های محلی که خدمات اولیه بهداشتی ارائه می‌کنند، ایستگاه‌های رادیویی که برای جمعیت پیرامونشان برنامه تولید می‌کنند، تعاونی‌هایی که به هر عضو یاری می‌رسانند و ایشان را به همکاری و شریک شدن منابع با دیگران تشویق می‌کنند، برنامه‌های آموزش زبان و سوادآموزی که به افراد تازه‌وارد کشور کمک می‌کنند تا مشارکت معنادارتری در حیات جامعه داشته باشند، یا باغ‌های جامعه در محله‌های شهری که برای ساکنین محل مواد غذایی مفید تهیه کرده و پیوندهای اجتماعی را تقویت می‌کنند. صفحه بعد مثال‌هایی از ماهیت این نوع ابتکارات و نحوه ظهورشان را به تصویر می‌کشد.

همچنان‌که ابتکارات اقدام اجتماعی غیررسمی در سطح مردمی پدیدار می‌شوند، ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که در آن شماری از فعالیت‌ها از طریق فرایند مشورت، عمل و بازنگری به جهوداتی با ماهیت پایدارتر بینجامند. این رویداد زمانی محقق می‌شود که افراد پیش‌برنده یک اقدام خاص، نتایج تمرین‌های خود را مشاهده کنند، تجربیات بیشتری به دست آورند، و مسیرهای سازنده‌ای برای اقدام سیستماتیک شناسایی کنند. اما در برخی از موارد افراد یک پروژه را از ابتدا بلندمدت تجسم می‌نمایند. مالکیت جهودات پایدار اقدامات اجتماعی باید متعلق به خود جامعه باشد چرا که قابلیت‌سازی باور محوری جهودات بهائی در حیطه توسعه است. در پرتو این بینش، افراد دست‌اندرکار به نحوی ارگانیک و بر اساس قرائنشان از واقعیت، بدون فشار بی‌جا از بیرون، دامنه فعالیت‌های خود را گسترش می‌دهند. یادگیری در حین اقدام همچنان شیوه عملشان باقی خواهد ماند. اگرچه انتظار می‌رود که اقدام هماهنگ به مرور به نتایج قابل اتکایی بیانجامد اما موفقیت عمدتاً بر اساس تأثیر اقدام بر ایجاد قابلیت جمعی برای رسیدگی به مسائل توسعه در سطوح بالاتری از پیچیدگی و اثرگذاری سنجیده می‌شود.

در نقاطی که چنین جهوداتی آغاز می‌شوند مؤسسات اداری محلی بهائی نیز نقش مهمی در تشویق و حمایت ایفا کرده، در مقام مرجعیت اخلاقی اطمینان حاصل می‌کنند که جهودات گروه‌هایی که برای بهبود شرایط اجتماعات خود فعالیت می‌کنند، به شیوه‌ای پیش می‌رود که به صورت فزاینده‌ای با سایر فرایندهای حیات جامعه منسجم و با اصولی

«دانه بگته شجره
نمی‌شود نطفه دفعه
واحد انسان نمی‌شود
جماد دفعه واحد حجر
نمی‌شود بلکه به تدریج
نشو و نما می‌کنند و به
حد کمال می‌رسند.»
- حضرت عبدالبهاء



چند مثال دیگر از پروژه‌های پایدار برخاسته از جامعه

ایالات متحده: شبکه خردمدارس (ص ۴۱ در بخش «مدارس»)

آفریقای جنوبی: برنامه کمک‌درسی برای دانش‌آموزان که نمرات بالتری بگیرند (ص ۵۰ در بخش «شکوفایی استعداد جوانان»)

کامرون: حمایت از ابتکارات اقدام اجتماعی (ص ۵۶ در بخش «آمادگی برای اقدام اجتماعی»)

سنگاپور: باغ جامعه (ص ۶۱ در بخش «کشاورزی»)

رومانی: درمانگاه (ص ۶۴ در بخش «بهداشت و سلامت»)

ایسلند: پروژه احیای جنگل (ص ۶۶ در بخش «محیط زیست»)

وانواتو: محافظت از محیط زیست (ص ۶۷ در بخش «محیط زیست»)

میانمار: پروژه تأمین مالی خرد (ص ۶۸ در بخش «حیات اقتصادی»)

پاناما: ایستگاه رادیویی، صدای مردم بومی (ص ۷۴ در بخش «هنر و رسانه»)

اسپانیا: پروژه موسیقی ملهم از مضامین روحانی (ص ۷۵ در بخش «هنر و رسانه»)

جمهوری دموکراتیک کنگو: گروه گر در حین آهنگسازی (ص ۷۵ در بخش «هنر و رسانه»)

فیلیپین: ایستگاه رادیو (ص ۷۹ در بخش «کمک‌های بشردوستانه»)



کلمبیا



آمریکا



پاناما



بلژیک

بررسی عمیق: آغاز یک ابتکار پایدار برخاسته از جامعه در هند

چند دانش‌آموز دبیرستانی در سال‌های گذشته در یکی از برنامه‌های آموزشی بهائی که قابلیت خدمت را ایجاد می‌کند شرکت کرده‌اند. اعضای این گروه در بارهٔ آرزوهای تحصیلی خود با یکدیگر گفتگو کردند. یکی از چالش‌های پیش روی آنها و همسالانشان، دسترسی به یک محیط مناسب برای درس خواندن در اوقات خارج از ساعات مدرسه بود. با نزدیک‌ترین کتابخانه تقریباً سه کیلومتر فاصله داشتند و این مسافت طولانی اغلب عصرها امنیت کافی، به‌خصوص برای دختران نداشت. جوانان گروه همچنین در مورد این موضوع تأمل کردند که اغلب اوقات در حین درس خواندن احساس تنهایی کرده و مطالعه با یکدیگر تا چه حد می‌تواند مؤثرتر باشد.

پاسخ جمعی به یک چالش محلی

چند هفته بعد، این گروه در یک گردهمایی که توسط جامعهٔ بهائی برای تمامی جوانان روستا برگزار شده بود شرکت کردند تا در مورد نقش منحصر به فرد خود در کمک به بهبود اجتماع تأمل کنند. آنها ایدهٔ همکاری برای تأسیس یک کتابخانه را بررسی و پیرامون اهمیت مشارکت والدین و دیگر اعضای جامعه در این اقدام صحبت کردند. مجموعه‌ای از مشاورات با والدین و بزرگان - که همگی از ایدهٔ جوانان حمایت کردند - منجر به انتخاب یک اتاق اضافی در معبد روستا شد که ممکن بود بتوان از آن به عنوان محل کتابخانه استفاده کرد. کدخدای روستا که از نیاز مالی برای تأسیس فضایی جهت مطالعه اطلاع یافت تعهدات مالی را تقبل و به کتابخانه، روزنامه و مجله اهداء کرد. جوانان کتاب‌هایی را جمع‌آوری نمودند در حالی که دیگران وسایلی را به تجهیزات کتابخانه اضافه کردند. در جامعه مبلغی جمع‌آوری شد و در طول زمان کتاب‌های جدیدی از جمله کتاب درسی دورهٔ دبیرستان، کتاب داستان و متون مقدس ادیان به کتابخانه اضافه شدند.

ایجاد فضایی برای جوانان جهت مطالعه و حمایت از یکدیگر

جهت ادارهٔ این فعالیت، جوانان تصمیم گرفتند که سالانه از طریق رأی مخفی، مسئولی برای کتابخانه انتخاب کنند که به صورت داوطلبانه و با مشورت دیگران به مایحتاج کتابخانه رسیدگی کند. در آغاز کار، مبلغ جزئی ماهانه‌ای برای رسیدگی به هزینه‌های اولیهٔ وسایل در نظر گرفته شد.

طی سال‌های بعد بیش از ۱۰۰ جوان به عضویت کتابخانه درآمدند. کتابخانه به تدریج از چند جهت بر حیات جامعه تأثیر چشمگیر گذاشت. مثلاً در گذشته دانش‌آموزان به صورت انفرادی برای امتحانات آماده می‌شدند و به همین دلیل تعداد زیادی از آنها با چالش‌های تحصیلی دست و پنجه نرم می‌کردند اما کتابخانه فرهنگ مطالعهٔ جمعی و حمایت متقابل را در میان جوانان ترویج داد. بدین ترتیب، دست‌اندرکاران باید می‌آموختند که محیطی سرورانگیز و پذیرا برای همه به وجود آورند. یکی از دخترانی که اغلب از کتابخانه بازدید می‌کرد گفت: «چیزی که بیشتر از همه در اینجا دوست دارم روابط است. ما با هم در تعامل هستیم و به راحتی با یکدیگر صحبت می‌کنیم. هیچ‌کس در گروه احساس اضطراب نمی‌کند یا از دیگران خجالت نمی‌کشد. نگران این نیستیم که حرف اشتباهی بزنیم و مسخره شویم. هم دخترها و هم پسرها مورد احترام هستند و به آنها فرصت یکسان داده می‌شود. پروژه‌های عملی زیادی هم انجام دادیم و برای همین خیلی از مفاهیم علمی را بیشتر می‌فهمیم.»

همزمان با پیشرفت جوانان در درس‌هایشان، بسیاری از آنها دغدغهٔ پیشرفت تحصیلی افراد کوچک‌تر از خود را نیز داشتند. چند کلاس غیررسمی کمک‌درسی برای بعد از ظهرها تشکیل شد و جوانانی که تدریس می‌کردند مرتباً یکدیگر را ملاقات و در مورد ارتقاء استانداردهای آموزشی روستایشان مشورت می‌کردند. آنها به تدریج از این واقعیت آگاه شدند که کودکان و

نوجوانانی که در مدارس دولتی تحصیل می‌کنند تا چه حد در درس‌های خود چالش دارند و بدین ترتیب خط عمل دوم را آغاز کردند: کلاس کمک‌درسی مخصوص کودکان و نوجوانان.

غلبه بر بحران‌ها و دستیابی به سطوح بالاتری از وحدت

چالش‌ها و وقفه‌های موقت، جزئی ذاتی از مسیر رشد تمامی ابتکارات پایدار برخاسته از جامعه هستند. هنگام بروز مشکلات خاص، جوانانی که فعالیت کتابخانه را مدیریت می‌کردند مرتباً بر اهمیت به کار بستن مفاهیم روحانی مانند اتحاد، صبر و خدمت خالصانه تأمل می‌کردند. آنان با راهنمایی و تشویق مؤسسات بهائی محلی، مساعی خود را برای همکاری با افراد و مؤسساتی از پیشینه‌های گوناگون و همچنین تعمیق پیوندهای دوستی دوچندان کردند. از این طریق جوانان مشاهده کردند که بحران‌ها می‌توانند فرصت‌هایی برای دستیابی به سطوح بالاتری از وحدت و اثرگذاری باشند. این باور مدتی پس از شروع کار کتابخانه مورد امتحان قرار گرفت. چهار سال بعد، وسایل اهداء شده دیگر در دسترس نبودند و کتابخانه در خطر تعطیل شدن قرار گرفت. به بیان دیگر، موقعیتی پیش آمد تا جامعه مجدداً در مورد ماهیت و هدف این اقدام مشورت کند. با تأمل بر تجربیات به دست آمده، افراد یادآور شدند که کتابخانه نه تنها به جوانان کمک کرده تا فضای مناسبی برای مطالعه داشته باشند، بلکه الهام‌بخش سایر ابتکارات آموزشی و فرصتی برای ترویج اقدام جمعی در جامعه نیز بوده است. تأثیر این اقدام به بیرون از مرزهای جامعه گسترش یافته بود چرا که تعدادی از جوانان از نقاط مجاور به کتابخانه پیوستند و کدخدای یکی از روستاها ترتیب ساخت یک کتابخانه را برای جوانان جامعهٔ خود داد.

پس از چندین گفتگو و برگزاری گردهمایی‌های جامعه چشم‌انداز گسترده‌ای پدیدار شد. با حمایت مؤسسات محلی، کتابخانه به سالن



در بارهٔ این موارد مشورت کنیم: چگونه مرکز آموزش جامعه می‌تواند پیشرفت کند، چطور تعداد بیشتری از افراد کم‌سرن روستا می‌توانند از آن بهره ببرند، چگونه دختران بیشتری می‌توانند برای تحصیل مقطع مدرسه و دانشگاه به مرکز بیایند، و چگونه روحیهٔ همکاری و مساعدت متقابل می‌تواند افزایش یابد. تیم آموزشی همچنین در تلاش است تا یاد بگیرد که چگونه کیفیت کلاس‌های آموزشی را افزایش داده و محیطی سرشار از یادگیری و حمایت متقابل را در میان همهٔ راهنمایان و معلمان روستا تقویت کند.»

برخی عوامل بر رشد و توسعهٔ این اقدام تأثیر گذاشته‌اند. این ابتکار از ابتدا انعکاسی از آرزوهای جامعه بوده و به صورت ارگانیک و بر اساس منابع و ظرفیت‌های محلی رشد کرده است. گرچه حمایت مداوم جامعه و مؤسسات این فرایند را تقویت کرده اما تلاش گروهی از جوانان در مرکزیت این تجربه قرار داشته است - تلاش برای پرورش قابلیت‌هایی از قبیل توانایی اقدام در حالت یادگیری و ترویج وحدت در کثرت. در تمام این مدت، جوانان یکدیگر را حمایت کرده‌اند تا در تحصیلات دانشگاهی‌شان در شهر مجاور پیشرفت کنند و همزمان به سکونت و خدمت در جامعهٔ محلی خود ادامه دهند.

را مورد تحلیل و بررسی عمیق‌تر قرار داد - به عبارتی مشارکت مدارس دولتی، مدارس خصوصی، کلاس‌های کمک‌درسی، مراکز محلی مراقبت از کودک، کلاس‌های آموزش اخلاقی، گروه‌های مطالعهٔ همسالان و کلاس‌های آنلاین. علاوه بر خطوط عمل گذشته، تیم آموزشی هدف خود را تقویت پیوندهای همکاری با افرادی قرار داد که دغدغهٔ مشابهی در بارهٔ وضعیت آموزش در روستا داشتند؛ در شرایطی که ممکن است محیط رقابتی ایجاد شود، این گروه به دنبال پرورش روحیهٔ همکاری و حمایت متقابل در جهت کمک به خیر عمومی بود. مرکز آموزشی به عنوان اولین قدم گردهمایی‌هایی را جهت تأمل و بررسی برگزار کرد تا دست‌اندرکاران آموزش بتوانند تجربیات خود را به اشتراک گذاشته و از یکدیگر بیاموزند. وقتی تیم آموزشی متوجه شد که یک مدرسهٔ دولتی در روستا به دلیل کمبود امکانات تعطیل شده است، سایر افراد جامعه را بسیج کرد تا مدرسه به خدمت‌رسانی در روستا ادامه دهد.

با رشد فعالیت‌های مرکز آموزشی جامعه، دوستانی که به هماهنگی امور می‌پردازند تعدادی از حیطه‌های یادگیری برای سال‌های آینده را توصیف کردند: «ما در حال برنامه‌ریزی برای یک گردهمایی جامعه هستیم که در آن بتوانیم با همه

بزرگتری در مرکز روستا انتقال یافت. این مکان برای همهٔ سنین - برای دختران و پسران به طور یکسان - قابل دسترسی بود و به عنوان فضایی برای طیفی از اقدامات آموزشی از جمله کلاس‌های کمک‌درسی برای کودکان و نوجوانان مناسب‌تر بود. طی مشورت، نام «سامودایا شیکشا کَندرا» - به معنای «مرکز آموزشی جامعه» - برای مکان جدید انتخاب شد.

افزایش تقاضا و قرائت گسترده‌تر واقعیت

کمی بعد، اولین موج قرنطینه در زمان همه‌گیری کرونا در کشور آغاز شد. تعطیلی مدارس به معنای تشکیل کلاس‌های جدید بسیاری در مجاورت مرکز آموزشی بود. به منظور هماهنگ کردن تعداد رو به افزایش اقدامات داخل و اطراف مرکز، ترتیبات ضعیف گذشته به یک تیم آموزشی پنج نفرهٔ رسمی ارتقاء یافت.

این تیم آموزشی به منظور افزایش ظرفیت خود از پشتیبانی فنی یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی در منطقه - که در حیطهٔ آموزش معلمان و حمایت از مدارس جامعه تجربه داشت - استفاده کرد. با درک این نکته که مرکز آموزشی تنها یکی از بازیگران حیطهٔ آموزش در جامعه است، این تیم سیستم آموزشی موجود



گردهمایی‌های جاری برای مشورت و اقدام در جامعه

اکثریت تلاش‌های توسعه بهائی در روستاها و محله‌هایی آغاز گردیده‌اند که در جامعه احساسی آشکار و رو به افزایش از همبستگی وجود دارد. در چنین محیط‌هایی صرف‌نظر از حیطه اقدام - آموزش، کشاورزی، سلامت و یا شاخه‌های دیگر - پیشرفت پایدار واضحاً نه تنها به تواندهی افراد و گروه‌ها، بلکه به طور گسترده‌تری به قابلیت‌های افراد، جامعه و مؤسسات و همچنین ماهیت تعامل این سه شرکت‌کننده بستگی دارد. آثار بهائی بیان می‌کنند که هر چقدر صفات همکاری و مساعدت متقابل مابین مردمان فزونی یابد به همان نسبت «جمعیت بشریه در ترقی و سعادت قدم پیش‌تر نهد».

متکی بر این باور، فرصت‌هایی در سراسر عالم برای ساکنین، گروه‌ها و مؤسسات در سطوح مختلف به وجود آمده است تا گردهم آمده و در فرایند مداوم قرائت شرایط مادی و اجتماعی جوامعشان مشارکت کنند. این فضای مشارکتی بخش‌هایی از جمعیت را وارد گفتگویی برای تبادل آسان تجارب و منابع می‌کند. چنین گردهمایی‌هایی علاوه بر افزایش وحدت بینش و فکر، اغلب به ظهور ابتکارات کوتاه‌مدت برای حلّ برخی مسائل و همچنین ایجاد پروژه‌هایی که در طول زمان پایدار می‌شوند می‌انجامد.

در یکی از گردهمایی‌های جامعه در هند ۴۰ خانواده در حاشیه روستایی که پیش‌تر ارتباطش با برنامه‌های دولتی قطع شده بود، در مورد پیشرفت مادی و اجتماعی جامعه خود گفتگو می‌کردند. هنگامی که یکی از مؤسسات بهائی محلی، از یک نفر از اعضای شورای روستا برای شرکت در این گردهمایی دعوت کرد، ارتباط میان جامعه و دولت تقویت شد و مقامات دولتی بادقت بیشتری از واقعیت آن بخش از روستا آگاه شدند. پس از گردهمایی، این جامعه اقدامات سیستماتیکی ترتیب داد که همکاری با رهبران محلی را تقویت کرده و به ارتباط جامعه با طرح‌های مختلف ارائه شده توسط ساختارهای دولتی، مانند طرح‌های تأمین مالی خرد و رفاه کودکان، کمک کرد. به

«در جمیع امور به مشورت متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت، راه نماید و آگاهی عطا کند.»
- حضرت بهاءالله

واسطه چنین گام‌هایی ارتباط میان جامعه و دولت محلی به تدریج از دوری و بی‌اعتمادی به همکاری و اعتماد متقابل تغییر یافت.

در **پاپوآ گینه نو** یک گردهمایی جامعه سه روزه با بیش از ۶۰۰ نفر شرکت‌کننده توسط مؤسسات بهائی محلی و با همکاری مقامات دولتی ترتیب داده شد. در گفتگوهای غنی میان ساکنین منطقه، نمایندگان دولت محلی و اعضای شورای بخش، گام‌های گذشته شرح داده شدند و همچنین موانع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌ای که مانع پیشرفت روحانی و مادی مردم بوده‌اند مورد بررسی قرار گرفتند. شرکت‌کنندگان گردهمایی همچنین در مورد راه‌هایی مشورت کردند که همکاری را میان نهادهای مختلف مرتبط با فرایندهای اصلی حیات جامعه - از جمله تحصیلات متوسطه و دانشگاهی، بهداشت و درمان، و زیرساخت‌ها - تقویت کنند. در پی این



جمهوری دموکراتیک کنگو

مصالحة موفق، تصمیم گرفتند تا جلسات منظمی برای تمامی زنان روستاهای خود برگزار کنند تا در مورد برداشتن گام‌هایی در راستای این هدف گفتگو کنند.



گردهمایی، تشکیل یک انجمن در داخل جامعه که بتواند در باره مسائل و دغدغه‌های موجود همکاری سیستماتیک‌تر و عمیق‌تری با دولت محلی داشته باشد مورد بررسی قرار گرفت.

علاوه بر کنفرانس‌های منظمی که اعضای جامعه را گردهم می‌آورد، گردهمایی‌های ویژه‌ای در **جمهوری دموکراتیک کنگو** برگزار شده است که بزرگان را دورهم جمع می‌کند. یک نمونه، جلسه سه روزه‌ای با حضور ۶۰ نفر از رؤسای روستاها و قبایل است؛ بسیاری از آنها در گذشته با یکدیگر درگیری مسلحانه داشتند. این رؤسا گردهم آمدند تا در مورد ترویج پیشرفت اجتماعی گفتگو و در باره اقدامات عملی‌ای که بتواند همزیستی پرتنش را به همکاری سازنده و مسالمت‌آمیز در میان جوامع مختلف قومی و مذهبی تبدیل کند، تصمیم‌گیری کنند. یک نتیجه قابل توجه کنفرانس این بود که بسیاری از رؤسا، با درک ضرورت مشارکت زنان برای

سازمان‌های توسعه

سازمان‌های رسمی توسعه، در طیفی از تلاش‌های بهائیان در حیطه توسعه قرار دارد. این ابتکارات رسمی به صورت کلی بر یک یا چند برنامه توسعه پیچیده نظارت دارند اما مقیاس و پیچیدگی‌شان برحسب شرایط به صورت ارگانیک افزایش می‌یابد. برخی از این سازمان‌ها، قابلیت اشتغال به عرصه‌های نسبتاً پیچیده و پیشرفته فعالیت و برقرار کردن روابط کاری با دواير دولتی و جامعه مدنی را کسب کرده‌اند.

با تشکیل یک سازمان توسعه ملهم از تعالیم بهائی، تأکید طبیعتاً بر کیفیت فعالیت‌های آن است و با احتراز از تصور «هر چه بزرگ‌تر بهتر»، مسئله مناسب‌ترین میزان گسترش فعالیت‌های سازمان به تدریج روشن می‌گردد. یک سازمان که در منطقه‌ای به کار مشغول است معنی و اهمیت خود را تا حدی از ارتباطش با سایر مجهودات منطقه کسب می‌کند زیرا مساعی این سازمان، یکی از چندین فعالیتی است که با یکدیگر تعامل دارند؛ و از طریق تمامی این فرایندها است که پیشرفت مستمر حاصل می‌شود. این نهادها می‌آموزند که انسجام را میان فرایندهای مختلف جامعه تقویت کنند و در این مسیر معمولاً توسط مؤسسات بهائی محلی تشویق و حمایت می‌شوند. با افزایش قابلیت و واضح‌تر شدن وظایف یک سازمان، روابط کاری مؤثرتر و معنادارتری با نهادهای دولتی و جامعه مدنی برقرار می‌کند.

امروزه بیش از ۱۷۰ سازمان توسعه ملهم از تعالیم بهائی با ساختارهای برنامه‌ریزی شده و نسبتاً پیچیده، و عرصه‌های تأثیرگذاری چشمگیر در سراسر عالم وجود دارند که هر کدام در مرحله متفاوتی از تکامل قرار دارد. صفحات پیش رو به بررسی اجمالی کار هر یک از این نهادها می‌پردازد.

با افزایش رشد و تنوع پروژه‌های اقدام اجتماعی، ساختارهای سازمان‌دهی تکامل پیدا می‌کنند تا از بقای بلندمدتشان اطمینان حاصل کرده و به نیازهای در حال گسترش پاسخ گویند. در حال حاضر سازمان‌های توسعه بهائی در یکی از این دو گروه قرار می‌گیرند: یک دسته نهادهای شوراهای اداری بهائی هستند و دسته دیگر ابتکارات گروه‌هایی از بهائیان و همفکران ایشان‌اند که با یکدیگر تحت قوانین کشور خود به عنوان سازمان غیرانتفاعی و غیردولتی فعالیت می‌کنند. هدف هر دو نوع سازمان، به‌کارگیری آموزه‌های امر مبارک برای پاسخ‌گویی به یک یا چند مسئله اجتماعی است.

یک نهاد که معمولاً توسط گروه کوچکی از افراد به وجود می‌آید، کار خود را در مقیاس کوچک آغاز می‌کند و دامنه فعالیت را متناسب با تعداد منابع و میزان یادگیری گسترش می‌دهد. چنین نهادی به تدریج قابلیت خود را افزایش می‌دهد تا تعدادی از خطوط عملی مرتبط با چالش‌های جوامع محلی و منطقه‌ای را به طور هماهنگ دنبال کند. بدین‌منظور، منابع انسانی را به طور سیستماتیک آموزش می‌دهد و تولید، کاربرد و انتشار دانش مرتبط با یکی از جنبه‌های توسعه را ترویج می‌کند. چنین سازمانی با پرورش اقدام و تأمل و بازنگری در زمینه‌های مختلف، و سیستماتیک کردن دانش به دست آمده، از یادگیری و مشارکت افراد، جوامع و مؤسسات در تحول اجتماع حمایت می‌کند.

«در کلّ احیان به جهت سعادت بشریه اساس جدیدی تأسیس و صنع بدیعی ایجاد و ترویج نمائیم.»
- حضرت عبدالبهاء



کانادا



زامبیا



لوکزامبورگ

چند مثال دیگر از سازمان‌های توسعه ملهم از تعالیم بهائی

هلند: مؤسسه برکول (ص ۵۰) در بخش «شکوفایی استعداد جوانان»

آمریکای شمالی: شبکه سازمان‌ها (ص ۵۱) در بخش «شکوفایی استعداد جوانان»

کلمبیا: فوندائیک (ص ۵۶) در بخش «آمادگی برای اقدام اجتماعی»

کامرون: بنیاد تکوین آموزش و توسعه (ص ۵۶) در بخش «آمادگی برای اقدام اجتماعی»

اوگاندا: بنیاد کیمانیانگ-و (ص ۶۲) در بخش «کشاورزی»

زامبیا: بنیاد اینشیندو (ص ۶۲) در بخش «کشاورزی»

جمهوری دموکراتیک کنگو: بنیاد عرفان-گنسانس (ص ۶۲) در بخش «کشاورزی»

جمهوری دموکراتیک کنگو: سازمان گرین دسپویر (ص ۶۴) در بخش «بهداشت و سلامت»

هند: بنیاد پیشرفت علم (ص ۶۵) در بخش «بهداشت و سلامت»

لوکزامبورگ: بنیاد وحدت (ص ۸۹) در بخش «مشارکت در گفت‌وگو»

توسعه در سطوح مختلف»



خلاصه: برخی از سازمان‌های توسعه

بنیاد تکوین آموزش و توسعه

«بنیاد تکوین آموزش و توسعه» در سال ۲۰۰۳ در کامرون برای کمک به تواندهی اخلاقی جوانان کشور تأسیس شد. مساعی این سازمان بر اجرای برنامه «آمادگی برای اقدام اجتماعی» و بر به‌کارگیری اقدام‌پژوهی در حوزه کشاورزی، متمرکز است (برای اطلاعات بیشتر به صفحه ۵۶ مراجعه شود).

بنیاد یادگیری کولیبری

«بنیاد یادگیری کولیبری» واقع در بریتیش کلمبیا در کانادا با هدف مساعدت افراد تازه‌وارد به کشور در سال ۲۰۱۲ تأسیس شد. این بنیاد به افزایش ظرفیت مهاجرین کمک می‌کند تا در توسعه جوامعی پذیرا و مخصص به حمایت و مساعدت متقابل در مناطق شهری مشارکت کنند. در سال‌های اخیر، جوانانی را در مراحل مختلف زندگی‌شان همراهی کرده است تا در کنار تلاش برای مشارکت در پیشرفت اجتماع، فرصت‌های مناسب تحصیلی و حرفه‌ای را شناسایی و دنبال کنند.

فوندائیک

«فوندائیک» در سال ۱۹۷۴ به منظور به‌کارگیری تحقیق و اقدام در رسیدگی به نیازهای جمعیت روستایی در کلمبیا تأسیس گردید. «فوندائیک» پس از طراحی یک برنامه آموزش متوسطه به نام «SAT» که توجه دیگر سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی را جلب نمود، برنامه «آمادگی برای اقدام اجتماعی» را راه‌اندازی کرد و تا به امروز در حال یادگیری نحوه اجرای آن است. برنامه «حمایت از رهبران جامعه» - که به جوانان کمک می‌کند مسیری از تحصیل و کار را دنبال کنند - و

برنامه «رهبری و توسعه جامعه» - که هدفش یادگیری در کنار رهبران و سازمان‌های محلی برای حل چالش‌های جوامعشان است - دو نمونه از خطوط عمل دیگری است که «فوندائیک» دنبال می‌کند.

سازمان گرین دسپویر

سازمان «گرین دسپویر» در جمهوری دموکراتیک کنگو در سال ۲۰۱۳ در پاسخ به نیازهای بهداشتی منطقه کیوو آغاز به کار کرد. این سازمان معلمان را آموزش می‌دهد تا برای ارتقاء سطح سلامت با دانش‌آموزان مدارس و خانواده‌هایشان فعالیت کنند؛ همچنین می‌آموزد که چگونه برای ارائه خدمات بهداشتی با مدل کل‌نگر با کارکنان سلامت جامعه همکاری داشته باشد (برای اطلاعات بیشتر به صفحه ۶۴ مراجعه کنید).

بی‌یاند ای‌وی.

نهاد «بی‌یاند ای‌وی.» در آلمان در سال ۲۰۱۲ با هدف فراهم کردن بودجه برای برنامه‌های آموزشی ارائه شده توسط سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی تأسیس گردید. این نهاد به عنوان مجرای برای انتقال بودجه پروژه‌های جاری در آفریقا، آسیا و اقیانوسیه عمل می‌کند. همچنین با افراد و مؤسسات آلمان در باره اصول روحانی که زیربنای پیشرفت اجتماعی همه ملت‌هاست گفتگو می‌کند.

بنیاد پیشرفت علم

«بنیاد پیشرفت علم» در اوتار پرادش در هند از سال ۱۹۹۶ به آموزش معلمان مدارس جوامع روستایی مشغول است. از سال ۲۰۲۰ در پاسخ به تعطیلی مدارس در پی همه‌گیری کرونا، به جوانان کمک نموده است تا به جوامع



زامبیا



کیریباتی



اسواتینی



پاپوا گینه نو

آن کار با جوانان مناطق روستایی است تا در مسیر ارتقاء رفاه مادی و معنوی جوامعشان گام بردارند. این سازمان صدها جوان را غالباً در غرب کنیا در یک برنامه آموزشی پوشش می‌دهد که هدفش قابلیت‌سازی برای اقدام اجتماعی در حوزه‌های کشاورزی، محیط زیست و آموزش خردسالان است.

بنیاد انوار تابان

«بنیاد انوار تابان» در سال ۲۰۰۷ برای رسیدگی به نیازهای آموزشی محدود **پاپوا گینه نو** پایه‌گذاری شد. این بنیاد به کمک برنامه «آمادگی برای اقدام اجتماعی» جوانان و بزرگسالان را مساعدت می‌کند تا قابلیت لازم جهت ترویج رفاه جامعه را ایجاد کنند؛ همچنین به افرادی که مایلند برای تأسیس مهدکودک و مدارس ابتدایی با جوامعشان همکاری کنند برنامه تربیت معلم ارائه می‌دهد.

بنیاد اینشیندو

«بنیاد اینشیندو» با باور به اینکه دانش در قلب پیشرفت اجتماعی قرار دارد، در سال ۲۰۰۶ در **زامبیا** تأسیس شد. «بنیاد اینشیندو» می‌آموزد که چگونه جوانان می‌توانند قابلیت‌های علمی خود را پرورش دهند تا به ترویج رفاه در جوامعشان کمک کنند. مجهودات چند ساله بنیاد منجر به تأسیس مدارس جامعه و مراکز کشاورزی جامعه شد که به تولید دانش در باره تولید پایدار مواد غذایی می‌پردازند (برای اطلاعات بیشتر به صفحه ۶۲ مراجعه کنید).

خود خدمات کمک‌درسی ارائه کنند. یادگیری دیگر بنیاد، آموزش مادران جوان و تولید محتوا برای افزایش آگاهی در گردهمایی محلی به منظور ارتقاء سلامت است (برای اطلاعات بیشتر به صفحه ۶۵ مراجعه کنید).

بنیاد وحدت در کثرت

«بنیاد وحدت در کثرت» در سال ۱۹۹۶ در **اندونزی** با هدف مشارکت در پیشرفت جوامع دورافتاده کشور از طریق ایجاد فرصت‌های آموزشی برای کودکان تأسیس شد. این سازمان در سال ۲۰۱۱ شروع به همکاری و فعالیت برای بنیان‌گذاری مدارس محلی در جزایر مینتاوای و سوماترای شمالی نمود؛ تا اواخر سال ۲۰۲۲ از ۳۱ مرکز رشد خردسالان حمایت کرد و ۴۱ معلم را به طور مستمر آموزش داد (برای اطلاعات بیشتر به صفحه ۴۴ مراجعه کنید).

مؤسسه آموزشی اوتان ماراوا (IEMO)

«مؤسسه آموزشی اوتان ماراوا» در دهه ۱۹۹۰ با هدف حمایت از معلمان **کیریباتی** تأسیس شد تا قابلیت خدمت به اجتماع را در دانش‌آموزانشان ایجاد کنند. تلاش‌های آموزشی این مؤسسه با گذشت زمان به ارائه برنامه تواندهی روحانی نوجوانان در مدارس دولتی و حمایت از راه‌اندازی مدارس جامعه گسترش یافت. در سال ۲۰۲۲ حدود ۹۰۰ جوان در برنامه شرکت می‌کردند و OMEI از ۱۷ مهدکودک که بیش از ۲۰۰ دانش‌آموز را پوشش می‌دادند پشتیبانی فنی کرد (برای اطلاعات بیشتر به صفحه ۵۵ مراجعه کنید).

سازمان موئه‌له‌کئو

«سازمان موئه‌له‌کئو» در سال ۲۰۰۷ در **کنیا** تأسیس شد. هدف



مغولستان



کامبوج



هند



کلمبیا

بررسی عمیق: تکامل یک سازمان توسعه در جمهوری آفریقای مرکزی

در سال ۲۰۰۳ در **جمهوری آفریقای مرکزی** گروهی از افراد مشورت در بارهٔ مشارکت در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشورشان را آغاز کردند. تأثیر از بیاناتی که انسان را همانند معدنی «دارای احجار کریمه» می‌نگرند که تنها «به تربیت جواهر آن به عرصهٔ شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد»، توجهٔ ایشان را به آموزش پیش از دبستان و دبستان معطوف داشت. اختلافات داخلی در طی سال‌ها درگیری، سیستم آموزشی کشور را تضعیف نموده که این به نوبهٔ خود دسترسی بسیاری از جوامع را، مخصوصاً در مناطق روستایی، به آموزش محدود کرده بود.

این گروه با تکیه بر تجربیاتی که از حمایت از ابتکارات آموزشی غیررسمی به دست آورده بود، «بنیاد ناهید و هوشنگ عهدیه» (بنیاد عهدیه) را به عنوان عرصه‌ای برای مشارکت در یک فرایند سیستماتیک‌تر یادگیری تأسیس کرد. مؤسسين بنیاد علی‌رغم آگاهی کامل از چالش‌های موجود، منبع عظیمی از استعداد را در مردم کشور مشاهده کردند که با هدایت و جهت‌دهی صحیح می‌توانست کلید غلبه بر چالش‌ها باشد. آنان با تکیه بر بینش و محتوای آموزشی سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی در چاد و مالی، یادگیری مساعدت جوامع در مسیر تأسیس و مدیریت مدارس ابتدایی را آغاز کردند.

توسعهٔ یک برنامه از طریق اقدام و تأمل مداوم

یکی از اولین اقدامات بنیاد تشکیل یک سمینار آموزشی برای ۲۰ معلم بالقوه بود؛ این معلمین به دلیل اشتیاقی که نسبت به آموزش کودکان نشان داده بودند،

توسط جوامعشان انتخاب شدند. هدف این دورهٔ آموزشی ایجاد قابلیت در شرکت‌کنندگان برای شروع مهدکودک در جوامع بود. متعاقباً پنج پیش‌دبستانی محلی تأسیس گردید که به لحاظ مالی به طور کامل تحت پوشش منابع درون جامعه بودند. بنیاد فعالیت این مراکز را از نزدیک دنبال کرده و بصیرت‌های لازم را در این حیطه‌ها کسب نمود؛ افزایش آگاهی جامعه از ماهیت تعلیم و تربیت، آموزش معلمین جدید، و افزایش ظرفیت یک جامعه برای تأمین معیشت معلمان و ادارهٔ یک مدرسهٔ رو به رشد.

تحکیم ساختارها و تقویت همکاری

نتایج نویدبخش این برنامه منجر به درخواست‌هایی از جانب تعداد فزاینده‌ای از سازمان‌ها در دیگر کشورهای آفریقایی گردید که مشتاق دنبال کردن همین مسیر یادگیری بودند. این بنیاد در سال ۲۰۰۸ به کارکنان سازمان‌های دیگر کمک نمود تا در کشورهای خود برنامهٔ تربیت معلم طراحی کنند.

برای اطمینان از تداوم رشد ظرفیت لازم برای اجرای برنامه درون جمهوری آفریقای مرکزی از چند تن از فارغ‌التحصیلان دانشگاه شهر بانگی برای پیوستن به سازمان دعوت به عمل آمد. به منظور تمرکززدایی از برخی اقدامات، پنج مکان آموزشی در قسمت‌های مختلف کشور تأسیس شد. تا سال ۲۰۱۱ این بنیاد در آموزش به تقریباً ۲۸۰۰ کودک با ۳۳ مدرسه در ۱۳ منطقه کار می‌کرد. اقدامات بنیاد علی‌رغم تظاهرات مدنی در سطح کشور به گسترش و توسعهٔ خود ادامه داد. کیفیت آموزش نه تنها تقدیر والدین بلکه تحسین فعالان حیطهٔ آموزش و مسئولین دولتی را در سراسر کشور برانگیخت. همکاری قوی‌تر با مقامات

رسمی و سایر فعالین، امکان مشارکت منظم در گفتگوهای ملی پیرامون آموزش ابتدایی را فراهم نمود. با برگزاری یک سمینار برای نمایندگان دولت و نهادهای غیردولتی در آوریل ۲۰۲۱، مباحثی از قبیل هدف آموزش و نقش معلم

لازم بود «بنیاد عهدیه» در حین توسعهٔ فعالیت‌ها از واقعیت جامعهٔ پیرامون آگاه باشد و برنامه‌ریزی‌های خود را با این واقعیت تطبیق دهد. به عنوان مثال بسیاری از معلمین، مادرانی جوان بودند که تحصیلات رسمی محدود داشتند و مسئولیت‌هایشان به ایشان اجازهٔ شرکت در برنامه‌های آموزشی چندماهه را نمی‌داد. بنیاد در پاسخ به این مسئله، رویکردی را برای آموزش اتخاذ نمود که تئوری و عمل را به هم پیوند می‌داد: به جای جابه‌جایی طولانی‌مدت، دورهٔ سالانه‌ای به مدت یک تا دو ماه ارائه داد و معلمان را تشویق نمود تا یادگیری‌هایشان را به سرعت در عمل به کار بندند. معلمان برای ارائهٔ تنها یک پایه آموزش دیدند که با مهدکودک آغاز گردید. پیشرفت‌های تدریجی در کیفیت آموزش از طریق ملاقات‌های منظم کارمندان بنیاد و حمایت معلمان باسابقه از افراد جدید حاصل شد.

غلبه بر چالش‌های بسیار، بخشی طبیعی از فرایند تکامل و رشد مدارس بود. به عنوان مثال در سال‌های اول، بازسان نسبت به مدرسی که بنایی ساده داشتند و از مواد اولیهٔ موجود در محل ساخته شده بودند یا زیر درخت برگزار

والدین آموزش دادند تا فرزندانشان را در خواندن، نوشتن و محاسبات مساعدت کنند. بدین ترتیب والدین با اصول و مهارت‌های آموزشی، بیشتر آشنا شدند و خود را همکاران معلمین و عوامل فعال آموزش به نسل جوان دیدند.

در حال حاضر «بنیاد عهدیه» بخشی از یک شبکه متشکل از هفت سازمان در منطقه است؛ این شبکه سازمانی برنامه مدارس جامعه را به پیش برده و در مورد حیطه‌های مختلف یادگیری مشورت می‌کند. مجموعه این سازمان‌ها با بیش از ۸۵۰ معلمی کار می‌کنند که به آموزش بالغ بر ۲۴,۳۰۰ دانش‌آموز در حدود ۱۹۰ مدرسه جامعه می‌پردازند.

تکامل و گسترش فعالیت‌های «بنیاد عهدیه» از همان ابتدا مبتنی بر اراده جوامع محلی بوده و خطوط اقدام آن با افزایش مستمر تعداد منابع انسانی تداوم یافته است. با کسب تجارب بیشتر، معلمان به یاری نیروهای جدید شتافتند و به اصلاح محتوای آموزشی مورد استفاده در کلاس‌ها مشغول گردیدند. حتی چند نفر با دریافت حمایت لازم موفق به تحصیلات دانشگاهی شدند. یکی از سؤالات پیش روی سازمان آن است که چگونه یادگیری‌های گذشته را سیستماتیک کند و در اختیار نقاط دیگر کشور قرار دهد. در همین راستا، «بنیاد عهدیه» و «دانشگاه بانگی» متفقاً گام‌های لازم را برای اختصاص یک کرسی دانشگاهی به مبحث آموزش جامعه‌محور برداشته‌اند تا از طریق افزایش تحقیق و ارائه دروس معتبر، نسل بعدی معلمان آموزش ببینند.



غذایی روزانه تدارک دیدند. کشاورزان محلی نیز در این مسیر حمایت شدند تا دانش لازم برای افزایش تنوع و میزان تولید را به گونه‌ای در کرت‌های آزمایشی تولید کنند و انتشار دهند که به نیازهای غذایی خانواده‌ها در جامعه رسیدگی شود و در عین حال درآمد خودشان نیز افزایش یابد.

یک خط عمل دیگر با درخواست خانواده‌ها شکل گرفت: کار با نوجوانان فارغ‌التحصیل از مدارس جامعه. طی چند سال گذشته، بنیاد نوجوانان را مساعدت نموده است تا در برنامه‌ای با هدف تربیت مروجین رفاه جامعه شرکت کنند (به صفحه ۵۶ مراجعه شود). تعدادی از نوجوانان نیز به نوبه خود به مشارکت در فرایندهای مختلف حیات جامعه مانند آموزش و پرورش، بهداشت، محیط زیست و کشاورزی برخاسته‌اند.

با آغاز همه‌گیری کرونا بیشتر مدارس کشور به صورت موقت تعطیل شدند؛ بنیاد در این دوران، معلمین مدارس جامعه و خانواده دانش‌آموزان را در ارائه آموزش به شیوه غیرمتمرکز بر اساس مقررات بهداشتی ملی مساعدت نمود. معلمان در خانه‌ها با چند گروه خانواده همکاری کردند و به

در جامعه مورد بررسی قرار گرفت. سال بعد، موافقت‌نامه‌ای بین «بنیاد عهدیه» و وزارت آموزش منعقد گردید که بر اساس آن تمامی مدارس تأسیس شده با حمایت بنیاد به رسمیت شناخته شدند. «دانشگاه بانگی» در سال ۲۰۱۴ این بنیاد را یک سازمان معتبر برای تربیت و آموزش معلمین شناخت و دسترسی به برنامه‌های تحصیلی را برای همکاران آن فراهم کرد.

خطوط عمل دیگر

افزایش تجارب در حیطه آموزش و پرورش به مرور زمان چالش‌ها و دغدغه‌های جمعیت را با سازوکار بنیاد درهم آمیخت.

یکی از چالش‌های مشترک در بسیاری از جوامع، تغذیه و سلامت کودکان بود. کودکان تغذیه مناسب نداشتند و سر کلاس درس نمی‌توانستند تمرکز کنند. برای پاسخ به این چالش، سازمان با معلمین برخی از مدارس و افراد جامعه به مطالعه محتوایی پرداخت که هدف آن قابلیت‌سازی در حیطه کشاورزی پایدار و پربازده بود. جوامع نیز چند قطعه زمین را به عنوان کرت برای فعالیت کشاورزی به صورت آزمایشی انتخاب کردند و از محصول کشت شده برای دانش‌آموزان یک وعده



حوزه‌های اقدام

یکی از سؤالاتی که در مرکزیت مساعی توسعه بهائی قرار دارد آن است که چگونه می‌توان دانش برگرفته از علم و دین را به شیوه‌ای منسجم برای حلّ چالش‌های خاص به کار گرفت که منجر به بینش‌های جدید و کشف مسیرهای تازه برای بهبود وضعیت بشریت شود. پیچیدگی و وسعت چنین وظیفه‌ای مشخص می‌سازد که یادگیری و تجربه بهائیان در تمامی این مجهودات در مرحله نوپایی قرار دارد و لازم است که در دهه‌های آتی مورد تفحص قرار گیرد.

صفحات بعد مختصری از مساعی بهائیان در محلّ سکونتشان را شرح می‌دهند. گزیده تجارب جمع‌آوری شده از حیطه‌های مختلف اقدام جامعیت نداشته و صرفاً نگاهی است اجمالی به دامنه و تنوع فعالیت‌های جاری.

همان‌طور که در صفحات قبل توضیح داده شد، مجهودات بهائیان در حیطه اقدام اجتماعی طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد: از ابتکارات ساده و کوتاه‌مدت افراد یا گروه کوچکی از دوستان در سطح مردمی تا برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی با سطح بالایی از پیشرفتگی که توسط سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی اجرا می‌شوند. این اقدامات پاسخی به نیازهای جامعه و یا اجتماعی می‌باشند که در آنها آغاز به کار کرده‌اند و ممکن است به یک یا چند حیطه اقدام مرتبط باشند؛ از جمله آموزش و پرورش، کشاورزی، محیط زیست، هنر و رسانه، بهداشت، اقتصاد محلی، پیشرفت زنان و کمک‌های بشردوستانه.

دانش کلی بشر - به‌خصوص در زمینه‌هایی که بخشی از یک یا چند شاخه علمی هستند - طی سال‌های گذشته پیشرفت چشمگیری داشته است. بنابراین

آموزش و پرورش

متون بهائی بر اهمّیت تعلیم و تربیت تأکید ویژه‌ای دارد و آن را «الزم امور و اقدم تشبّثات لازمه» برای دستیابی به رفاه توصیف می‌کند. حضرت بهاءالله می‌فرماید: «علم به منزله جناح است از برای وجود و مرقات است از برای صعود. تحصیلش بر کلّ لازم». حضرت عبداله‌بهاء توصیه می‌کنند: «هر طفلی ممکنست که سبب نورانیّت عالم گردد و یا سبب ظلماتیّت آفاق شود لهذا باید مسئله تربیت را بسیار مهمّ شمرد».

لازم برای خدمت به جامعه است. در ده‌ها هزار مکان گروه‌هایی از مردم از تمامی اقشار با هدف رشد حیات روحانی جوامعشان در فرایند مشارکتی مطالعه، اقدام و تأمل شرکت می‌کنند. دروس مؤسسه آموزشی افراد را وارد گفتگویی در باره یادگیری‌های جامعه بهائی می‌کند - یادگیری‌هایی که از طریق کاوش در آثار بهائی و شرکت در پیشرفت اجتماع حاصل شده. دروس مؤسسه همچنین فرد را در فرایند یادگیری و در تولید و انتشار دانش مربوطه وارد می‌سازد.

با مشارکت گروه‌هایی از افراد در فرایند آموزشی مذکور و آغاز به انجام خدماتی با هدف خیر عمومی، یکی از اولین دغدغه‌های جمعی این افراد در بیشتر نقاط جهان، دسترسی کودکان و جوانان جامعه به آموزش علمی مناسب خواهد بود. ابتکارات غیررسمی متنوعی پدید آمده‌اند، از جمله کلاس‌های کمک‌درسی خصوصی و گروهی، کلاس‌های سوادآموزی ساده، و گروه‌های همسالان برای انجام تکالیف و رفع اشکال. ابتکارات پایداری که به کلاس‌های کمک‌درسی ساختار دهند و افراد علاقمند در جامعه را جذب کنند یکی از نتایج طبیعی در تعداد فزاینده‌ای از مناطق بوده است. مؤسسات محلی بهائی نیز گام‌هایی را برای همکاری با معلمان و مؤسسات آموزشی دیگر برداشته‌اند تا با یکدیگر برای رفاه تمامی افراد کم‌سن جامعه فعالیت کنند.

ورای کوشش‌های غیررسمی فوق‌الذکر، تأسیس مدارس ویژگی قابل توجه تجربه بهائیان در زمینه توسعه بوده است. تأسیس مدرسه به شروع امر در ایران بازمی‌گردد و طی

همچنین می‌فرماید: «تعلیم اطفال و پرورش کودکان اعظم مناقب عالم انسان و جاذب الطاف و عنایت حضرت رحمان زیرا اسّ اساس فضائل عالم انسانیت و سبب تدرّج به اوج عزّت جاودانی».

تعداد فزاینده‌ای از افراد و جوامع در اطراف جهان با الهام از این اصول، ابتکارات آموزشی گوناگون - از کلاس‌های غیررسمی کمک‌درسی بعد از مدرسه گرفته تا دانشگاه - با دامنه گسترده‌ای از پیچیدگی را به عهده می‌گیرند؛ از جمله کلاس‌هایی برای آموزش اخلاقی به کودکان در مهدکودک‌ها و مدارس ابتدایی، پروژه‌های سوادآموزی برای جوانان و بزرگسالان، آموزش زنان و دختران، برنامه‌هایی با هدف افزایش ظرفیت جوانان به منظور ترویج رفاه در جامعه، و نهایتاً سازمان‌هایی که برنامه‌های آموزشی پس از دوره متوسطه ارائه می‌دهند، محتوای آموزشی تدوین می‌کنند یا دوره تربیت معلّم برگزار می‌نمایند. به‌علاوه، صدها مدرسه ملهم از تعلیم بهائی در سراسر عالم تأسیس شده‌اند. هدف اصلی این مجهودات آموزشی آزاد کردن قوای نهفته در انسان است - پرورش خصائل فکری و قلبی نسل‌های متمدنی تا قادر به درک دنیای اطراف و مشارکت در رفاه اجتماع باشند.

یکی از ثمرات تعهد جامعه بهائی به امر تعلیم و تربیت، گسترش شبکه جهانی مؤسسات آموزشی از اواسط دهه ۱۹۹۰ بوده که ۳۳۰ مؤسسه را در سطوح ملی و منطقه‌ای در برمی‌گیرد. مؤسسه آموزشی یک نهاد آموزشی بوده که هدف آن مساعدت افراد در جهت کسب بصیرت‌های روحانی و مهارت‌های عملی



هندوراس

«علم به منزله جناح است
از برای وجود و مرقات است
از برای صعود. تحصیلش بر
کلّ لازم.»
- حضرت بهاءالله



هند

مجهوداتی که هدفشان آزادسازی قوای بالقوهٔ جوانان در مسیر کمک به بهبود اجتماع است جایگاه ویژه‌ای دارند. با وجود آنکه این مساعی در حیطهٔ آموزش و پرورش قرار می‌گیرند در بخش مجزایی که از صفحهٔ ۴۸ آغاز می‌شود بررسی خواهند شد.



برزیل

سال‌ها در بخش‌های مختلف جهان تکامل یافته. صفحات ۴۰ تا ۴۲ مثال‌هایی از این نوع ابتکار آموزشی را شامل می‌شود. علاوه‌براین، تجارب برخی از سازمان‌های ملهم از تعلیم بهائی در آفریقا که برای ترویج مدارس جامعه فعالیت می‌کنند از اوایل دههٔ ۲۰۰۰ به ایجاد یک رویکرد مشخص انجامیده است. مساعی یکی از سازمان‌ها در صفحات ۳۲ و ۳۳ بررسی خواهد شد و عناصر مختلف این رویکرد که از طریق یک فرایند یادگیری جمعی در قارهٔ آفریقا اصلاح و تلطیف گشته در صفحهٔ ۸۳ شرح داده می‌شود. با توجه به نقش حیاتی معلمان در آموزش نسل جوان اجتماع، تربیت معلم یکی از موضوعات اساسی در تمامی ابتکارات آموزشی رسمی است که این مبحث در صفحهٔ ۴۶ با مثال سازمانی در اوگاندا مورد بررسی قرار می‌گیرد. مجموعه تجاربی نیز طی چند دههٔ گذشته در زمینهٔ آموزش دانشگاهی جمع‌آوری شده. چند مثال از دانشگاه‌ها و سازمان‌هایی که آموزش عالی ارائه می‌کنند در صفحهٔ ۴۷ آورده شده است. در این طیف وسیع،



فیلیپین



تایلند

برخی از ابتکارات آموزشی

مرکز آموزشی در جمهوری دومینیک

در دوران قرنطینه کرونا گروهی از افراد در استان سن خوآن در **جمهوری دومینیک** پروژه‌ای را به منظور رسیدگی به نیازهای آموزشی کودکان جامعه آغاز کردند. «پروژه فلورس» نزدیک به ۴۰ کودک ۵ تا ۱۱ ساله را تحت پوشش قرار می‌دهد و چند برنامه کمک‌درسی مانند سوادآموزی، ریاضیات، زبان انگلیسی و هنر با کمک معلمان و داوطلبان جامعه ارائه می‌کند.

حمایت از مهدکودک‌ها در مغولستان

«مرکز توسعه مغولستان» - تأسیس شده در سال ۱۹۹۳ - به برنامه‌هایی می‌پردازد که نیاز به آموزش روحانی و فکری باکیفیت برای مقطع پیش از دبستان را پاسخ می‌دهد. این سازمان معلمان مهدکودک‌های دولتی را در رشد کیفی آموزش همراهی می‌کند و این نوع مساعدت به طور طبیعی به ایجاد خطوط جدید اقدام، از جمله آموزش به والدین و مدیران، منجر شده. سازمان از سال ۲۰۲۲ با معلمان ۲۹ مهدکودک در سراسر **مغولستان** کار کرده و بیش از ۴۵۰۰

۱۹۹۱ برای حمایت از آموزش مردم **فیلیپین** تأسیس گردید. این بنیاد به مدت بیش از یک دهه معلمان را مساعدت نمود تا با ترویج مدارس جامعه و یادگیری در باره ایجاد قابلیت در جوانان برای مشارکت در بهبود جامعه، در جهت رفاه کودکان فعالیت کنند. از جمله مساعی «بنیاد مطالع الانوار» افزایش سطح سواد در بین جمعیت بومی مانگیان بوده است. بخشی از رویکرد آن در مساعدت به جوانان و نوجوانان، مطالعه متون آموزش اخلاقی با هدف تقویت قوه بیان و همراهی ایشان در به عهده گرفتن اقدامات آموزشی با سطوح رو به افزایشی از پیچیدگی در روستاها بوده است. در یکی از روستاها، جامعه در حال بنای ساختمان ساده‌ای است که بتوان از آن به عنوان مکانی برای آموزش و گردهمایی محلی استفاده کرد تا از مسافتی که معمولاً جوانان برای شرکت در برنامه‌های آموزشی می‌پیمایند کاسته شود.

سوادآموزی در غنا

جامعه بهائی در کشور **غنا** در اواسط دهه ۱۹۹۰ کمپین آموزش اخلاقی و سوادآموزی «روشنگر قلوب» را در چندین منطقه کشور

کودک را تحت پوشش قرار داده است. این مرکز همچنین با مدارس و مقامات دولتی در کشور همکاری می‌کند تا فضاهایی را برای مشارکت در گفتمان آموزش کودکان در اجتماع مغولستان فراهم کند.

خوابگاه مدرسه در تایلند

یک خوابگاه برای دانش‌آموزان قوم کارن در اومکوی در **تایلند** اداره می‌شود. قوم کارن در مناطق اطراف زندگی می‌کنند اما به دلیل بعد مسافت امکان رفت و آمد از خانه به مدرسه را ندارند. حدود ۵۰ دانش‌آموز در خوابگاه اقامت دارند. در خوابگاه به سلامت روحانی و فکری دانش‌آموزان توجه و کلاس اضافه برای دروس مدرسه‌شان برگزار می‌شود. این برنامه علاوه بر حمایت از تحصیل دانش‌آموزان، فرصت خدمت در روستاها و محله‌های اطراف را برایشان فراهم می‌نماید. چند تن از دانش‌آموزان سابق پس از اتمام تحصیلات عالی خود برای حمایت از خوابگاه که نزدیک به دو دهه به فعالیت خود ادامه داده است بازگشته‌اند.

سوادآموزی در فیلیپین

«بنیاد مطالع الانوار» در سال



ایالات متّحده



غنا

«تعلیم اطفال و پرورش
کودکان اعظم مناقب
عالم انسان ...»
- حضرت عبدالبهاء

کند تا در امر تحصیل فرزندانشان مسئولیت بیشتری را به عهده گیرند و بر مسائل اجتماعی خاص جمعیت محلی همچون فقر و دسترسی نسبتاً محدود به آموزش رسمی غلبه کنند. این سازمان دوره‌های متنوعی را برای والدین و سایر اعضای خانواده گسترده برگزار می‌کند که آنها را به دانش و مهارت‌های لازم برای ایجاد محیطی که زمینه‌ساز یادگیری کودکانشان است مجهز می‌سازد. «دانشگاه پرنّت» اخیراً ارائه مازول چند جلسه‌ای «دوره مهارتی آموزش به اطفال» را برای والدینی که کودک زیر پنج سال دارند آغاز کرده است. تاکنون حدود ۳۰۰۰ نفر در دوره‌های دانشگاه شرکت کرده‌اند و دروس مربوطه را گذرانده‌اند.

به راه انداخت. تأثیرگذاری این اقدام به تأسیس «بنیاد توسعه انسانی اولینگا» در سال ۲۰۰۱ انجامید؛ با فعالیت‌های بنیاد دانش‌آموزان مدارس دولتی نیز تحت پوشش کمپین قرار گرفتند. این سازمان با کمک ادارات آموزش و پرورش ناحیه به نرخ بالای بی‌سوادی در میان دانش‌آموزان سال‌های پایانی دوره ابتدایی در مناطق روستایی می‌پردازد؛ همچنین معلمان را تعلیم می‌دهد تا خواندن و نوشتن به زبان محلی را در طول نه ماه به دانش‌آموزان یاد بدهند. معلمان با روش‌شناسی سوادآموزی سازمان آشنا می‌شوند و دروسی را مطالعه می‌کنند که به قابلیت اخلاقی و نگرش ایشان نسبت به امر تعلیم و تربیت کمک می‌کند. عملکرد برنامه سبب شده تنبیه بدنی از سیستم چندین مدرسه به طور کامل حذف شود و توجه بیشتری به نیازهای آموزشی دختران معطوف گردد.

آموزش والدین در ایالات متّحده

«دانشگاه پرنّت» در سال ۲۰۰۰ در ایالات متّحده برای همراهی با خانواده‌های محله‌های کم درآمد ساوانا تأسیس گردید. هدف دانشگاه آن است که خانواده‌ها را مساعدت





برزیل

مدارس

تأسیس مدارس مشخصه برخی از تجارب بهائیان در زمینه توسعه است. در حال حاضر بیش از ۸۰۰ مدرسه ملهم از تعالیم بهائی در سراسر عالم وجود دارد. بیش از نیمی از این مدارس در آفریقا، حدود ۲۰۰ مدرسه در آسیا، نزدیک به ۱۰۰ مدرسه در استرالزی و چند ده مدرسه در قاره‌های آمریکا و اروپا فعالیت می‌کنند. این مراکز آموزشی در محیط‌های مختلف بنا شده‌اند و طیفی را دربردارند - از مهدکودک‌های ساده که به ده‌ها کودک خدمت می‌کنند تا مدارس بزرگ در مقاطع ابتدایی و متوسطه که هزاران دانش‌آموز را پوشش می‌دهند. تمامی این مدارس بر تعالی علمی متمرکز هستند؛ بر خدمت به جامعه از طریق به‌کارگیری ارزش‌های اخلاقی و اصول معنوی تأکید دارند؛ و می‌کوشند تا نیازهای خاص اجتماعی که در آن فعالیت دارند را برآورده سازند. مثال‌هایی از مناطق مختلف جهان، تلاش مدارس برای عملی ساختن این آرمان‌ها را نشان می‌دهد.

«مدرسه ملل» که در پایتخت **برزیل**، برازیلیا، واقع شده بیش از ۸۵۰ دانش‌آموز را از مهدکودک تا سال دوازدهم به دو زبان انگلیسی و پرتغالی آموزش می‌دهد. کادر مدرسه و دانش‌آموزان برای عملی ساختن آرمان‌های متعالی در کنار یکدیگر می‌کوشند و خدمت به جامعه را در مرکزیت برنامه تحصیلی مدرسه قرار می‌دهند. به عنوان مثال، مدرسه در زیباسازی محیط و افزایش فعالیت‌های آموزشی به تعدادی از مهدکودک‌های شهر کمک می‌کند.

در غرب آفریقا «لیسی انوک اولینگا» در نیامی در **نیجر** به حدود ۴۵۰ دانش‌آموز، مقاطع پیش‌دبستانی تا انتهای متوسطه را ارائه می‌کند. این مدرسه علاوه بر اینکه یکی از برجسته‌ترین مؤسسات علمی کشور محسوب می‌شود، طرق مختلفی را یافته است تا فعالیت‌های خود را فراتر از دانش‌آموزان مدرسه گسترش دهد. برای نمونه با مدارس دیگر شهر در آموزش‌دهی به معلمان‌شان همکاری نموده و درصدد یافتن طرقی است برای حمایت از تأسیس مدارس در

«و از جمله خدمات فائقه تربیت و تعلیم اطفال و ترویج معارف و فنون شتی است.»
- حضرت عبدالبهاء

مناطق روستایی کشور که دسترسی محدود به آموزش رسمی باکیفیت دارند.

در سال ۱۹۷۸ «مدرسه روز نو» در کراچی در **پاکستان** تنها با سه دانش‌آموز کار خود را آغاز کرد. این مدرسه اکنون دوره ابتدایی و متوسطه را به طور کامل با ثبت‌نام بیش از ۷۰۰ دانش‌آموز ارائه می‌کند. گروهی از دانش‌آموزان مدرسه در سال ۱۹۹۱ برای اولین بار در آزمون عمومی برگزار شده توسط هیئت آموزش مقطع متوسطه شرکت کردند و از آن پس تاکنون این مدرسه رکورد پیشرفت علمی خود را حفظ نموده. برنامه توسعه اخلاقی مدرسه که از آغاز کودکی تا انتهای مقطع متوسطه را شامل می‌شود، روح خدمت به بشریت را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد.

«مدرسه بین‌المللی اقیانوس نور» در **تونگا** به حدود ۴۰۰ دانش‌آموز تمامی مقاطع تحصیلی را تا پیش از آموزش عالی ارائه می‌دهد. هدف آن پرورش افرادی است که از لحاظ علمی سرآمد بوده و با پرورش صفات روحانی در خود، عادات ستودنی را در خدمت به جوامع محلی و اجتماع بزرگتر به کار می‌گیرند. رویکرد مدرسه نه تنها حمایت والدین را جلب نموده بلکه توسط وزیر آموزش و پرورش کشور نیز به رسمیت شناخته شده است.

یکپارچه‌سازی آموزش علمی و اخلاقی

«مدرسه ملل» در **ماکائو** کار خود را در سال ۱۹۸۸ تنها با هفت معلم و پنج دانش‌آموز

اصول روحانی در فعالیت‌هایشان تأمل کنند؛ برنامه آموزشی و مدیریت خود را اصلاح نمایند؛ و طرق جدیدی را برای تعامل با والدین و جامعه بزرگتر - که تمامی بازیگران خود را عوامل تأثیرگذار بر تعلیم دانش‌آموزان می‌پندارد - بیابند.

گفتگو میان معلّم کلاس آموزش اخلاقی و والدین کودکان شرکت‌کننده به طور طبیعی به ایجاد شبکه‌ای از خردمدارس در **ایالات متّحده** انجامید. مجهوداتی که با آموزش تنها چند کودک در یک گروه مدرسه خانگی آغاز گردید به تدریج شکل رسمی‌تری پیدا کرد و یک مدرسه خصوصی ملهم از تعالیم بهائی که مهدکودک تا دبیرستان را پوشش می‌دهد مجوز گرفت. پایه‌گذاران اقدام اولیه، ارتباط خود را با محله‌ها و گروه‌های محلی که مایل به یادگیری در باره سیستم خردمدارس بودند افزایش دادند. با تشکیل این شبکه معلّمانی که فرداً قادر به تأسیس خردمدرسه بودند شناسایی شده و برای دست‌اندرکاران امکان یادگیری از تجربیات یکدیگر فراهم گردید. محور فعالیت و رسالت مدارس نامبرده این باور است که خدمت به جامعه و یگانگی نوع بشر جنبه‌های اساسی ذات انسان‌اند. کوشش برای غلبه بر تعصّب نژادی در اجتماع نیز بخش بزرگی از تعهّدات این مدارس را به خود اختصاص می‌دهد.

در یک آپارتمان آغاز کرد. این مدرسه اکنون بالغ بر ۶۰۰ دانش‌آموز را از مهدکودک تا دبیرستان تحت پوشش قرار می‌دهد. «مدرسه ملّ» به استاندارد بالای آموزش علمی شناخته شده و برای برنامه توسعه شخصیت طّ سال‌های گذشته جوایز ملّی و بین‌المللی دریافت کرده است.

مؤسّسان مدرسه از همان ابتدا نیاز به یک رویکرد آموزشی ویژه را شناسایی کردند - رویکردی که قوای فکری را توأمان با اصول اخلاقی و روحانی پرورش می‌دهد و هدایتگر دانش‌آموزان در مسیر زندگی‌شان خواهد بود. آموزش اخلاقی یک درس مجزّا محسوب نمی‌شود و عناصر اخلاقی از جمله محبت به دیگران، خدمت به جامعه، صداقت، بخشندگی، وحدت و هماهنگی، در تمامی جنبه‌های آموزش علمی مدرسه در هم تنیده است. مدرسه بر پرورش دانش‌آموزانی که قادر به مشارکت در رفاه و پیشرفت جامعه خود باشند تأکید می‌ورزد و به همین دلیل پروژه‌های خدمتی را به عنوان بخشی مهم در برنامه درسی گنجانده است. برنامه مدرسه از طریق مطالعه و خدمت عملی می‌کوشد دانش‌آموزان را در شناسایی نیازهای محلی و انجام پروژه‌ها همراهی کند تا بدین‌وسیله واقعیت مادی و اجتماعی جامعه‌شان را بهبود بخشند. الگویی از مطالعه، اقدام و تأمل در میان کارکنان، مدرسه را قادر به یادگیری از تجربیات گذشته و اعمال تغییرات تدریجی می‌نماید. این مدرسه همچنین با مدارس مجاور همکاری و آنان را به تأمل در باره مفاهیمی از قبیل هماهنگی میان علم و دین، یگانگی نوع بشر و تحرّی حقیقت دعوت می‌کند که این نیز در کیفیت عملکرد و محتوای آموزشی این مدارس تأثیرگذار بوده است.

شبکه‌ای برای تسهیل جریان یادگیری

طّ سال‌های گذشته به منظور انتقال یادگیری میان مدارس مشابه چندین فضای مختلف در سطوح محلی و بین‌المللی ایجاد شده است. چنین فضاهایی مدارس را برمی‌انگیزد تا در باره دلالات ضمنی به‌کارگیری



ترویج مدارس جامعه

بخش قابل توجهی از مدارس ملهم از تعلیم بهائی در آفریقا، آسیا و اقیانوسیه که به تعدادی از آنها در بخش قبل اشاره شد، از طریق مساعدت سازمان‌های توسعه‌ای که بر ترویج مدارس جامعه متمرکزاند تأسیس شده‌اند. یک نیاز مبرم که بسیاری از جوامع بهائی در سراسر عالم در صدد یافتن پاسخی برایش هستند، گسترش آموزش علمی در سطوح دبستان و پیش از دبستان در مکان‌هایی است که دسترسی سیستم آموزشی ملی به آنها به‌شدت محدود می‌باشد. از ابتدای دهه ۲۰۰۰ تعداد فزاینده‌ای از نهادهای ملهم از تعلیم بهائی در مناطق مذکور به گسترش مدارس جامعه در روستاها و شهرها مشغول بوده‌اند (برای اطلاعات بیشتر در مورد تاریخچه این برنامه به صفحه ۸۳ مراجعه کنید). در حال حاضر چندین سازمان در ۲۲ کشور از تأسیس مدارس جامعه حمایت می‌کنند. مجموعه این نهادها با تقریباً ۲۰۰۰ معلم در ۵۷۵ مدرسه برای آموزش به ۴۳,۰۰۰ دانش‌آموز همکاری می‌کنند.

رشد ارگانیک یک مدرسه

مدارس جامعه اغلب اوقات با استفاده از منابع محلی موجود کار خود را با یک کلاس در سطح پیش‌دبستانی آغاز می‌کنند و به صورت ارگانیک بر اساس شرایط محلی گسترش می‌یابند؛ به مرور به تعداد معلمان و پایه‌های تحصیلی تا سال پایانی دوره ابتدایی و حتی در مواردی فراتر از مقطع ابتدایی افزوده می‌شود.

آموزش مداوم معلمان

طراحی و گسترش یک برنامه تربیت معلم که جوانان و بزرگسالان را برای آموزش علمی به کودکان جامعه آماده سازد در مرکزیت فعالیت سازمان‌هایی قرار گرفته که مدارس جامعه را ترویج می‌کنند. این سازمان‌ها با بینش موجود در تعلیم بهائی قوت می‌گیرند، بینشی که آنان را به پرورش معلمان فرا می‌خواند که «جامع آداب و کمال» و «ادیبان و مربیان حائر علوم و فنون» باشند. رویکرد تربیت معلم می‌کوشد تا با ایجاد فرصت‌های منظم مطالعه و تأمل با دیگر همکاران بر تجارب کسب شده از کلاس درس، معلمان را در یکپارچه‌سازی تئوری و عمل همراهی کند.

در شهر پوینت نوآر در جمهوری کنگو شبکه‌ای میان یازده مدرسه جامعه ملهم از تعلیم بهائی ایجاد شد زیرا مؤسسين این مدارس به طور منظم برای تأمل و مشورت با یکدیگر ملاقات می‌کردند. از طریق شبکه، که معلمان و اعضای ساختارهای مدیریتی را دربرمی‌گیرد، این مدارس توانسته‌اند با تبادل بینش و تسهیل جریان منابع میان اعضای کل مجموعه استمرار فرایند آموزش را تضمین نمایند. معلمان و مدیران نیز در گفتمان‌های آموزشی ناحیه شرکت می‌کنند.

«دبیرستان عصر جدید» در پانچگانی میزبان سمینارهای منظم برای ۲۰ مدرسه از سراسر هند بوده است. هدف مدارس از شرکت در گردهمایی آن است که یادگیری‌هایشان را با یکدیگر به اشتراک گذارند - یادگیری در باره ارائه باکیفیت و خصوصاً یادگیری در باره پرورش جوانانی که به لحاظ دست‌آوردهای علمی و داشتن روح خدمت به اجتماع سرآمد باشند. محور مباحثات آنها حول قابلیت‌های تشکیلاتی مختلفی است که لازمه پیاده‌سازی آرمان‌های تعلیم بهائی در برنامه آموزشی و کارکرد یک مدرسه خواهد بود. نتایج این فرایند، الهام‌بخش مدارس دیگر بوده تا به شبکه مدارس استان‌هایشان بپیوندند.

«سازمان توسعه بین‌المللی بهائی» نیز گردهمایی‌هایی را در سطوح قاره‌ای و بین‌المللی برای گروه‌هایی از مدارس ترتیب داده است تا زمینه‌های مشخصی از یادگیری را - همچون شناسایی و آموزش معلمان، گنجاندن مفاهیم روحانی در برنامه‌های آموزشی، افزایش رابطه مدارس با والدین و جامعه، و تقویت ارتباط با دولت و جامعه مدنی - بررسی نمایند.

امارات متحده عربی





نپال

جامعه به عنوان شرکت‌کننده

در کنار دیگر همکاران، پیشگام اصلی توسعه روحانی و فکری کودکان و پیشرفت کلی جامعه نگرینسته می‌شود. معلمان علاوه بر کمک به کودکان در یادگیری درس‌های مختلف می‌توانند به تقویت فرهنگ یادگیری در جامعه، پرورش روحیه خدمت به دیگران و ترویج به‌کارگیری اصولی مانند عشق، وحدت و امانت کمک کنند. مدرسه جامعه بخش جدایی‌ناپذیری از حیات جمعیت است و با یافتن استحکام و ظرفیت، مشارکت عامدانه‌تری را در جنبه‌های مختلف حیات یک جامعه به عهده می‌گیرد. یک مدرسه جامعه ممکن است با روش‌هایی ساده و به عنوان شیوه‌ای برای توسعه ارگانیک سیستم آموزشی خود، چند اقدام سیستماتیک را مانند سلامت جامعه و تولید محلی مواد غذایی بر عهده گیرد و انتقال دانش را از طریق اقداماتی همچون تأسیس یک کتابخانه افزایش دهد.

«این دبستان از تأسیسات اصلی اساسیه است که فی‌الحقیقه سبب استحکام بنیان عالم انسان است.»
- حضرت عبدالبهاء

اعتقاد اساسی سازمان‌های مروج مدارس جامعه این است که جوامع محلی می‌توانند پیشگامان آموزش به نسل‌های جوان‌تر اجتماع باشند. تجربه نشان می‌دهد که حس مالکیت جامعه نسبت به امر آموزش و حمایت آن از تأسیس مدارس اهمیت ویژه‌ای دارد. بدین‌ترتیب، بخش اعظمی از مجهودات این سازمان‌ها بر آن متمرکز است که جوامع را مساعدت نمایند تا آرمان‌های خود را در امر آموزش کودکان دریابند و مسئولیت تحقق این امر خطیر را برعهده گیرند. همزمان با افزایش آگاهی از این مسئولیت مهم، افرادی در این جوامع شناسایی می‌شوند که می‌توان آموزش نسل‌های جوان‌تر را به ایشان سپرد. به مجرد تأسیس مدارس، اعضای جامعه تعهدشان به تحکیم مدرسه را اغلب به شیوه‌هایی فراتر از پرداخت شهریه نشان می‌دهند، از جمله مشارکت افراد در تهیه غذا برای دانش‌آموزان و معلمان، وقف زمین، همکاری در ساخت کلاس‌ها، و نگهداری از کرت‌های مدارس.

تجارب به دست آمده از نقاط مختلف، از جمله مثال‌های ذکر شده در این بخش، طبعه‌ایست از قوای بالقوه موجود در حمایت متقابل میان بازیگران مختلف آموزش کودکان - مدرسه، معلمان، والدین و به طور کلی جامعه. معلم به جای آنکه صرفاً انتقال‌دهنده منفعل محتوای از پیش تعیین شده باشد،

خلاصه: مدارس جامعه در حیات اجتماع

اسواتینی

اندونزی

«بنیاد وعده وحدت» مدارس جامعه را به مدت بیش از یک دهه در **اسواتینی** حمایت کرده است. تمرکز اولیه بنیاد، پیدا کردن نقاط مساعد برای تأسیس مدارس جامعه بود اما در طول زمان تعدادی از جوامع که با فعالیت‌های بنیاد آشنایی قبلی نداشتند خودشان با آن تماس برقرار کردند. در یکی از این مناطق، ساکنین روستای امکولو در منطقه هووهو درخواست کردند تا یکی از افرادی را که جامعه محلی انتخاب کرده بود در برنامه تربیت معلم بنیاد شرکت کند. همزمان که این فرد دوره آموزشی را می‌گذراند، جامعه ساخت کلاس درس را در زمین اهدایی از طرف کدخدا آغاز کرد. در یک گردهمایی که به فراخوان رهبران محلی ترتیب داده شده بود تمامی ساکنین تشویق به مشارکت در فعالیت شدند. افرادی در جامعه که مهارت آجرچینی و برقکاری داشتند تمایلشان به همکاری را اعلام کردند؛ بسیاری از ساکنین، به‌خصوص جوانان، داوطلب آوردن آب و بنای ساختمان شدند؛ سایرین نیز برای افراد مشغول به کار غذا پختند. جامعه پس از تأسیس «پیش‌دبستانی امکولو» به حمایت خود از طرق مختلف ادامه داد، از جمله با تهیه غذا برای کودکان، تأمین حقوق معلمان، ابراز قدردانی از آموزگاران و دغدغه ارائه آموزش کل‌گرا به کم‌سن‌ترین اعضای جامعه.

مشارکت عوامل مختلف در فرایندهای آموزشی محلی از طریق فعالیت مدارس جامعه در **اندونزی** در حال افزایش است. در گذشته تربیت خردسالان در بسیاری از نقاط جزو مسئولیت‌ها و دغدغه‌های مدیریت روستا محسوب نمی‌شد اما با گذر زمان، ارتباط میان معلمان، مدارس و دولت محلی تقویت گردید. یک الگوی در حال ظهور، مشارکت فعالانه معلمان در فرایندهای مربوط به پیشرفت جامعه و حضور اعضای دولت محلی در فعالیت‌های مربوط به مدرسه بوده است. اعضای اداره آموزش و پرورش در سمینارهای تربیت معلم فعالانه مشارکت نموده‌اند؛ تعاملات جامعه با دولت محلی در فضاهای دیگر نیز فرصت‌های مناسبی را برای مشورت، برنامه‌ریزی و اقدام حول ایجاد قابلیت در روستا و آموزش پیش از دبستان فراهم نموده است.

والدین نیز به طور فزاینده در آموزش فرزندانشان سهیم می‌شوند. برای تقویت مشارکت والدین و دولت محلی در فرایندهای آموزشی سمینار برگزار می‌گردد. در برخی از موارد به منظور تأمل در باره ماهیت و اهمیت تعلیم و تربیت، مفاد آموزشی که موضوعاتی مانند نقش والدین در تربیت و مفاهیم کل‌نگرتر و جامع‌تری را دربرمی‌گیرند تنظیم گردیده‌اند.



اندونزی



مالاوی



تانزانیا

مالاوی

چاد

ساکنین بسیاری از نقاط **مالاوی** مسئولیت تحکیم مدارس جامعه و مشورت در بارهٔ مسائلی از قبیل رفاه معلمان و سلامت کلی دانش‌آموزان که به توسعهٔ مدارس مربوط است را بر عهده گرفته‌اند. بسیاری از جوامع با حمایت کمیتهٔ مدیریت مدرسه برای تهیهٔ غذای کودکان باغ مدرسه تأسیس کرده‌اند. در برخی مناطق که مقیاس باغ کفاف تولید مواد غذایی را برای کل جمعیت دانش‌آموزان نمی‌دهد، بیشتر اوقات خانواده‌ها و دیگر اعضای جامعه ذرت، بادام زمینی یا سویا به مدرسه اهدا می‌کنند. مشارکت در این مهم، تمامی جامعه را شامل می‌شود، نه صرفاً کسانی که کودکان خود را به مدرسه می‌فرستند. در سطح مؤسسات نیز گروه‌های موجود در جامعه که بر توسعهٔ روستا متمرکزاند با کمیته‌های مدیریتی گردهم آمده‌اند تا به پیشرفت مدارس رسیدگی کنند.

نفوذ مدارس جامعه به مناطق اطراف نیز بسط یافته است. برای مثال، معلمان اغلب اوقات برای کودکان مدارس دیگر که به کمک بیشتری نیاز دارند کلاس اضافه می‌گذارند. به‌علاوه «بنیاد بامبینو» - سازمانی که از مدارس جامعه در کشور حمایت می‌کند - با همکاری دولت محلی، سازمان‌های همفکر و مدارس دیگر از طریق ارائهٔ آموزش ضمن خدمت به معلمان و افزایش دسترسی کودکان به آموزش پیش از دبستان به تقویت آموزش در مناطق روستایی پرداخته است.

همکاری بین معلمان و جامعه در منطقهٔ گوئرا در **چاد** منجر به افزایش آگاهی نسبت به اهمیت آموزش در اوایل کودکی گردید. «بنیاد ایلیم» یک سازمان ملهم از تعالیم است که از «مدرسهٔ بینش نوین» - یکی از مدارس جامعه - حمایت می‌کند. پیوندهای دوستی قوی میان معلمان و والدین، «مدرسهٔ بینش نوین» را به یک مرکز یادگیری برای همگان تبدیل نموده است. برنامهٔ سوادآموزی برای والدین و دیگر بزرگسالان جامعه، به‌خصوص زنان، نوشتن و خواندن به زبان فرانسوی را آموزش می‌دهد. «بنیاد ایلیم» اخیراً افراد چند جامعه را در یک برنامهٔ کشاورزی آموزش داده تا قطعه زمینی را در نزدیکی مدرسهٔ جامعه برای باغ آماده نمایند. علاوه‌براین، هنگام تعطیلی بیشتر مدارس به دلیل بحران همه‌گیری ویروس کرونا، معلمان مدارس جامعه در محل سکونت خود راهکارهایی را برای آموزش فکری و روحانی به کودکان و همچنین تقویت ارتباط با والدین یافتند. ایشان با انتقال اطلاعات معتبر در بارهٔ ویروس و راه‌های پیشگیری از ابتلا، به جامعه کمک نمودند.

چند مثال دیگر از مدارس جامعه

جمهوری آفریقای مرکزی: بنیاد عهدیه (ص ۳۲ در بخش «سازمان‌های توسعه»)

جمهوری کنگو: شبکهٔ مدارس جامعه (ص ۴۱ در بخش «مدارس»)

جمهوری دموکراتیک کنگو: بنیاد عرفان-گئسانس (ص ۶۳ در بخش «کشاورزی»)

جمهوری دموکراتیک کنگو: سازمان گرین دسپویر (ص ۶۴ در بخش «بهداشت و سلامت»)

سیستماتیک‌سازی یادگیری: مدارس جامعه (ص ۸۳)

بررسی عمیق: تربیت معلّم

با تقویت روابط و مشارکتی شدن محیط کلاس به مرور زمان تغییر قابل ملاحظه‌ای در رابطه بین معلّمان و دانش‌آموزان مشاهده شد. معلّمان نیز توانایی بیشتری برای کمک به دانش‌آموزان در درک مفهومی‌تر محتوای آموزشی از خود نشان دادند و از روش‌های سطحی حفظیات و تکرار فراتر رفتند. بر اساس نتایج یک تحقیق علمی نمرات آزمون سراسری دانش‌آموزان در مدارس مشارکتی به میزان ۲۵ درصد افزایش داشته است.

فاز دوم در سال ۲۰۱۸ آغاز شد؛ بر دامنه برنامه افزود و میزان تأثیرگذاری مساعی را به طور گسترده‌تر مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال بنیاد توجه خود را به این مهم معطوف داشت که چگونه با پیوستن تعداد فزاینده‌ای از معلّمان یک مدرسه به برنامه تربیت معلّم، انسجام و کیفیت آموزش ارائه شده افزایش خواهد یافت. یکی دیگر از مجهودات برنامه، یادگیری در باره افزایش مشارکت و تأثیر آن بر تحوّل مدرسه و جامعه بود.

حمایت فعالانه مسئولین آموزش و پرورش یکی از عناصر مهمّ این فرایند در سال‌های گذشته بوده است. بسیاری از ایشان از مراکز آموزشی بازدید، مدیران را برای شرکت در سمینارها تشویق، در جشن‌های فارغ التحصیلی بنیاد شرکت، و بنیاد را به فضاهای دیگر دعوت کرده‌اند. برخی از معلّمان نیز با مسئولین دولتی برای رسیدن به یک بینش واحد در باره نقش آموزش در کشور گفتگو نموده و از این طریق با ایشان ارتباط برقرار کردند.

بنیاد با تکیه بر نتایج ثمربخش این مجهودات در تلاش است تا امکان گسترش برنامه تربیت معلّم را به دیگر مناطق بررسی نماید و تهیه دوره‌های آموزشی کوتاهمدت را برای خانواده‌های دانش‌آموزان آغاز کرده است. «بنیاد کیمانیا-نگیو» همچنین در پی راهکارها و امکاناتی است تا در گفتمان آموزش و پرورش و همچنین در پیشرفت نظام آموزشی کلّ کشور مشارکت کند.

آموزش به معلّمان از جمله مضامینی است که در کلیه عرصه‌های آموزش جریان دارد، چه در بستر همراهی جوامع در تأسیس مدرسه، چه در حمایت از پرورش معلّمان در مدارس ملهم از تعالیم بهائی بزرگتر، چه در ارائه دوره‌های تکمیلی به معلّمان در سیستم آموزشی دولتی.

«بنیاد علمی و آموزشی کیمانیا-نگیو» از سال ۲۰۰۷ در تعدادی از مناطق شرقی اوگاندا فعالیت دارد و تمرکز خود را به برنامه‌هایی معطوف نموده که هدفشان ایجاد قابلیت لازم در جوانان و بزرگسالان برای پیشبرد جنبه‌های مختلف حیات اجتماع است. این سازمان در سال ۲۰۱۴ برای گسترش مجهودات خود، یک مطالعه آزمایشی را آغاز کرد که هدف آن کسب بصیرت‌های لازم برای توسعه حرفه‌ای معلّمان مدارس ابتدایی منطقه بود. در فاز سه ساله اول، معلّمان مدارس دولتی برخی از متون برنامه «آمادگی برای اقدام اجتماعی» (به صفحات ۵۶ الی ۵۸ مراجعه کنید) را مطالعه نمودند و تعدادی از ایشان در این حین موضوعاتی را مورد بررسی قرار دادند؛ از جمله علم تربیت و غنی نمودن کار آموزش با کمک روش‌شناسی علمی. همچنین برنامه آموزشی کشور را از نقطه نظر مطالبی که مطالعه می‌کردند بررسی نمودند و برای کمک به دانش‌آموزان در رسیدن به اهداف تحصیلی برنامه تدریس ریختند.

«... امید چنان که اساتذه گردید در بوستان علم و عرفان مانند گل و ریحان برشحات سحاب عنایت نشو و نما نمائید و هر یک درختی بارور و شجره‌ئی در نهایت طراوت و لطافت ...»

- حضرت عبدالبهاء



پروژه‌های آموزش عالی

بیش از ۳۰ نهاد بهائی یا ملهم از تعالیم بهائی، تحصیلات بعد از دبیرستان و یا به عبارت دیگر آموزش عالی ارائه می‌کنند که برخی از این نهادها تحت عنوان دانشگاه به رسمیت شناخته شده‌اند. اکثریت نهادهای آموزش عالی به دانشجویان کارشناسی و فارغ‌التحصیلان دروس دانشگاهی ارائه می‌دهند و یا برنامه‌های تربیت معلم برگزار می‌کنند. برای مثال دانشگاه لیلونگوه در **مالاوی** دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا ارائه می‌دهد؛ برای معلمان دوره آموزشی برگزار می‌کند؛ از گسترش تحقیقات و گفتمان در باره تربیت در سال‌های اولیه کودکی حمایت می‌کند.

برخی نهادها با همکاری دانشگاه‌های دیگر دوره برگزار می‌کنند. برای مثال «مدرسه ملل» در **گویان** با همکاری دانشگاه‌های **انگلستان** برنامه آموزش عالی ارائه می‌کند. «مدرسه ملل» در **ماکائو** یک برنامه کارآموزی برای دانشجویان رشته آموزش و پرورش در «دانشگاه ماکائو» فراهم کرده است. «آکادمی بهائی» در **هند** در گفتمان تعلیم و تربیت ارزش‌ها شرکت می‌کند و با همکاری شش دانشگاه در ماهاراشترا و تعداد زیادی دانشگاه وابسته، دروس متفاوتی را حول این مبحث ارائه می‌دهد. نهادهای دیگر به افراد و مؤسسات علاقمند دوره‌ها و دروس مورد نیاز را ارائه می‌کنند، از جمله «کانون یادگیری لازوس» در **کانادا** و «یونیدا» در آرژانتین.

بررسی عمیق: دوره تخصصی کارشناسی ارشد ملهم از اصول روحانی

«دانشگاه نور» در بولیوی طی سه دهه گذشته برای افزایش ظرفیت اداری و مالی خود تلاش نموده و به طور سیستماتیک به بررسی راه‌هایی پرداخته است که اصول روحانی را در امر آموزش و اقدام اجتماعی به کار بندد. این دانشگاه یکپارچه‌سازی دانش علمی و اصول اولیه اخلاقی را ترویج می‌نماید و بر خدمت به جامعه، عدالت اجتماعی و احترام به کثرت نوع بشر تأکید می‌ورزد.

در سال ۲۰۱۷ «دانشگاه نور» با همکاری «فوندائیک» در **کلمبیا** دوره کارشناسی ارشد توسعه اجتماعی و اقتصادی را طراحی کرد. این دوره تخصصی منبعث است از چارچوب مفهومی در حال تکاملی که اقدامات جامعه بهائی را هدایت می‌کند و بر تحقیق و همچنین مدیریت پروژه‌ها و مؤسسات توسعه تمرکز دارد. هدف آن آموزش افراد باتجربه و تعلیم‌دیده‌ای است که در حیطه‌های توسعه و مدیریت در آمریکای لاتین خدمت نمایند و آرمان‌های متخصصین شاخه‌های علمی مختلف را به گونه‌ای اولویت خود قرار دهند که به تعمیق دانش نظری و عملی ایشان در دو حیطه نامبرده بینجامد. گرچه دوره ارشد توسعه در مراحل ابتدایی خود قرار دارد اما تجربه مختصری است از ماهیت یک دوره تحصیلات تکمیلی که قابلیت افراد را برای مدیریت پروژه‌های بزرگ مقیاس توسعه در محیط آمریکای لاتین افزایش می‌دهد - پروژه‌هایی که دانش برگرفته از هر دو نظام علم و دین را ترکیب می‌کنند.

«دانشگاه نور» علاوه بر مدرک تخصصی، برای رشته‌هایی از قبیل مدیریت، امور اداری، حسابداری، حقوق، تدریس، بازاریابی، مشاوره و کوچینگ، توسعه اجتماعی و اقتصادی، بهداشت و سلامت عمومی دوره‌های دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد ارائه می‌کند. تا سال ۲۰۲۲ بیش از ۳۰۰۰ دانشجوی دوره‌های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی این دانشگاه ثبت‌نام کردند؛ برخی از ایشان در صدها روستای کشور معلم و مدیر دولتی هستند.



شکوفایی استعداد جوانان

اگر توسعه را قابلیت یک جمعیت برای به عهده گرفتن پیشرفت مادی و روحانی خود بنگریم، آنگاه تواندهی جوانان اهمّیت ویژه‌ای می‌یابد.

بخش پیشین چند نمونه از مؤسّسات آموزشی رسمی را ترسیم نمود اما صفحات پیش رو طیف گسترده‌تری از پروژه‌ها و برنامه‌هایی را به تصویر می‌کشد که در جهت رشد روحانی و فکری جوانان فعالیت می‌کنند. صفحات ۵۰ و ۵۱ نمونه کوچکی از ابتکارات رسمی و غیررسمی برخاسته از جوامعی را نشان می‌دهد که بر حمایت از مسیر تحصیلی و حرفه‌ای جوانان تمرکز دارند. به‌علاوه، چند برنامه طیّ سال‌های گذشته در پی مجهودات چندین سازمان ملهم از تعالیم بهائی در سراسر جهان شکل گرفته که امروزه به صورت گسترده‌تر مورد توجّه قرار می‌گیرند. صفحات ۵۲ تا ۵۵ برنامه‌ای برای تواندهی اخلاقی افراد ۱۲ تا ۱۵ سال را شرح می‌دهد - گروه سنّی خاصّی که نمایانگر استعدادی عظیم است در هر جامعه. صفحات ۵۶ تا ۵۸ به یک برنامه آموزشی بسیار دقیق و همه‌جانبه برای جوانان بزرگسال‌تر می‌پردازد که هدف آن تربیت «مروّجین رفاه جامعه» است. مروّجین رفاه در حیطه‌هایی از قبیل بهداشت و سلامت، آموزش و تولید موادّ غذایی مسئولیت اقدام جمعی را به عهده می‌گیرند و برای رفاه عمومی جوامع خود فعالیت می‌کنند. بخش اعظمی از مجهودات اقدام اجتماعی مذکور یقیناً حاصل ابتکارات گروه‌هایی از جوانان است که در فرایندهای آموزشی شرکت می‌کنند - فرایندهایی که ظرفیت‌های ذاتی‌شان را می‌شناسد، آنها را در تحقّق آرمان‌های والا همراهی می‌کند و قوایشان را در مسیر پیشرفت جوامع هدایت می‌کند.

آثار بهائی سنّ جوانی را ربیع زندگانی و «بهترین اوقات انسانی» توصیف می‌کنند. لازم است جوانان در این دوران دانش، توانایی، صفات و مهارت‌هایی را کسب کنند که ایشان را برای جهانی که وارث آن خواهند بود آماده کند. جوانان صرف‌نظر از موقعیت اجتماعی‌شان، انرژی، آرمان و اشتیاق کمک به بهبود جهان را دارند.

جوامع و مؤسّسات بهائی در سراسر جهان طیّ سال‌های گذشته در پی یافتن فرایندهای آموزشی خاصّی بوده‌اند که به توانمندی جوانان در دنبال نمودن هدف اخلاقی دو جانبه کمک نماید - هدفی که به رشد فردی جوانان و مشارکت در پیشرفت اجتماع بینجامد. بدین‌ترتیب طیفی از اقدامات به جریان افتاده‌اند، از جمله مساعی مربوط به آموزش اخلاقی، پروژه‌های کمک‌درسی، برنامه‌های آموزشی برای خدمت به جامعه، سازمان‌هایی که از آموزش عالی حمایت می‌کنند و نهایتاً مؤسّسات رسمی که در مقاطع متوسطه و دانشگاهی آموزش علمی ارائه می‌دهند. میل به اکتشاف قوای عظیم نهفته در جوانان، محرّک فرایند یادگیری است. این فرایند به جستجوی محتوا و روش‌هایی می‌پردازد که جوانان را قادر خواهد ساخت تا در تحلیل جهان پیرامون خود و گام برداشتن برای بهبود آن از میراث عقلانی و روحانی بشریت بهره برند.

«بعد از مدتی وارد دوران شباب می‌شود ... قوای مشاهده در او توسعه می‌یابد و عمیق می‌شود؛ قابلیت‌های عقلانی‌اش بیدار می‌شود و تحت تعلیم قرار می‌گیرد؛ محدودیت‌ها و محیط طفولیت دیگر قوا و موقّعیّت‌های او را محدود نمی‌کند.»

- حضرت عبداله‌ا



کلمبیا



بلژیک



برزیل



کامبوج



زامبیا

برخی ابتکارات

در واقعیت‌های مختلف، جوامع و مؤسسات در پی یافتن راه‌هایی برای کمک به تحصیل جوانان هستند؛ تحصیلی که جوانان را برای یک زندگی سرشار از خدمت معنادار به اجتماع آماده سازد. در بسیاری مناطق گروه‌های جوانان یکدیگر را در این امر مهم حمایت می‌کنند و در برخی موارد این نوع حمایت به ایجاد پروژه‌های پایدار می‌انجامد، مانند مرکز آموزش جامعه در هند که در صفحات ۲۴ و ۲۵ شرح داده شد. ذیل مجموعه‌ای از مساعی رسمی و غیررسمی چند جامعه در سراسر جهان که برای رشد فکری جوانان و کمک به ایشان در پیدا کردن مسیر حرفه‌ای صحیح فعالیت می‌کنند ذکر گردیده است.

مرکز آموزشی و کمک‌درسی برای نوجوانان مالزی

چند دوست در یک محله در مالزی متوجه پایین بودن سطح سواد ریاضی و علوم در میان نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ ساله شدند. حین مشورت با والدین و همسایگان در باره حیاتی بودن این دوران در مسیر تحصیلی فرد، ایده یک مرکز آموزشی برای ساعات بعد از مدرسه مطرح گردید. یافتن محتوای لازم و معلمین توانا قدم بعدی برای ایجاد فضای مناسب یادگیری تشخیص داده شد. افرادی که استطاعت مالی داشتند شهریه پرداختند و کسانی که نمی‌توانستند از عهده آن برآیند کمک‌هزینه دریافت نمودند و بدین واسطه، ترتیبات لازم برای حمایت مالی از معلمان، تأمین مواد آموزشی و همچنین کرایه مکان مناسب صورت پذیرفت. دست‌اندرکاران پروژه می‌آموزند که چطور تعداد بیشتری از جوانان محل را برای خدمت با مرکز آموزشی همراه کنند. همچنین به دنبال روش‌هایی برای تقویت روابط میان شرکت‌کنندگان از پیشینه‌های



کانادا

متفاوت هستند، مخصوصاً جوامعی که در طول تاریخ به حاشیه رانده شده‌اند.

برگزاری برنامه کمک‌درسی برای جوانان توسط جامعه در آفریقای جنوبی

در پاسخ به تأثیرات نامطلوب همه‌گیری کرونا بر یادگیری، گروهی از افراد جامعه در محله‌ای در مهبینگ در آفریقای جنوبی با همراهی یکی از مقامات محلی و کدخدا برنامه روزانه‌ای را با هدف بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و مطالعه در باره خدمت به اجتماع و اصول روحانی ترتیب دادند. در این اقدام بر شناسایی محتوای تکمیلی مؤثر و جلب حمایت معلمان جامعه تمرکز گردید. گرچه وسعت این اقدام برای حمایت از پیشرفت روحانی و فکری جوانان محدود بوده است اما گام‌های برداشته شده به تعداد زیادی از افراد کمک نموده تا در

کمک به مسیر تحصیلی جوانان در هلند

یک گروه از متخصصین جوان به همراهی دیگر جوانان محله در میدان در هلند اشکال مختلف بی‌عدالتی سیستماتیک و دسترسی نابرابر به آموزش را بررسی کردند که این نابرابری چشم‌انداز شغلی و مالی بسیاری از جوانان را محدود می‌کند. مشارکت این افراد به همراه جوانان و خانواده‌هایشان در فرایند اقدام و تأمل طی چند سال رسمیت یافت و سازمانی به نام «مؤسسه برکول» شکل گرفت. این پیشرفت به همکاری گروه با نهادهای محلی - از قبیل مراکز جامعه، سازمان‌ها و مسجد - برای حمایت مؤثرتر از خانواده‌ها منتج شد. تلاش مداوم برای مساعدت جوانان به تدریج به طراحی مواد آموزشی انجامید. این مواد آموزشی به جوانان کمک می‌کند تا مسیری را برای استفاده از استعدادهای خود در جهت رفاه اجتماع شناسایی نمایند و همچنین طرقی را برای تحصیل و کار جستجو کنند که با آرمان‌های متعالی ایشان همخوانی دارد.



آفریقای جنوبی

طور روزافزون برخی از قابلیت‌ها، مهارت‌ها، رویکردها و عقایدی را که به تحقق آرمان‌های والایشان کمک می‌کند پرورش دهند. یکی دیگر از حیطه‌های یادگیری این چهار سازمان کمک به ایجاد این نگرش در جوانان است که انتخاب‌های تحصیلی، حرفه‌ای و خانوادگی بخشی از یک زندگی سرشار از خدمت هستند و اجزاء مختلف زندگی در تعامل با هم و تقویت‌کننده یکدیگرند. استراتژی‌های عملی برای کمک به جوانان شامل این موارد است: کلاس کمک‌درسی روزانه، حمایت در اخذ بورسیه تحصیلی، فضایی برای مطالعات درسی به صورت فشرده، معلم خصوصی، راهنمایی شغلی، کارآموزی و همچنین پروژه‌های خدمتی و برگزاری کارگاه برای خانواده‌ها با موضوعات مختلف مانند هدف از تحصیل و اشتغال.

را پوشش می‌دهند که کمک می‌کند جوانان مسئولیت تحصیلات عالی خود را به عهده گیرند؛ «بنیاد لمتانزی» جوانان را همراهی می‌کند تا این قبیل حمایت‌ها را جستجو کنند.

اقدام‌پژوهی مشارکتی در کانادا و ایالات متحده

چهار سازمان ملهم از تعالیم بهائی در ایالات متحده و کانادا که در برخی از حیطه‌های فعالیت با یکدیگر اشتراک دارند یک فرایند اقدام‌پژوهی مشارکتی را برای تقویت مجهوداتشان به جریان انداخته‌اند. این چهار سازمان عبارتند از: «مرکز مطالعات پیشرفت جامعه» ، «مؤسسه تحقیقات توسعه منسجم» ، «بنیاد یادگیری کولیبری» و «انجمن وُردزول» . شبکه ارتباطی چهار سازمان برای بررسی و تأمل به صورت دوره‌ای تشکیل جلسه می‌دهند. در فضای مزبور بصیرت‌ها تبادل می‌گردند؛ رویکردها به اشتراک گذاشته می‌شوند؛ و درک عمیق‌تری از نیروهای اجتماعی حاکم بر زندگی جوانان که بر نگرش‌ها و انتخاب‌های ایشان تأثیر می‌گذارند حاصل می‌شود. برای آنکه جوانان را در پیدا کردن مسیر صحیح و دسترسی به منابع پایدارتری از انگیزش مساعدت نماید، شبکه سازمانی می‌آموزد که چگونه جوانان باید به



بورسیه تحصیلی در زامبیا

یکی از یادگیری‌های جامعه بهائی زامبیا طی چند دهه گذشته حمایت از جوانانی بوده است که در مسیر تحصیلات آکادمیک با موانعی روبرو بوده‌اند. تأمین بودجه کافی برای ادامه تحصیل برای بسیاری از جوانان، به‌خصوص در مناطق روستایی کشور، چالش برانگیز بوده است. تعدادی از افراد به عنوان یک ابتکار شخصی حمایت مالی از چند جوان را آغاز کردند تا این جوانان در کنار آموزش روحانی ارائه شده توسط برنامه‌های جامعه بهائی بتوانند از تحصیلات آکادمیک نیز بهره بیشتر برند. بودجه تحصیلی به منظور سیستماتیک‌سازی این مساعی ایجاد شد. به مرور زمان «بنیاد لمتانزی» برای رسمیت دادن به بودجه تأسیس گردید و به جوانان کمک نمود تا برای رشد شخصی خود و مشارکت در پیشرفت اجتماع انتخاب‌های صحیح‌تری انجام دهند. بدین‌ترتیب برنامه رسمی بورسیه تحصیلی برای کمک به جوانانی که به حمایت مالی نیاز داشتند آغاز گشت. بنیاد همچنین خدمات مشاوره ارائه می‌دهد و جوانان را راهنمایی و به دانشگاه متصل می‌کند. به‌علاوه برنامه‌های دولت و جامعه مدنی مهارت‌هایی



تواندهی اخلاقی و روحانی نوجوانان

دوران بین ۱۲ تا ۱۵ سالگی زمان خاصی از زندگی یک فرد است، زیرا در همین سال‌ها فرد کودکی را پشت سر گذاشته و دست‌خوش تغییرات عمیقی می‌شود. به افراد این رده سنی که هنوز کاملاً جوان نشده‌اند اغلب «نوجوان» گفته می‌شود.

در جامعه بهائی وارد ساختن نوجوانان در فعالیت‌هایی که هدفشان تقویت قابلیت‌های ایشان و آماده ساختن آنها برای مشارکت مؤثر در امور جوامع است، یکی از مهم‌ترین حیطه‌های یادگیری به شمار می‌رود. برنامه تواندهی روحانی نوجوانان که توسط مجاهدات طیف وسیعی از مؤسسات و نهادهای سراسر جهان پرورش یافته (به صفحه ۸۲ مراجعه شود) یکی از ثمرات این فرایند یادگیری است. برنامه تواندهی نوجوانان بر این ایده استوار گردیده که دیدگاه‌های افراد در باره فرد و اجتماع که راهنمای ایشان در بزرگسالی خواهد بود در دوران کوتاه، انتقالی و حساس نوجوانی شکل می‌گیرد. در حالی که برخی از نظریات تصویر تیره و تاری از نوجوانی ترسیم می‌کنند و آن را دورانی مملو از بحران و سردرگمی می‌نگرند، آموزه‌های بهائی نوجوانان را شرکت‌کنندگانی ارزشمند در ساختن اجتماعی بهتر نظاره می‌کند. این برنامه نوجوانان را از توانایی‌هایشان آگاه می‌سازد، استعدادهایشان را پرورش می‌دهد و قوایشان را در مسیر خدمت به بشریت هدایت می‌کند. این برنامه در قالب «گروه نوجوانان» و در جوّی از حمایت متقابل و دوستی عمیق

اجرا می‌شود. نوجوانان تحت راهنمایی فرد بزرگسال‌تری که در مقام «مشوق» خدمت می‌کند، به مطالعه محتوای اخلاقی و روحانی می‌پردازند. برخی از متونی که نوجوانان مطالعه می‌کنند با دربرداشتن علوم و ریاضیات به نوجوانان در تحلیل واقعیت به روش علمی کمک می‌نماید. با وجود آنکه مضامین مورد بررسی الهام گرفته از دیانت بهائی هستند اما در قالب آموزش مذهبی ارائه نمی‌شوند. علاوه بر مطالعه، گروه‌های نوجوانان به فعالیت‌های هنری و پروژه‌های خدمتی نیز می‌پردازند. هدف پروژه‌های خدمتی کمک به پیشرفت جامعه است و توسط اعضای گروه طراحی و اجرا می‌شوند. این برنامه به طور کلی نوجوانان را به تفحص در واقعیت مشغول می‌دارد تا آنها نیروهای سازنده و مخرب فعال در اجتماع را تجزیه و تحلیل کرده و حقایق روحانی زیربنایی هر موقعیت را شناسایی نمایند. هدف برنامه پرورش قابلیت مطالعه با درک عمیق و بیان واضح افکار در نوجوانان است و بر اهمیت گفتار و افکار صحیح در معیت اعمال مقدسه تأکید می‌ورزد.

طرح تواندهی توسط شبکه‌ای از مؤسسات آموزشی و سازمان‌ها در بیش از ۱۸۰ کشور اجرا می‌شود و بالغ بر ۳۰۰,۰۰۰ نوجوان را در بیش از ۳۵,۰۰۰ گروه تحت پوشش قرار می‌دهد.

سخنان شرکت‌کنندگان طرح تواندهی نوجوانان بیانگر قوای نهفته در این گروه سنی است، بیانگر خصائصی چون نوع‌دوستی، عدالت‌خواهی، اشتیاق به آموختن در باره عالم و آرزوی ایجاد تغییرات مثبت در جامعه. نقل‌قول‌های ذکر شده در صفحات بعد برگرفته از نظرات نوجوانان در کلّ قارات عالم است.





هند

استرالزی

نوجوانان که می‌گویند: «من علم کسب می‌کنم و سپس برای پیشرفت جهان تلاش می‌کنم». برای مثال او می‌گوید که به خانه برمی‌گردد و برای پیشرفت روستایشان تلاش می‌کند. دانشمندان قبل از اینکه به پاسخ یک سؤال برسند، مشاهده می‌کنند و باید از علم برای کمک به جوامع، مردم و دنیا استفاده کرد.»

«ما برای یادگیری به صفات روحانی نیاز داریم. اگر یک نفر تواضع نداشته باشد، فکر می‌کند که همه چیز را می‌داند و این مانع یادگیری‌اش می‌شود. اما اگر متواضع باشد همیشه می‌خواهد از بقیه یاد بگیرد.»

آفریقا

«ما در گروه دوست داریم با هم یاد بگیریم، استعدادهایمان را پیدا کنیم و صفات روحانی و توانایی‌های فکری‌مان را پرورش دهیم. باید بتوانیم دایره لغاتمان را گسترش دهیم. ما باید یاد بگیریم با دیگر اعضای جامعه در روستا و بقیه مردم دنیا ارتباط داشته باشیم و بهتر همکاری کنیم. پدر و مادرمان از تلاش‌های ما راضی هستند و ما را تشویق می‌کنند، مخصوصاً به خاطر اینکه انسان دوستی ما را می‌بینند. ما خدمت را دوست داریم؛ برای همین در خانه کمک می‌کنیم و پروژه‌هایی را هم برای کمک به جامعه انجام می‌دهیم. در گروه از همدیگر می‌پرسیم که آیا در طول هفته خدمت کردی؟ چه خدمتی؟ این کار ما را مسرور می‌کند.»

آمریکای شمالی

«من فکر می‌کنم استفاده از علم باعث بهتر شدن جهان می‌شود، دقیقاً مثل یکی از شخصیت‌های کتاب‌های

«همه می‌توانند و همه باید به تغییر کمک کنند. اهمیتی ندارد یک کار چقدر کوچک باشد - درست کردن کیک برای همسایه‌ها، بیرون بردن سگ‌های یک دوست، روحیه دادن در شرایط سخت فعلی، حتی صحبت کردن با یک نفر به عنوان دوست. تمام این کارها نه فقط جامعه یا شهر، بلکه می‌تواند کل بشریت را یک قدم به وحدت جهان نزدیک‌تر کند. خدا آدم‌ها را برای کنار هم بودن خلق کرده ... اگر برای همه رفاه و آسایش می‌خواهیم باید وحدت داشته باشیم. می‌توانیم تکه‌های یک وسیله کهنه را برداریم و با آن چیز کاملاً جدیدی بسازیم. می‌توانیم دنیای فعلی را طوری که تا الآن ساخته شده در نظر بگیریم، بهترین قسمت‌هایش را انتخاب و بازسازی کنیم و با اراده جمعی اجتماع جدیدی بسازیم که همگی در آن بدون استثناء شاد باشند.»

آمریکای لاتین

«یکی از مهارت‌هایی که در خیلی از دوره‌های زندگی به ما کمک می‌کند، گوش دادن به دیگران و فهمیدن صحبت‌هایشان است. این بینش برای من خیلی مهم بود - اینکه بدون تعصب یا هر حس بدی نسبت به طرف مقابل بتوانم منظورش را بفهمم. احساس می‌کنم بسیاری از مردم به این مهارت نیاز دارند و البته خودم هم به آن نیاز داشتم.»



جزایر قناری

مشارکت نوجوانان در حیات جامعه



برزیل

گروهی از نوجوانان در کامبوج که خانواده‌هایشان با از دست دادن اسباب امرار معاش خود با مشکل اقتصادی مواجه شده بودند در باره کمک به خانواده خود مشورت کردند. برای بررسی مشکل مالی ابتدا الگوهای زندگی را در جامعه خود به‌دقت بررسی کردند. یکی از مشاهدات گروه آن بود که درختان پرتقال برخی از خانواده‌های روستا تنها یک بار در سال ثمر می‌دهد و درآمدشان با پایان فصل برداشت قطع می‌شود. نوجوانان برای پاسخ به این چالش چند محصول را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که محصولات مختلف را می‌توان در کنار درخت پرتقال کاشت.

گروه نوجوانان با اعضای جامعه در روستا، از جمله والدین و کشاورزان دیگر، مشورت نمودند و ایشان آمادگی خود را برای کاشت بذر و نهال اعلام کردند. نوجوانان یاد گرفتند که بادمجان، موز، نارگیل و خیار از جمله گیاهانی هستند که به‌خوبی در کنار هم رشد می‌کنند. به مرور محصولاتی که با درختان پرتقال رشد می‌کردند ثمر دادند و والدین گروه در گردهمایی جامعه تجاربشان را با یکدیگر به اشتراک گذاشتند. دیگر افراد نیز از تجربه موفقیت‌آمیز کرت‌های کشاورزی یاد گرفتند و از روش مشابه استفاده کردند. نتایج مثبت رویکرد مذکور اعضای جامعه را بر آن داشت تا مشارکتشان در جامعه را بررسی کنند؛ نقش مهم نوجوانان را درک نمایند و به راهکارهایی برای تشویق نوجوانان بپندیشند.

گروهی از نوجوانان در **جمهوری دموکراتیک کنگو** اهمیت چشمه طبیعی منطقه که منبع آب جامعه برای پخت و پز، استحمام، شستن لباس و ظروف است را درک کردند. آنها متوجه شدند که مقدار زیادی گل و لای، کنده درخت و علف وحشی به خاطر استفاده زیاد مانع جریان آبی که به چشمه می‌ریزد می‌شود. در یک جلسه گروه ۳۵ نوجوان تصمیم گرفتند که برای خدمت به جامعه وضعیت چشمه را تغییر دهند. با والدین و ساکنین محله هماهنگی‌های لازم صورت گرفت و آنها بیل، خاک‌انداز، شن‌کش و دیگر وسایل را در اختیار گروه قرار دادند. ساکنین ابتکار جوانان را در گردآوری اعضای جامعه برای یک هدف بلندمرتبه ستایش کردند و تأثیر پایدار این اقدام را بر دسترسی به آب آشامیدنی تأیید نمودند. یک سیستم برای نگهداری از چشمه به صورت ماهانه در نظر گرفتند تا از تأمین پایدار آب میان ساکنین اطمینان حاصل شود.

یک گروه نوجوانان در **کانادا** با الهام از محتوای کتب طرح تواندهی روحانی که بر اهمیت منابع طبیعی جهان تأکید دارد تصمیم گرفتند که برای حمایت از مصرف پایدار آب در محله قدم بردارند. اعضای گروه نیاز به مشاهده دقیق را درک می‌کردند؛ به همین دلیل از طریق گفتگو با افراد مختلف جامعه و تعدادی از کسب و کارهای محلی مقدار و نحوه مصرف آب را در منطقه به دست آوردند. پس از گفتگوها اعضای گروه نوجوانان در مورد روش‌های صرفه‌جویی در مصرف و چگونگی شناسایی هدر رفتن آب تحقیق کردند. سپس نتایج تحقیقاتشان را در قالب آگهی و پوستر در اختیار جامعه قرار دادند و از این محتوا برای ادامه گفتگو استفاده کردند. والدین نوجوانان دریافتند که تلاش برای کاربست اصول روحانی و علمی در مواجهه با چالش‌های جامعه شوق یادگیری را در فرزندانشان افزایش داده است.

ایجاد قابلیت برای خدمت در محیط‌های رسمی: طرح تواندهی نوجوانان در مدارس

مدارس برخی از نقاط جهان طرح تواندهی روحانی نوجوانان را اجرا می‌کنند تا قابلیت خدمت به اجتماع و تواندهی اخلاقی دانش‌آموزان را افزایش دهند.

در **کیریباتی** که «مؤسسه آموزشی اوتان ماراوا» طرح نوجوانان را در مدارس دولتی ارائه می‌کند تعداد فزاینده‌ای از معلمان، مدیران و والدین اذعان داشته‌اند که قوه بیان شرکت‌کنندگان برنامه تقویت گشته؛ عملکرد تحصیلی‌شان بهبود یافته و شخصیتشان رشد کرده است. جوانان بزرگسال‌تر مدرسه به عنوان مشوق در گروه‌های نوجوانان خدمت می‌کنند و در این فرایند قابلیتشان برای خدمت افزایش می‌یابد. در مناسبت‌های برگزار شده توسط وزارت آموزش و پرورش کشور از این سازمان دعوت به عمل آمده تا در

باره اهمیت ایجاد محیط‌هایی برای حمایت متقابل میان دانش‌آموزان، پیشرفت تحصیلی و امکان تواندهی اخلاقی سخنرانی کند.

«بنیاد رفاه» در **نیوزیلند** با همکاری مدارس عمومی برای دانش‌آموزان سال هفتم گروه نوجوانان تشکیل می‌دهد و جوانان دبیرستانی را در خدمت به نوجوانان همراهی می‌کند. مساعی مذکور به بصیرت‌های عمیق‌تری در باره اهمیت مشارکت والدین و معلمان در حمایت از این گروه سنی خاص می‌انجامد. خانواده‌های نوجوانان مدرسه نیز به فعالیت‌های جامعه‌سازی که در محله‌های اطراف در طول سال تحصیلی و ایام تعطیل جریان دارند متصل‌اند. از سال ۲۰۰۷ برنامه تواندهی روحانی نوجوانان با کمک یک سازمان

غیردولتی به نام «بنیاد پیشرفت علم آموزش» در مدارس **تاجیکستان** ارائه می‌شود. گروه‌های نوجوانان طی چند سال گذشته چندین پروژه خدمتی را در این محیط اجرا کرده‌اند، از جمله درختکاری، پاکسازی خیابان و همکاری گروه نوجوانان یک روستا با جامعه و دولت محلی برای نصب تابلوهای راهنمایی و رانندگی. پروژه‌های خدمتی بی‌شمار به صورت گسترده تأثیرات مثبتی بر جامعه داشته است. تلاش نوجوانان برای ساختن دوستی‌های عمیق و ایجاد روابط ماندگاری که اساسشان همکاری در جهت خیر عمومی است، تعصبات قدیمی موجود میان اقوام مختلف منطقه را به مرور کمرنگ نموده. از سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۶۰۰ نوجوان در مدارس سراسر کشور در برنامه شرکت کرده‌اند.



نیوزیلند

چند مثال دیگر از پروژه‌های خدمتی نوجوانان

وانواتو: پروژه خدمتی نوجوانان برای ترویج آگاهی محیط زیستی (ص ۶۷ در بخش «محیط زیست»)

اسپانیا: ساخت آهنگ توسط نوجوانان درباره مضامین روحانی (ص ۷۵ در بخش «هنر و رسانه»)
اقدامات کوتاه مدت (مثال‌های مختلف در ص ۱۸ الی ۲۱)

آمادگی برای اقدام اجتماعی

طی سال‌های گذشته چند سازمان با هدف شکوفایی استعداد جوانان در نقاط مختلف جهان آغاز به کار کرده‌اند؛ به عبارتی جوانان را در پرورش حس قوی هدفمندی - پذیرش مسئولیت رشد فکری و روحانی فردی و مشارکت در تحول اجتماع - همراهی نموده‌اند. «فوندائیک» در **کلمبیا** (به صفحه ۳۰ مراجعه کنید) از جمله سازمان‌هایی است که به مدت بیش از چهار دهه در فرایند مداوم اقدام و تحقیق بر نیازهای آموزشی جوانان کشور تمرکز نموده؛ برنامه «آمادگی برای اقدام اجتماعی» (PSA) یکی از نتایج این فرایند بوده است. این برنامه می‌کوشد تا افراد متخصصی را در منطقه پرورش دهد که قابلیت به‌کارگیری دانش علمی و اصول روحانی را در جهت پیشرفت جنبه‌هایی از حیات جامعه داشته باشند. برنامه «PSA» هفتاد و چهار واحد درسی را در سه مقطع تحصیلی ارائه می‌دهد. مقطع اول در بیست و پنج واحد درسی به تربیت «مروجین رفاه جامعه» اختصاص یافته است. دو مقطع تحصیلی بعد، به قابلیت‌سازی جوانان برای حمایت از توسعه جامع جوامع می‌پردازد. این برنامه با نام «SAT» توسط دولت چند کشور به عنوان یک گزینه معتبر برای دوره متوسطه شناخته شده است (به صفحات ۵۸ و ۵۹ مراجعه کنید).

برنامه آموزشی «PSA» حول پرورش «قابلیت تفکر و اقدام مؤثر در یک حوزه فعالیت مشخص و بر اساس یک هدف واضح» سازمان‌دهی شده است. واحدهای درسی برنامه به شرکت‌کنندگان در پرورش یک یا چند قابلیت در حیطه زبان، ریاضیات، علوم و فرایندهای زندگی اجتماعی از جمله آموزش، کشاورزی، سلامت و حفاظت از محیط زیست کمک می‌نماید. هدف هر واحد افزایش توانمندی شرکت‌کنندگان است تا از طریق انتقال مفاهیم مرتبط، ارائه اطلاعات صحیح، و تقویت مجموعه‌ای از مهارت‌ها، توانایی‌ها، نگرش‌ها و صفات روحانی مربوطه به منطقه خدمت کنند. به جای اتخاذ رویکرد سنتی و رایج که دانش را به شاخه‌های مختلف تقسیم

می‌نماید، برنامه آموزشی «فوندائیک» عناصر مربوطه از عالم دانش را به صورت منسجم در قالب مواد آموزشی به دانشجویان ارائه می‌کند تا ایشان را برای اقدام در تحول اجتماع امروزی آماده سازد.

این برنامه ماهیتاً آموزشی است؛ به بیانی دیگر، آموزش در گروه‌های کوچک محلی یک منطقه با کمک یک راهنما صورت می‌گیرد. راهنمایان دانش‌آموزان را در مطالعه کتب راهنمایی می‌کنند، سؤال طرح می‌کنند، به یافتن پاسخ کمک می‌نمایند، نکات مبهم را توضیح می‌دهند، تأمل بر تجربیات زندگی واقعی را تشویق و بر آزمایش‌ها و اقدامات اجتماعی نظارت می‌کنند. آنها کنفرانس نمی‌دهند و امر و نهی نمی‌کنند اما صرفاً تسهیلگر گفتگوهای گروهی نیز نیستند. رویکرد آموزشی مذکور به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا در اجتماع فعالیت کنند و در اقدامات سازنده و در خدمت به جامعه مشارکت نمایند. به‌علاوه امکان انعطاف در مدیریت زمان را فراهم می‌کند.

در طول یک دهه و نیم گذشته سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی در چند کشور کوشش نموده‌اند تا با استفاده از مقطع اول برنامه «PSA» مروج رفاه جامعه تربیت نمایند. جزئیات بیشتر در باب معرفی برنامه به کشورهای دیگر و ایجاد ساختارهایی برای تسهیل جریان یادگیری در باره نحوه اجرای برنامه در صفحه ۸۴ در بخش «سیستماتیک‌سازی جریان یادگیری» آورده شده است. پاراگراف‌های ذیل به بصیرت‌هایی اختصاص دارد که منبعث است از قابلیت‌های پرورش یافته توسط مروجین رفاه جامعه در بسترهای مختلف و حمایت ایشان از پیشرفت جوامع.

فعالیت‌های مروجین رفاه جامعه

«بنیاد تکوین آموزش و توسعه» در برخی از روستاهای **کامرون** شرقی در مطالعه متون «PSA» به تعداد قابل توجهی از افراد کمک نموده است. جوامع و مؤسسات منطقه نیز از تجربیات فارغ‌التحصیلان برنامه



وانواتو



کاستاریکا

«کلیه برکات منشاء الهی دارد اما هیچیک از آنها قابل قیاس با قدرت تحقیق و تدبّر نیست. موهبتی اعظم از آن تصوّر نتوان نمود و ثمرات جنّیه‌اش را انتهائی نبوده و نخواهد بود ... پس باید در اکتساب علوم و انواع هنر نهایت سعی و کوشش و جدّ و جهد مبذول دارید.»
- حضرت عبدالبهاء

رفاه در برخی از محله‌ها کارکرد یک هیئت مشورتی را دارند که جامعه محلی در زمان بررسی پروژه‌های مربوط به پیشرفت جامعه دیدگاه‌ها و نظریاتشان را جویا می‌شود. قابلیت‌های دیگر مربوط به تغذیه، بهداشت و سلامت، و آموزش و پرورش به مروّجین رفاه کمک نموده است تا با توجّه به شرایط مکانی که در آن ساکن‌اند بتوانند به جامعه خود خدمت کنند. شرکت‌کنندگان برنامه در تالامانکا در **کاستاریکا** - بخشی از کشور که کشاورزی در زندگی مردم نقش محوری دارد - با گذشت زمان یادگیری در مورد تولید موادّ غذایی در مزارع کوچک را آغاز کردند. آنها به طور خاص در مورد برداشت بیشتر، حفظ گیاهان بومی و افزایش تنوّع موادّ مغذی بینش‌هایی را کسب نمودند. مساعی مطروحه در خانواده‌ها انگیزه آن را ایجاد کرد که قطعات زمین خود را برای تولید محصولات کشاورزی آماده سازند، درآمدشان را افزایش دهند و در این حیطه تولید دانش مشارکت نمایند. با افزایش تنوّع محصولات، گردهمایی‌هایی در منطقه برای خانواده‌ها برگزار گردید تا محصول، بذر و بینش‌های به دست آمده را با یکدیگر به اشتراک گذارند و بدین‌ترتیب یک حس هدف مشترک ایجاد شد.

شرکت‌کنندگان برنامه در **اوگاندا** به طرز مشابه در سلسله‌ای از گفتگوها با مردم محلی پیرامون موضوع بهداشت و سلامت وارد شدند و آب را باعث انتقال بسیاری از

استفاده کرده‌اند. ابتکارات فارغ‌التحصیلان در پروژه‌های توسعه به طیفی از چالش‌های مربوط به بهداشت و سلامت، محیط زیست، حلّ منازعات و رفاه اقتصادی پاسخ داده است. چند تن از فارغ‌التحصیلان، «انجمن مروّجین رفاه جامعه» را با هدف ساختارمند نمودن و سیستماتیک‌سازی ابتکارات تشکیل دادند. این تعاونی تعدادی از پروژه‌ها را در چهار محله شرق کشور - یا واحد - همراهی می‌کند؛ سمینارهایی را برای ادامه مطالعه محتوای «PSA» برگزار می‌نماید؛ و گردهمایی‌هایی را برای فارغ‌التحصیلان برنامه در هر واحد سازمان‌دهی می‌کند. گردهمایی‌ها فضای مناسبی را برای تبادل نگرش‌ها، ایجاد ارتباط میان فارغ‌التحصیلان مشغول به فعالیت‌های مشابه، و مستندسازی پروژه‌های متفاوت در هر واحد ایجاد کرده‌اند. یکی از گروه‌های فعال در شهر کته فعالیت‌های خود را از طریق مرکز جوانان جامعه پیش می‌برد و در سازمان‌دهی فعالیت‌های جوانان در محله مشارکت داشته است. این گروه با همکاری ایستگاه رادیویی روستایی وارد گفتگوهای گسترده‌تر تعلیم و تربیت و محافظت از محیط زیست نیز شده است.

تقویت قابلیت‌های متفاوت مانند ایجاد محیط‌های مبتنی بر وحدت در کثرت و ترویج اقدامات جمعی به شرکت‌کنندگان برنامه «PSA» کمک کرده است تا برای ایجاد تغییر اجتماعی در مناطق خود فعالیت کنند. برای مثال مروّجین رفاه جامعه در لوبومباشی در **جمهوری دموکراتیک کنگو** گردهمایی دوره‌ای برگزار می‌کنند که در این فضا خانواده‌ها، مقامات محلی، مؤسّسات و نهادهای بهائی گردهم می‌آیند تا به مسائل و مشکلات خاصّ جوامع خود بپردازند. در یکی از این جلسات موضوع امنیت در محله مطرح گردید و جمع تصمیم گرفت که برای چراغ خیابانی در پنج جاده محله برق تهیه کند. بسیاری از خانواده‌ها با اعتماد به تعهد شرکت‌کنندگان به پیشرفت جامعه، حمایت خود را با تهیه بودجه برای عملی کردن پروژه نشان دادند. در نتیجه همکاری مستمر با مقامات محلی، مروّجین



هندوراس

برنامه SAT در هندوراس

متون طراحی شده توسط «فوندائیک» در چندین کشور به عنوان یک گزینه کاملاً معتبر برای مقطع متوسطه ارائه می‌شود و با نام «SAT» شناخته شده است. برای نمونه «انجمن بیان» در **هندوراس** به مدت بیش از سه دهه برنامه «SAT» را اجرا کرده است. با وجودیکه «انجمن بیان» در سال‌های اولیه بنیان‌گذاری تنها در حیطه سلامت روستایی در استان گراسیاس آ دیوس فعالیت می‌کرد، در اواسط دهه ۱۹۹۰ توجه خود را به حیطه آموزش معطوف داشت. با مشاهده سیستم تحصیلی که تنها مقطع ابتدایی را در منطقه پوشش می‌داد - عاملی که توسعه نیروی انسانی را با محدودیت مواجه کرده بود - و با اطلاع از تأثیرگذاری برنامه‌های «فوندائیک» در **کلمبیا**، «انجمن بیان» همکاری خود را با «فوندائیک» آغاز نمود.

برنامه «SAT» ابتدا در ۱۲ روستا در استان‌های کولون و گراسیاس آ دیوس ارائه شد. این فاز اولیه نه تنها برای جوامع محلی نتایج مثبتی را دربرداشت بلکه توجه مسئولین آموزش را نیز به عنوان جایگزینی مؤثر و کارآمد برای مقطع متوسطه در مناطق روستایی کشور جلب کرد. برنامه به تدریج با همکاری نمایندگان دولتی و دیگر افراد به تعداد فزاینده‌ای از مناطق شهری معرفی شد. با گذشت زمان سیستم آموزشی ارائه شده از

بیماری‌های شایع در روستا شناسایی کردند. فضاهای مشورتی برای گردهمایی اعضای جامعه و رهبران محلی تشکیل شد تا دانش، مهارت‌های فنی و منابع مادی موجود برای احداث منبع آب مورد بررسی قرار گیرند. در این جلسات تأثیرات احتمالی پروژه بر جامعه و محیط زیست پروژه مورد بحث قرار گرفت و بسیاری از اعضاء با فداکاری منابع فنی و مالی در اختیار پروژه گذاشتند. احداث منبع آب بعد از دو ماه به اتمام رسید و افراد بسیاری افزایش قابلیت جامعه برای ترسیم مسیر توسعه خویش را احساس کردند.

به‌علاوه، مروجین رفاه جامعه برای افزایش دسترسی به آموزش در جوامعشان می‌کوشند. تحول گروهی از مادران در **اکوادور** نمونه‌ایست از تبدیل شرکت‌کنندگان برنامه به عوامل فعالی که مسئولیت آموزش خود را به عهده می‌گیرند. گرچه بسیاری از آنها تحصیلات رسمی را به اتمام نرسانده بودند اما افزایش فهم از زمینه‌های مختلف دانش، منبع تشویق و باعث پیشرفت مادران در تحصیل شد. آنها با پیشروی در برنامه انگیزه یکدیگر را برای ادامه تحصیل تقویت کردند. زمانی که گروه مطالعه مواد آموزشی برنامه را به اتمام رساند، بسیاری از شرکت‌کنندگان مدرک تحصیلی رسمی نیز کسب کرده بودند. فعالیتهای مادران جوان عامل آموزش روحانی کودکان جامعه و الهام‌بخش زنان دیگر برای شکوفایی استعدادهایشان گردید.



چند ابتکار دیگر برخاسته از مجهودات شرکت‌کنندگان برنامه PSA

اوگاندا: بنیاد کیمانیا-نگیو (ص ۶۲ در بخش «کشاورزی») زامبیا: بنیاد اینشیندو (ص ۶۲ در بخش «کشاورزی») **وانواتو:** گروه‌هایی در حال ایجاد مناطق حفاظت شده (ص ۶۷ در بخش «محیط زیست»)

پاپوآ گینه نو: گروهی در حال تأسیس بانک روستایی غیررسمی (ص ۶۹ در بخش «حیات اقتصادی») **سیستماتیک‌سازی یادگیری:** آمادگی برای اقدام اجتماعی (ص ۸۴)

در سال ۲۰۱۸ «نسلی بدون محدودیت» - یک مشارکت عمومی-خصوصی در سطح جهانی و تشکیل شده توسط یونیسف - برنامه «SAT» در هندوراس را به عنوان یک راه حل نوآورانه برای گسترش آموزش متوسطه باکیفیت به مناطق روستایی و کمک به توسعه روستایی شناخت. نمرات آزمون جوانانی که دوره «SAT» را در تعدادی از روستاهای هندوراس گذرانده بودند ۴۵ درصد بالاتر از افرادی بود که در مدارس معمولی در همان ناحیه درس خوانده بودند و این پدیده از یافته‌های چشمگیر برنامه محسوب می‌شود.

«انجمن بیان» علاوه بر ارائه آموزش متوسطه به این نکته توجه دارد که برنامه «SAT» چگونه با فرایندهای مختلف حیات جامعه در تعامل است - به طور مثال آموزش نسل‌های جوان‌تر، تولید غذا، یا سلامت جامعه در مناطقی که تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان سکونت دارند. این برنامه سالانه به بیش از ۸۰۰۰ نفر ارائه می‌شود و تاکنون بالغ بر ۱۰۰,۰۰۰ دانش‌آموز را پوشش داده است. برنامه «SAT» در کشورهای دیگر آمریکای لاتین نیز به عنوان بخشی از سیستم آموزشی رسمی توسط سازمان‌هایی در برزیل، اکوادور، گواتمالا و نیکاراگوئه ارائه شده و مجموع شرکت‌کنندگان بیشتر است از ۳۰۰,۰۰۰ نفر.

طریق مساعی انجمن به دلیل کیفیت آموزش و مشارکت آن در حیات جامعه در سطح ملی شناخته شد. سازمان در حال حاضر با تأیید قانونی وزارت آموزش و پرورش برنامه «SAT» را در ۱۲ استان از کل ۱۸ استان هندوراس با پیروی از یک الگوی چندبخشی - که در آن جامعه، سازمان‌های اجتماعی و دولت مشارکت دارند - ارائه می‌کند. دولت ۹۰ درصد هزینه‌های برنامه از جمله حقوق راهنمایان را تأمین می‌کند.

تجربه برنامه «SAT» در هندوراس توسط نهادهای مختلف مانند «مؤسسه بروکینگز» - یک سازمان غیرانتفاعی مستقر در ایالات متحده برای سیاست‌گذاری‌های عمومی - به عنوان نمونه‌ای از مفهوم‌سازی، طراحی و ارائه یک رویکرد جدید آموزشی مورد تأکید قرار گرفته است. برنامه «SAT» طبق اظهارات این مؤسسه «انقلاب آموزش را تسریع می‌نماید». یک نویسنده که در مؤسسه کار می‌کند مشاهداتش را چنین شرح می‌دهد: «مهارت‌هایی که برنامه بر آن تمرکز دارد، مانند رشد اخلاقی و رشد شخصیت، فراتر از مهارت‌های علمی سنتی است و به دلیل تصویر گسترده‌تری که از یادگیری دارد» خدمت به جامعه را جزو بخش‌های اصلی برنامه آموزشی قرار داده است. مؤسسه تأکید می‌کند که عدم یک سلسله مراتب خشک، ارائه برنامه را متمایز می‌سازد و فرهنگی از احترام و اعتماد متقابل را میان راهنمایان و دانش‌آموزان به وجود می‌آورد.

کشاورزی

تعالیم بهائی کشاورزی را در کانون حیات جامعه قرار می‌دهد و بر پیشرفت این حیطه تأکید می‌ورزد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: «اصل و اساس جامعه زراعت است و فلاح. جمیع باید مولّد باشند.»

یک مرکز غیرانتفاعی آموزش کشاورزی در **موریس** توسط زوجی تأسیس گردید که نیاز به دسترسی همه افراد جامعه به سبزیجات ارگانیک مغذی را شناسایی کردند. این مرکز کشاورزی با هدف از بین بردن موانع توزیع عادلانه مواد غذایی از طریق تقویت سیستم‌های غذایی محلی تأسیس شد. ابتکار قابل توجه این سازمان مشارکت ۱۵۰ جوان در آموزش‌های مرتبط با کشاورزی ارگانیک و توسعه قابلیت‌های کارآفرینی برای فعالیت‌های اجتماعی کشاورزی با هدف توسعه جامعه بوده است. از جمله فعالیت‌های جوانان تلاش برای ایجاد باغ‌های جامعه و پرورش سبزیجات در منازل خود و بدین‌ترتیب کاهش هزینه‌های زندگی بوده است. این سازمان می‌کوشد تا جوامع محلی را در فعالیت‌های خود مشارکت دهد و از مساعدت مالی عمومی برای برخی از برنامه‌ها بهره برده است.

ابتکارات محلی در محیط‌های شهری همچنین منجر به این یادگیری شده است که کشاورزی به عنوان وسیله‌ای برای توسعه جامعه و پاسخی به چالش‌های موجود در اجتماع نگریسته شود. گروهی از جوانان در **انگلستان** باغ جامعه احداث کردند تا یک فضای مشترک برای کاشت سبزیجات و همچنین فضای سبز بیشتری در محله‌شان به وجود آورند. با گذشت چند سال این ابتکار منجر به گردهمایی منظم همسایگان شد که به طور طبیعی برای معاشرت در باغ دور هم جمع می‌شدند. در دوران محدودیت‌های به وجود آمده به خاطر همه‌گیری ویروس کرونا، باغ به فضای اجتماعی مهمی برای حمایت از خانواده‌های نیازمند به منابع غذایی تبدیل شد. یک کلبه چوبی به عنوان کلبه جامعه در باغ ساخته شده که مواد غذایی فاسدنشدنی و کتاب در اختیار همسایگان قرار می‌دهد.

با الهام از تعالیم طیف وسیعی از ابتکارات و پروژه‌ها به منظور توسعه کشاورزی در طول دهه‌ها پدید آمده‌اند. در محیط‌های روستایی و شهری گروه‌هایی از افراد به صورت جمعی مسئولیت دامپروری و تولید محصولات کشاورزی را به عهده گرفته‌اند تا امنیت غذایی و وضعیت تغذیه را در جوامعشان بهبود بخشند و به درآمد خانواده‌ها کمک نمایند. برخی از گروه‌ها مدرسی به منظور آموزش فنی کشاورزی یا سازمان‌هایی با هدف تواندهی کشاورزان تأسیس کرده‌اند در حالی که سایرین، گروه‌های کشاورزان روستایی را تشکیل داده‌اند. گروه‌هایی از خانواده‌ها و دوستانشان در **ونزوئلا** برای پاسخ به چالش‌های اقتصادی و کمبود غذا پروژه‌های کشاورزی آزمایشی را در چندین محل آغاز کردند. در ابتدا رویکردشان مشورت با اعضای جوامع مختلف بود. گام‌هایی برای درست کردن باغچه سبزیجات خانوادگی در خانه علاوه بر اراضی جامعه برداشته شد و این ابتکار به تدریج به حدود ده محل گسترش یافت. با پیشرفت این مجهودات فرصت‌هایی برای همسایگان به وجود آمد تا تجارب خود را در مورد روش‌های مناسب کشاورزی به اشتراک گذارند و در کنار یکدیگر یادگیری داشته باشند. چنین تعاملاتی به تقویت روحیه عشق و اتحاد میان خانواده‌ها و دوستان نیز کمک نمود. به مرور زمان، پروژه‌های اولیه به نقاطی فراتر از مناطق روستایی بسط یافته، حدود ۱۰۰ باغچه را در حیطه‌های مناطق شهری دربرگرفت. گفتگوها و تعاملات شکل گرفته در پی اقدامات فوق‌الذکر همراه با حمایت مؤسسات محلی به ظهور خطوط اقدام جمعی مکمل انجامید؛ مانند تأمین آب آشامیدنی سالم برای جوامع توسط خانواده‌ها، یافتن راه‌های جایگزین برای آموزش کودکان در دوران همه‌گیری کرونا، و آغاز پروژه‌های کوچک دیگر برای توسعه اقتصادی.

«تا می‌توانی بکوش در فنّ زراعت نهایت مهارت را حاصل نمائی زیرا به موجب تعالیم الهی تحصیل فنون و اتقان صناعت عبارت از عبادتست.»
- حضرت عبدالبهاء



شرکت کنندگان یک ابتکار کشاورزی ملهم از تعالیم بهائی در هند مهارت‌هایی را برای کشاورزی محلی کسب می‌کنند.

پیشنهادی آماده نمود، مدرسه مقداری بودجه به باغ و دسترسی به آب اختصاص داد و هیئت مدیره بذر و خاک تهیه کرد. وحدت بینش بین گروه و مدرسه از ابتدای امر حائز اهمیت بود، این بینش شامل ارتباط نسل جوان با اصول مربوط به پایداری، افزایش درک افراد از اهمیت تولید مواد غذایی، و گردآوری اعضای محله به منظور فعالیت عملی پیرامون این تلاش بود. طی این فرایند، گروه مذکور اصول کشت پایدار را به کار گرفت؛ از تایر ماشین و بطری بازیافتی به عنوان حاشیه بستر کاشت، از کنده به زمین افتاده درختان به عنوان نیمکت برای باغ، از کاغذ باطله و جعبه مقوایی قدیمی برای مالچ، و از زباله‌های آشپزخانه برای ساخت کمپوست استفاده کرد. بسیاری از افراد اذعان داشته‌اند که باغ حس اعتماد بیشتری در درون جامعه ایجاد کرده و همچنین به محلی برای دوستی و کثرت تبدیل شده است؛ جایی که نسل جدید و قدیم با پیش‌زمینه‌های گوناگون گردهم می‌آیند تا بینش‌ها و داستان‌هایشان را با هم به اشتراک بگذارند. ظرف مدت نه ماه این فعالیت از ۱۵ به حدود ۶۰ نفر گسترش یافت.

یکی از ابتکارات کشاورزی شهری به منظور بازسازی و تبدیل حیاط خانه‌های تورنتو به فضایی برای رشد سبزیجات فصلی مغذی و ارگانیک در **کانادا** آغاز گردید. این اقدام در بخشی از شهر که «بیابان غذایی» محسوب می‌شود و ساکنین آن دسترسی آسان به فروشگاه‌های مواد غذایی ندارند فعالیت می‌کند. جوانان محله در مزرعه مجاور نیز مشغول به کار بوده و نوجوانان در مطالعه محتوای آموزشی مربوط به مواد غذایی و کشاورزی شرکت داشته‌اند. محصولات زراعی علاوه بر حیاط در گلخانه نیز کشت می‌شوند. در این گلخانه‌ها به روی جوانان باز بوده تا علاقه خود به علم کشاورزی را پرورش دهند.

گروهی از افراد در **سنگاپور** که راه‌های خدمت به جامعه را بررسی می‌کردند با هیئت مدیره پارک‌های ملی تماس گرفتند تا با هماهنگی ایشان برای تقویت روابط میان همسایگان از طریق باغبانی از بخشی از یک پارک استفاده کنند. این گروه توسط هیئت مدیره به یک پیش‌دبستانی متصل شد که چند داوطلب را برای رسیدگی به باغی که نیازمند تعمیر بود لازم داشت. پس از آنکه گروه طرح

یادگیری درباره کشاورزی در آفریقا: نگاهی اجمالی

بزرگتر که زراعت تک کشتی ذرت با استفاده زیاد از کود شیمیایی و آفتکش را ترویج می‌دهد باهشیاری و به‌دقت بررسی کردند. آنها با تشخیص پیامدهای طولانی‌مدت اقتصادی و زیست محیطی سیستم پیشنهادی، مؤدبانه طرح سازمان را رد کردند و تمرکز خود را بر یافتن رویکردهای پایدار کشاورزی که می‌توانست به نیازهای جامعه به طور مؤثرتر رسیدگی کند ادامه دادند.

«بنیاد اینشیندو» در **زامبیا** بیش از ۵۰۰ کشاورز را در مطالعه محتوای آموزشی در مورد تولید پایدار مواد غذایی در مزارع کوچک همراهی کرده است. این بنیاد همچنین از کمپینی که باغچه‌های حیاط منازل را ترویج می‌کند حمایت کرده و یک مرکز جامعه برای کشاورزی تأسیس نموده است. این مرکز، که با همکاری دولت محلی تأسیس گردیده، یک بانک بذر و یک آزمایشگاه ساده که در آن به روی جامعه باز است را شامل می‌شود. مرکز همچنین مکانی را برای مطالعه، تبادل نگرش و آزمایش روش‌های کشاورزی فراهم می‌کند.

دهه‌های گذشته در جنوب صحرای آفریقا - مکانی که تقریباً دو سوم جمعیت به صورت تمام‌وقت یا پاره‌وقت کشاورزی می‌کنند - فرصتی غنی را برای یادگیری در باره به‌کارگیری تعالیم روحانی و دانش علمی در حیطه کشاورزی ایجاد کرده است. صفحه ۸۵ توصیفی است از سیستماتیک‌سازی یک فرایند یادگیری در میان تعداد فزاینده‌ای از سازمان‌های توسعه بهائی در قاره که این سازمان‌ها در کنار کشاورزان تحقیقات کشاورزی انجام می‌دهند. در زیر بررسی اجمالی تعدادی از اقدامات جاری ذکر گردیده است.

«بنیاد علمی و آموزشی کیمانیانگ» در **اوگاندا** یک مزرعه تحقیقاتی تدارک دیده است تا شرکت‌کنندگان دوره «آمادگی برای اقدام اجتماعی» (به صفحات ۵۶ تا ۵۸ مراجعه کنید) بتوانند از دانش و قابلیت‌هایی که در مطالعاتشان به دست آورده‌اند استفاده نمایند. یک گروه از جوانان متنی را مطالعه می‌کنند که به آنان در انتخاب‌های تکنولوژیکی آگاهانه کمک می‌کند. این گروه پیشنهاد یک سازمان





صبر، اراده و سخاوت دانش‌آموزان افزایش یابد. دیگر شرکت‌کنندگان نیز شاهد تغییراتی در ماهیت تعاملات میان خانواده‌ها در محله‌هایی که باغچه در حیاط خانه‌ها وجود داشت بودند؛ در برخی از موارد نشانه‌هایی از همکاری بیشتر و اقدام جمعی بروز پیدا کرد. برای مثال در یک محله شش خانواده برای پرورش گیاهان دارویی و محصولات غذایی با یکدیگر از نزدیک همکاری نمودند. برخی از آنان موفق شدند محصولاتشان را در بازار محلی به فروش رسانند.

در روستای نشیمی در کیووی جنوبی، یک معلم به همراهی یک متخصص کشاورزی از «بنیاد عرفان-گِئسانس» گفتگویی را با دهیار در باره نیاز به افزایش تنوع سیستم‌های تولیدات کشاورزی و تأسیس بانک بذر آغاز نمودند. در نتیجه گفتگوهای اولیه، دهیار ملاقاتی را با بیش از ۵۰۰ نفر ترتیب داد که این جمع منجر به تخصیص دو قطعه زمین زراعی بزرگ به تولید بذر و قلمه گونه‌های مختلف گردید. جامعه با فراهم کردن مصالح ساختمانی برای بانک بذر مسئولیت پروژه را پذیرفت و یک سازمان توسعه محلی را برای ساخت و ساز بانک به کار گرفت. کمیته‌های متفاوتی به سرعت برای سیستماتیک‌سازی فعالیت بانک بذر شکل گرفتند - کمیته مدیریتی برای هماهنگی ملاقات‌ها و رسیدگی به سوابق بانک، کمیته نظارت بر توزیع بذر، و یک کمیته مشورتی با حضور دهیار برای محافظت از یکپارچگی اقدام و اطمینان از آنکه این فعالیت ارزش‌های جامعه را منعکس می‌کند. از آن زمان تعدادی گروه دیگر به منظور فروش محصول، دامپروری و سوادآموزی بزرگسالان در اطراف بانک بذر شکل گرفته‌اند. طی یک سال تعداد اعضا از ۲۵ به ۲۰۰ نفر افزایش یافت. اعضای جامعه بیان کرده‌اند که این ابتکار به روستا کمک نموده است تا به چالش سوءتغذیه پاسخ دهد و زنان را تشویق کرده که بیشتر در مشورت‌های جامعه مشارکت کنند.

در ده‌ها روستا در جمهوری دموکراتیک

کنگو گروه‌های کشاورزی جامعه تشکیل شده‌اند. این گروه‌ها به صورت جمعی می‌کوشند تا اصول مشخصی را - از قبیل حمایت متقابل، مشورت و خدمت - در مساعی‌شان برای تولید غذا به کار بندند. معلمان بسیاری از مدارس جامعه توانسته‌اند آموزش کشاورزی را تقویت نموده و زمین‌های کاشت ساده ای را برای مدرسه ایجاد کنند یا بهبود بخشند. در برخی از موارد گفتگوها به جامعه بسط یافته و به اصلاح روش کشاورزی خانواده‌ها منجر شده است. برنامه‌های آموزشی برای جوانان که قابلیت لازم برای اقدام اجتماعی را ایجاد می‌کند نیز علاقه به این حیطه را افزایش داده و به آغاز ابتکارات کشاورزی محدود منتج شده است.

«بنیاد عرفان-گِئسانس» که از سال ۲۰۰۷ تأسیس مدارس جامعه را در منطقه کیوو در کشور ترویج کرده است با تکیه بر این فرایندها، از سال ۲۰۱۶ موضوع کشاورزی را به محتوای آموزشی سمینارهای تربیت معلم خود اضافه نمود با این هدف که قابلیت‌های علمی معلمان و والدین را در باره تولید مواد غذایی و تغذیه توسعه دهد. چنین آموزشی، در کنار ملاقات‌های منظم، به معلمانی که معمولاً به عنوان کشاورز کار می‌کنند نیز کمک نموده است تا درآمد خانوادگی‌شان را افزایش دهند. در برخی از مدارس جامعه که منابع کافی وجود دارد، زمین‌هایی آماده گردیده تا برای دانش‌آموزان مواد غذایی تولید شود و فضایی مهیا گردد تا با خانواده‌هایشان در باره تولید مواد غذایی یادگیری کسب نمایند. به جهت گسترش هدف آموزش معلمان با استفاده از این تلاش‌های اولیه، تعداد زیادی باغچه در حیاط خانه‌ها ایجاد و یک بانک بذر - که به ۱۵۰۰ کشاورز خدمات ارائه می‌دهد - در یکی از روستاهای منطقه تأسیس شده است.

در بافت شهری‌تر گوما، معلمان با حمایت خانواده‌های دانش‌آموزانشان از تأسیس باغچه در حیاط خانه‌ها حمایت کرده‌اند. بسیاری از معلمان ذکر کرده‌اند که فرایند یادگیری در باره مدیریت و نگهداری از باغچه باعث شده که

بهداشت و سلامت

اصل هماهنگی علم و دین که تعالیم بهائی آن را ارج می‌نهد الهام‌بخش توسعه تلاش‌های بی‌شماری در حیطه بهداشت و سلامت بوده است. آثار بهائی «نعمت صحت را بر جمیع نعما مرّج» می‌داند و آن را ابزاری برای یک زندگی طولانی، شرافتمندانه و سرشار از خدمت به بشریت توصیف می‌کند.

در **فیلیپین** برای بحث و گفتگو در باره اثرات مضرّ الکّل، معلّمان مدارس جامعه در سراسر آفریقا آموزش سلامت را در کلاس و گفتگو با خانواده‌ها گنجانده‌اند. گروه‌هایی از خانواده‌ها با ایجاد مزرعه جامعه و کاشت سبزیجات و دیگر محصولات لازم به رفع نیازهای غذایی دانش‌آموزان یا کلّ محله کمک می‌کنند. در اردن و دیگر بخش‌های مناطق عربی متخصصان سلامت کارگاه‌ها و سمینارهایی در جوامع خود ترتیب داده‌اند تا آگاهی از چالش‌های مربوط به سلامت را افزایش دهند و با افرادی که از یک یا چند بیماری رنج می‌برند مشورت کنند.

برخی از ابتکارات رسمی‌تر و پایدارتر شده‌اند. برای مثال «بنیاد نوآوری‌های اجتماعی رجینا ماریا» در **رومانی** دو کلینیک در شهر بخارست تأسیس کرده است تا به مردمی که بیمه درمانی ندارند با قیمت پایین یا به صورت رایگان خدمات درمانی باکیفیت ارائه دهند. علاوه بر ارائه خدمات در خود کلینیک، یک تیم پزشکی بیمارانی را که تنها هستند یا به قدری بیمار هستند که نمی‌توانند به کلینیک مراجعه کنند در خانه‌های بیماران ویزیت می‌کنند. این تیم همچنین خدمات گسترده‌ای را به پناهندگان اوکراین ارائه کرده است. سازمان «گرین دِسپویر» در **جمهوری دموکراتیک کنگو** در پاسخ به نیازهای بهداشتی مردم تأسیس گردید و سه خطّ اقدام را برای ارتقاء سلامت جوامع آغاز کرده است. اولین خطّ اقدام، آموزش معلّمان بوده است تا با خانواده‌ها در مورد سلامتی گفتگو کنند و ایجاد محیط بهداشتی و دسترسی به کمک‌های اولیه در مدارس را بیاموزند. همچنین این سازمان با کلینیک‌ها همکاری می‌کند تا در کارشان هماهنگی بین علم و اصول روحانی را اجرا کنند - برای مثال با تقویت درک کارکنان بخش سلامت از شرافت انسان به عنوان

فعالیت‌های بهائیان در این حیطه می‌کوشند تا دسترسی به مراقبت‌های پزشکی قابل قبول را گسترش دهند و به جمعیت‌های محلی کمک نمایند تا ظرفیت لازم برای ارتقاء سلامت جسمانی، روحانی و روانی جوامعشان را توسعه دهند. این ابتکارات اشکال گوناگونی دارند و بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها و انجمن‌های پزشکی را شامل می‌شوند. مساعی دیگر شامل این موارد است: سازماندهی کمپ‌های پزشکی و کمپین‌هایی برای افزایش آگاهی در مورد عادات و روش‌های ارتقاء سلامتی، اجرای برنامه‌های آموزشی مربوط به سلامت در مدارس، و طراحی برنامه‌هایی برای آموزش کارکنان سلامت جامعه که می‌توانند بین نیازهای بهداشتی مردم و خدمات پزشکی نهادهای دولتی پلی ایجاد کنند. تمامی این ابتکارات ترویج فرهنگی را مد نظر دارند که در آن افراد، جوامع و مؤسسات در کنار یکدیگر تلاش می‌کنند تا دانش علمی و اصول روحانی را برای طیف فزاینده‌ای از دغدغه‌های بهداشتی به کار بندند. در پاراگراف‌های بعد چند نمونه از ابتکاراتی که به افزایش سلامت جوامع کمک کرده‌اند مطرح شده است. تعدادی از مجهوداتی که در پاسخ به گسترش همه‌گیری ویروس کرونا آغاز گردیدند در صفحات ۷۸ و ۷۹ شرح داده شده‌اند.

گفتگو پیرامون چالش‌های کلی مربوط به سلامت در جامعه، چه در ارتباط با تغذیه یا شرایط نامعلوم حاکم در یک همه‌گیری جهانی و چه تأثیرات اعتیاد به الکّل بر اجتماع، در محیط‌های مختلف طرقی را برای اقدام محلی ایجاد کرده است. گروه‌هایی از جوانان در هزاران نقطه فضایی را برای انتشار اطلاعات در باره سلامتی به وجود آورده‌اند؛ از جمله کمپین ایجاد آگاهی در باره تغذیه یا سلامت روان در **کانادا** و **فرانسه** یا گردهمایی جامعه



رومانی



ایالات متّحده

«آنچه سبب صحت بدن و
قوت و بنیه و صیانت اطفال از
عروض امراض است تحصیل
نمایند.»
-حضرت عبدالبهاء



است تا مسائل و مشکلات ابتدایی مربوط به سلامت را در محله‌هایشان شناسایی کنند و طرقي را برای تقویت خدمات بهداشتی موجود در اطرافشان بیابند. تحقیقات اولیه از این تلاش‌ها برای درک بهتر نیازهای جامعه و همچنین تحلیل آمار مربوط به سلامت در منطقه، نیاز به نیروی انسانی بیشتر برای ارتقاء مراقبت‌های بهداشتی از کودکان زیر پنج سال را واضح می‌سازد. در این رابطه کوشش‌هایی برای همراهی جوانان علاقه‌مند در جوامع به عمل آمده است تا برنامه‌های آموزشی رسمی که به این نیاز پاسخ می‌دهند را شناسایی و در آنها شرکت کنند.

ابزاری برای افزایش کیفیت مراقبت و تعامل با بیمارانی که به ایشان خدمت می‌کنند. در نهایت، این سازمان به پرورش مربیان سلامت جامعه توجه دارد؛ این مربیان می‌توانند با کمک به بیماران سرپایی، پیگیری بیماران و ملاقات آنها در خانه‌هایشان، کیفیت کار کلینیک‌ها در جوامعشان را بهبود بخشند.

فعالیت‌هایی نیز از طریق مساعی «بنیاد پیشرفت علم» در اوتار پراش در هند برای آموزش مربیان سلامت جامعه انجام شده است. این سازمان عمدتاً بر دو حیطه اقدام متمرکز بوده است. حیطه اول یادگیری، افزایش دانش در باره مراقبت‌های بهداشتی اولیه و تقویت گفتگوها در مورد سلامت جامعه بوده است. در این راستا در مورد موضوعاتی مانند تغذیه، نظافت و پرهیز از مصرف داروهای غیرضروری محتوا تهیه شده است و در فضاهای مختلف جامعه از قبیل جلسات دعا در میان گروه‌هایی از خانواده‌ها مطالعه می‌شود. دوماً، این سازمان برای افزایش ظرفیت جامعه جهت ارائه مراقبت‌های بهداشتی گام‌های لازم را برداشته است. یکی از گام‌های مذکور طراحی یک برنامه آموزشی به منظور ایجاد قابلیت در اعضای جامعه بوده



گامبیا



محیط زیست

تصویر بالا: وانواتو؛
گوشه سمت چپ: ایسلند

در نقاط متفاوتی که بهائیان سکونت دارند افراد و جوامع می‌آموزند تا به این اعتقاد که نوع بشر ارتباطی ارگانیک با جهان طبیعت دارد جلوه عملی بخشند. حضرت بهاءالله می‌فرماید طبیعت «هی الارادة و ظهورها فی رتبة الإمكان بنفس الامكان». در پرتو این بیان عالم طبیعت امانتی است که کل اعضای خانواده بشری در قبال آن مسئول‌اند.

ابتکارات ساده‌ای آگاهی و هشدارِ رو به رشد نسل جوان در باره ضرورت حفاظت از منابع سیاره را نشان می‌دهد.

در تعدادی از نقاط پروژه‌های پایدار زیست محیطی نیز پایه‌گذاری شده‌اند. گروهی از افراد در **ایسلند** می‌آموزند که در باره ابعاد اخلاقی کاشت درختان از طریق پروژه احیای جنگل «اسکوگار» گفتگو کنند؛ «پروژه اسکوگار» ابتدا در دهه ۱۹۹۰ در پاسخ به چالش چشمگیری که کشور به خاطر جنگل‌زدایی و فرسایش خاک با آن روبرو بود آغاز گردید. این پروژه جامعه بهائی را با نهادهای مختلف موجود در اجتماع گسترده‌تر در ارتباط قرار داده است، از جمله «خدمات جنگلی ایسلند» زیر نظر وزارت محیط زیست دولت که درخت، مشاوره فنی، و مساعدت مالی برای این اقدام را فراهم می‌کند؛ «خدمات حفاظت از خاک» که کود را تأمین می‌کند؛ و اعضای جامعه کشاورز همسایه. گفتگوهای اولیه نیز با دانشگاه‌ها در جریان است که امکان استفاده از زمین به عنوان مکانی برای تحقیق درباره جنگل‌داری چندمنظوره را بررسی می‌کند. اخیراً

همزمان که گروه‌های مختلف می‌آموزند تا پیشرفت را به گونه‌ای بازتعریف نمایند که با محیط زیست هماهنگی بیشتری داشته باشد، مشارکت در پایداری زیست محیطی طیفی از مساعی را شکل می‌دهد، خواه از طریق ایجاد قابلیت در جوامع برای یافتن الگوهای پایدار زندگی یا از طریق جستجو و پرورش نگرش‌ها و عاداتی که به امانتداری سیاره زمین و مسئولیت در قبال آن برای نسل حاضر و آینده می‌انجامد.

جوانان در خط مقدم بسیاری از ابتکارات زیست محیطی جامعه‌محور هستند. هر ساله جوانان در جوامع مختلف سراسر جهان (به صفحات ۱۹ و ۵۴ مراجعه کنید) هزاران پروژه ساده را طرح‌ریزی و اجرا می‌کنند که به جنبه‌ای از حیات محیط زیست توجه دارد. چه در قالب کمپین‌های آگاهی بوم‌شناختی در **اکوادور و کنیا**، ابتکارات درختکاری در **بحرین و نپال**، پروژه‌های پاکسازی رودخانه در **کاستاریکا و برزیل** و چه در مساعی مشترک با جوامع و نهادهای محلی برای تقویت سیستم‌های بازیافت در **ایالات متحده و هند**، چنین

با دیگر سازمان‌های مذهبی گفتگوهایی با رُ اهداف روحانی درختکاری به عنوان بخشی از برنامه مبتکرانه محیط زیستی سازمان ملل متحد با عنوان «ایمان برای زمین» شکل گرفته که هدف آن «گذاشتن شالوده همکاری بین ادیان در توسعه احیا کننده و پایدار به منظور نیل به اهداف توسعه پایدار» است.

رویکرد کل اجتماع برای احیای اکوسیستم محلی

گزارش‌هایی از اقدامات نوظهور نشان‌دهنده جوامعی است که تمامیتشان می‌آموزند تا در حمایت از محیط زیست با هم مشارکت نمایند و پیچیدگی مجهوداتشان به مرور افزایش می‌یابد. تجربه‌ای از جزیره تانا در **وانواتو** تصویر مختصری از امکانات حاصله از چنین اقدامات مشترکی ارائه می‌دهد. مانند بسیاری از مجهودات در حوزه اقدام اجتماعی، انگیزه اولیه از طریق گروه‌هایی از جوانان به وجود آمد که با حمایت یک سازمان محلی ملهم از تعالیم بهائی در مورد محیط زیست محلی مشورت می‌کردند. برخی از جوانان در پرتو دانشی که از طریق مطالعه جمعی به دست می‌آوردند کارگاه‌هایی در مورد آگاهی محیط زیستی در جوامعشان ترتیب دادند. در نتیجه کارگاه‌ها و پروژه‌های غیررسمی دیگر که نوجوانان اجرا کرده بودند، شش جامعه با حمایت رهبران روستاهایشان تصمیم گرفتند که ناحیه‌ای را در اطراف یک منبع آب به عنوان منطقه حفاظت‌شده تعیین کنند که در آن هیچ‌گونه فعالیت انسانی به جز با هدف حفاظت انجام نشود. دو جامعه تصمیم گرفتند گونه‌های گیاهی را که در خطر انقراض قرار دارند مجدداً بکارند. متأثر از پروژه‌های خدمتی نوجوانان که بر اهمیت حفاظت از حیات دریایی و خطرات ماهیگیری بی‌رویه تأکید داشته و اطلاع‌رسانی می‌کردند، چهار جامعه دیگر تصمیم گرفتند قدم‌هایی برای حفاظت از تالاب بردارند. بزرگان روستا از تلاش‌های متواضعانه و محدود نوجوانان برای آگاهی‌سازی الهام گرفتند تا گردهمایی‌هایی برای مشورت در سطح جامعه در باره مسائل موجود برگزار کنند. قدم‌هایی برای حفاظت از منطقه برداشته شد، از جمله تعیین ممنوعیت ماهیگیری و نصب تابلو برای مشخص کردن

محدوده آن. با حمایت اداره جنگل‌داری برای جوانان اردوهای بوم شناختی ترتیب داده شد تا آنها درک عمیق‌تری نسبت به محیط زیست پیدا کنند. بعد از گذشت زمان لازم، حیات دریایی که گمان می‌شد منقرض شده است شروع به احیاء خود کرد.

در گذشته نیز تلاش‌هایی برای احیاء منطقه صورت گرفته بود اما چیزی که در مورد این ابتکار متمایز به نظر می‌رسید بینش جمعی و مشترک شکل گرفته و نقش جامعه در طراحی و پذیرفتن مسئولیت اقدام بود. بسیاری از اعضاء اظهار داشتند که هنگامی که برای پیشرفت جامعه، بعد روحانی قائل شدند - که شامل تأمل بر اهمیت مراقبت از محیط زیست و درک عواقب ماده‌گرایی افسارگسیخته و رقابت که شیوه‌های ناپایدار را ترویج می‌کنند بود - ایشان محافظت از تالاب و محیط اطراف آن را وظیفه اخلاقی خود احساس کردند. هنگامی که نوجوانان و جوانان از بینش و حمایت بزرگسالان خود کمک گرفتند، نسل‌های مختلف با یکدیگر ارتباط برقرار کردند؛ و نسل‌های بعد نیز اکنون از گونه‌هایی که زمانی فقط برای برخی از افراد شناخته شده بودند بهره می‌بردند. مرکز و محور این مساعی تعامل پویا و هماهنگ بین افراد، مؤسسات محلی و رهبران و خود جوامع بودند.

سایر ابتکارات محافظت از محیط زیست در جزیره شامل این موارد بودند: تشکیل کمیته‌هایی برای مناطق حفاظت شده بیشتر، هم برای خاک و هم دریای جزیره؛ احیاء صخره‌های مرجانی؛ راه‌اندازی نهالستان برای درختکاری در اطراف باغ‌ها که برخی از آنها عاملی برای محافظت در برابر طوفان بوده‌اند؛ و تعیین مکان برای دفع پلاستیک یکبار مصرف. همچنین گروه‌هایی از جوانان و نوجوانان به دنبال یافتن راه‌های بهتری هستند برای رسیدگی به روش‌های چوب بری ناپایدار، محافظت از آب پاک، احیاء گونه‌های در خطر انقراض در جزیره، و مقابله با فرسایش خاک.

«این یک شبر عالم یک وطن و یک مقام است. از افتخار که سبب اختلاف است بگذرید و به آنچه علت اتفاق است توجه نمایید.»
- حضرت عبدالبهاء



حیات اقتصادی

یکی از اصول اساسی دیانت بهائی از بین بردن فقر و غنای مفرط از طریق ترویج سیستم‌های اقتصادی عادلانه و تلاش داوطلبانه همگان صرف نظر از امکاناتشان است.

را با هدف بهبود جنبه‌ای از حیات جمعی آغاز کرده‌اند. با پیروی از الگوی مطالعه، مشورت، اقدام و تأمل، دامنه برخی از این اقدامات طی زمان گسترش یافته و تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر جامعه بزرگتر گذاشته است. به ویژه در نقاطی که صفات و نگرش‌هایی از قبیل حمایت متقابل، امانتداری و حالت یادگیری بخشی از فرهنگ یک جامعه را شکل می‌دهند، به صورت طبیعی ابتکارات متنوعی از قبیل تعاونی‌های گوناگون - از گروه پس‌انداز و بانک جامعه گرفته تا انجمن‌های زنان یا کشاورزان - پدید آمده‌اند.

در بسیاری از جوامع در آفریقا تعاونی‌های کشاورزی که بر تبادل دانش و منابع تأکید دارند در بهبود قابل‌توجه تولید اولیه و ثانویه مؤثر بوده‌اند. برداشت بهتر محصول در کنار قابلیت فزاینده برای مشارکت در اقدام جمعی به آغاز چندین پروژه درآمدزا و نتیجتاً به رفاه مادی خانواده‌ها منجر شده است. برای مثال گروهی از کشاورزان در **جمهوری دموکراتیک کنگو** علاوه بر کاشت محصولات دیگر به منظور رسیدگی به نیازهای غذایی جامعه، پرورش چغندر را به عنوان محصول نقدی آغاز کردند تا آب چغندر تولید کنند و به فروش رسانند. آنها همچنین منابع مالی خود را برای خرید یک دستگاه آسیاب ساده روی هم گذاشتند تا خودشان آرد درست کنند؛ دانات‌هایی که تولید می‌کنند در روستاها و شهرهای مجاور پرترفدار شده‌اند. این گروه با آگاهی از نیازهای جامعه توانسته است از وجوه حاصل از فروش این محصولات برای خرید لوازم مدرسه و رفع سایر نیازهای جامعه استفاده کند.

در روستایی در **میانمار** یک پروژه تأمین مالی خرد تحت نظارت یک مؤسسه محلی بهائی به منظور حمایت مالی از کشاورزان و فروشندگان محلی پس از حادثه طوفان آغاز به کار کرد. یک گروه ویژه سه نفره تشکیل شد تا بر پروژه نظارت کنند و در مسائلی که قادر به حلشان نبودند - مانند زمانی که بازپرداخت وام با تأخیر زیاد صورت می‌گرفت - از مؤسسات محلی طلب مساعدت نمایند. پروژه تأمین

بهائیان در همه جای جهان تشویق می‌شوند تا از طریق اجرای روش‌ها و رویکردهایی که وحدت و عدالت را ترویج می‌کنند و همچنین به‌کارگیری اصول و مفاهیم روحانی از قبیل سخاوت، امانتداری و شرافت در امور اقتصادی، پیشبرد رفاه جمعی را بیاموزند. چند نمونه انگشت‌شمار از فعالیت‌هایی که به نحوی به یادگیری در مورد هدف والاتر فعالیت اقتصادی و به میزان محدودی به بهبود حیات اقتصادی خانواده‌ها و جوامع کمک کرده‌اند در زیر شرح داده شده است.

بهائیان در سطح فردی تلاش می‌کنند تا در باره دلالات ضمنی تعالیم بر انتخاب‌های اقتصادی مختلف، مانند انتخاب‌های مربوط به سرمایه‌گذاری‌های تجاری، یادگیری کسب کنند. بسیاری نیز گام‌هایی برای تقویت فرهنگ حمایت متقابل و همکاری میان همکارانشان و همچنین برای توزیع منصفانه سود کسب و کار میان کارکنان برداشته‌اند. یک شرکت خصوصی در حیطه فناوری در **کاستاریکا** از طریق به‌کارگیری اصول و ارزش‌های نامبرده هویت خود را به عنوان یک شرکت اجتماعی بازتعریف نمود. چنین بینشی شرکت را قادر ساخت تا درآمدش را در حیطه‌های جدید سرمایه‌گذاری کند، مانند همکاری با نهادهای مختلف دولتی در زمینه تکنولوژی برای آموزش علوم، زنبورداری، بهره‌وری انرژی، و کشاورزی شهری. یک نهاد ملهم از تعالیم بهائی در اروپا به نام «EBBF» فضاهایی برای افراد و گروه‌های مشغول به کار در شرکت‌های تجاری مختلف ایجاد کرده است تا بتوانند در محیط کاری خود در باره نگرش‌هایی که از کاربرد اصول مربوطه مانند عدالت و پایداری به دست می‌آورند گفتگو کنند.

ابتکاراتی جهت حمایت متقابل

گروه‌هایی از افراد در بسیاری از نقاط در بستر جامعه‌سازی گردهم آمده‌اند تا نیازهای مشخصی را بررسی کنند. با پرورش عادت مطالعه جمعی، من‌جمله آثار بهائی مرتبط، ابتکارات اجتماعی و اقتصادی ساده‌ای

«ثروت باید به بشریت خدمت کند، استفاده از آن باید با اصول روحانی هم‌خوان باشد، و سیستم‌ها در پرتو این اصول باید ایجاد شود.»
- بیت العدل اعظم

مالی خرد بعدها به افراد در روستاهای اطراف بسط یافت.

در یک محله در **ایالات متحده** از طریق فعالیت گروهی از جوانان فضایی برای گسترش سواد مالی به وجود آمده است. برخی از افراد جامعه که تخصص مرتبط دارند از این فضا حمایت می‌کنند. محیط مذکور به جوانان در پیدا کردن راهکارهایی برای مسائل مالی مساعدت عملی رسانده است. والدین جوانان از پیشینه‌های گوناگون همراه با فرزندانشان در این فضا شرکت می‌کنند و به تقویت روابط در محله کمک می‌نمایند و این رویکرد به گفتگوهای معنادار میان نسل‌های متفاوت در باره موضوعات مختلف منتج می‌شود.

برنامه‌های ملهم از تعالیم بهائی

گرچه بسیاری از برنامه‌های آموزشی بهائی مستقیماً بر تقویت اقتصاد محلی متمرکز نیست اما به قابلیت افراد کمک نموده تا در کنار مساعی‌شان برای مشارکت در پیشرفت جوامع، معیشت خود را تأمین نمایند. برنامه «حمایت از رهبران جامعه» در **کلمبیا** - که «فوندائیک» آن را ارائه می‌کند - به جوانان ساکن در مناطق روستایی کمک کرده است که با هدف مشارکت در اجتماع، مسیر مربوط به یک شغل یا حرفه را انتخاب و دنبال نمایند. جوانان در دوره‌های کارآموزی و برنامه‌های فنی حرفه‌ای یا رشته‌های کارشناسی شرکت می‌کنند و برخی از ایشان مساعدت می‌شوند تا با آغاز پروژه تولیدی یا کسب و کار کوچک وارد مسیر کارآفرینی شوند. گروه‌هایی از افراد در **پاپوآ گینه نو** که در فعالیت‌های آموزشی مرتبط با قابلیت‌سازی برای اقدام اجتماعی شرکت می‌کنند، شماری از ابتکارات را برای بهبود شرایط اقتصادی جوامعشان به عهده گرفته‌اند. یکی از گروه‌ها یک نظرسنجی در باره عادات پس‌انداز و خرج کردن اعضای جامعه انجام داد که نهایتاً به تأسیس یک بانک روستایی غیررسمی منتج شد. بانک با تسهیل پس‌انداز آغاز به کار نمود و پس از آنکه ۵۰ نفر مبالغی را به بانک واریز کردند، به بررسی راه‌هایی برای اعطای وام و تبدیل آن به اقدامات ثمربخش پرداخت. خانواده‌ها در برخی از جوامع از گفتگوهای صورت گرفته توسط این گروه انگیزه گرفته، از طریق افزایش تولید انواع قهوه و

وانیل محلی، که با کمک یک کسب و کار محلی بسته‌بندی شده و در سراسر کشور به فروش می‌رسد، مبالغی که به بانک می‌پرداختند را افزایش دادند. این محصولات کشاورزی جدید در کنار محصولات دیگری که برای بهبود وضع تغذیه در جامعه مهم هستند کشت می‌شوند. برنامه‌های مشخصی که در طول زمان سیستماتیک‌تر شده‌اند به یک یا چند جنبه از فعالیت اقتصادی نیز در برخی از نقاط کمک کرده‌اند. برای مثال بیش از دو دهه قبل یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی به نام «اِکتا» در **نیپال** یک برنامه با موضوع بانک‌داری جامعه تهیه کرد. این برنامه گروه‌های ۱۰ تا ۳۰ نفره را آموزش می‌دهد و ایشان متعاقباً می‌توانند با پس‌انداز مبالغ کم بانک جامعه تأسیس کنند و با سود معقول وام مختصر در دسترس مشترکین بانک قرار دهند. بانک‌ها کاملاً توسط خود اعضا اداره می‌شوند و سود به دست آمده متناسب با میزان پس‌انداز هر کدام بین ایشان تقسیم می‌شود. به‌علاوه، بخشی از سود به جهت منفعت کل جامعه در صندوقی مخصوص توسعه اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرد. بانک‌ها به اعضای خود فرصت می‌دهند تا مهارت‌های مربوط به مدیریت مالی صحیح را بیاموزند و از آنها برای ایجاد یا گسترش کسب و کارشان حمایت می‌کنند.

در سایر نقاط جهان و به‌خصوص در آفریقا و آمریکای لاتین تعدادی از سازمان‌ها این برنامه را در محیط‌های مختلف اجرا کرده‌اند. یکی از این سازمان‌ها «انجمن بیان» در **هندوراس** است که از بیشتر از ۷۰ بانک حمایت می‌کند. جوانان با پس‌انداز منظم در طول زمان توانسته‌اند در جوامع خودشان ادامه تحصیل دهند یا امرار معاش کنند و بدین‌ترتیب فشارهایی که جوانان را به مهاجرت از روستاهای هندوراس سوق می‌دهد تا حدی کاهش یافت. برخی از گروه‌های بانک‌داری به پشتوانه صندوق توسعه خود توانسته‌اند ابتکارات توسعه کوتاه‌مدت متنوعی را پیش برند، از جمله حفر چاه، احداث پل، ساختن و نقاشی کلاس درس، نصب کالورت زیر جاده و مشارکت در آزمایش‌های کشاورزی.



هندوراس

پیشرفت زنان

تساوی زنان و مردان یکی دیگر از اصول اساسی دیانت بهائی است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: «عالم انسانی را دو بال است یک بال رجال و یک بال نساء تا دو بال متساوی نگردد مرغ پرواز ننماید.»

کامبوج تحصیل پسران ارجحیت داشت و در نتیجه مدارج بالاتر تحصیلی به ایشان و نه دختران تعلّق می‌گرفت. چند سال پیش در یکی از جوامع این ناحیه اولین دختر با کمک یکی از جوانان که مشوّق گروه نوجوانان دختر بود به مدرسهٔ متوسطه رفت (به صفحات ۵۲ الی ۵۵ مراجعه شود). با افزایش ادراک جامعه از برابری فطری زنان و مردان به واسطهٔ فعالیت‌های جامعهٔ بهائی و ارتقاء آگاهی عمومی در اجتماع به طور کلی، آموزش رسمی برای دختران روستا تدریجاً به امری رایج بدل گردید و اکنون تعدادی از ایشان تحصیلات عالی دارند و نقش‌های مؤثری در جامعه به عهده گرفته‌اند.

همچنین پروژه‌های پایداری وجود دارند که هدفشان فراهم کردن امکان تحصیل آکادمیک باکیفیت برای زنان و دختران است. «مدرسهٔ بین‌المللی بنانی» در **زامبیا** به زنان جوان از هر پیشینهٔ قومیتی، فرهنگی و دینی آموزش متوسطه ارائه می‌دهد تا بینشی جهانی به دست آورند و قابلیت اقدام محلی برای رسیدگی به نیازهای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند را پیدا کنند. «مؤسسهٔ بین‌المللی استارفیش» در **گامبیا** با هدف تواندهی دختران گامبیایی از طریق آموزش پیشرفته‌ای که بر خدمت به بشریت متمرکز است برای دختران دبیرستانی بورسیهٔ تحصیلی و آموزش تکمیلی فراهم می‌کند. زنان جوانی که بخشی از برنامه هستند همراهی می‌شوند تا کسب و کار یا حرفه‌ای را دنبال کنند و به دانش‌آموزان کوچک‌تر از خودشان برنامهٔ کمک‌درسی ارائه دهند. بخشی از مبلغی که از طریق فعالیت خود دریافت می‌کنند برای حمایت از افراد جامعه صرف می‌شود تا این افراد نیز اقدامی را برای خیر عمومی به مرحلهٔ اجرا درآورند.

اقدامات اجتماعی بهائی، فارغ از حیطة‌شان، ذاتاً متعهد به این هدف‌اند که زنان و مردان در تمامی مجهودات بشری مانند علم، سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ شانه به شانه یکدیگر به پیش روند. علاوه‌براین برنامه‌هایی بر پیشرفت زنان به طور خاص تمرکز داشته‌اند، به عنوان مثال آموزش زنان و دختران و کمک به ایشان برای دستیابی به جایگاه واقعی‌شان در اجتماع، تلاش برای از بین بردن تعصب علیه زنان، و ایجاد ساختارهایی برای حفظ از سلامتی و رفاه ایشان.

بهائیان در سطح مردمی می‌کوشند تا مشارکت زنان و دختران را در برنامه‌های آموزشی به عنوان دانش‌آموز و شرکت‌کننده، معلّم و مربّی، هماهنگ‌کننده و مدیر افزایش دهند. این تلاش‌ها به افزایش نقش زنان و تغییر نگرش در روستاها و محله‌ها کمک نموده است. به عنوان مثال در یکی از محله‌های



امارات متّحدهٔ عربی



گامبیا

از روستاهای شرکت‌کنندگان سابق ادامه می‌دهد و کنفرانس، ملاقات، و همچنین دوره کوتاه‌مدت برگزار می‌کند. تاکنون قریب به ۱۰,۰۰۰ زن از حدود ۸۰۰ روستا در مادیا پرادش و دیگر نقاط کشور در برنامه مؤسسه شرکت کرده‌اند.

گفتگو با فعالین جامعه مدنی برای افزایش آگاهی و مشارکت در تغییر فرهنگ فرصت‌هایی ایجاد کرده است. برای مثال جامعه بهائی تونس یک گردهمایی با حضور رهبران دینی و جامعه مدنی ترتیب داد تا در مورد پیشرفت زنان گفتگو کرده و بررسی نمایند که چطور می‌توان فرهنگ همکاری را در ساختارهای خانوادگی و تمامی عرصه‌های اجتماعی ایجاد کرد.

«مؤسسه توسعه بارلی برای زنان روستایی» در سال ۱۹۸۵ در هند با هدف تواندهی زنان روستایی و قبیله‌ای برای تبدیل ایشان به عوامل تغییر در جوامع تأسیس شد. این مؤسسه هر ساله به ۲۶۰ زن با توانایی محدود خواندن و نوشتن یک دوره حضوری شش ماهه با این موضوعات ارائه می‌کند: آموزش رهبری اخلاقی، تغذیه و سلامت، حفاظت محیط زیست و درآمدزایی. همچنین قابلیت گروه کوچک‌تری از زنان که تحصیلات متوسطه دارند را افزایش می‌دهد تا آموزش مشابهی را در شعبات مؤسسه تسهیل کنند. نظر به اینکه تغییر نگرش همسران، والدین، فرزندان، رهبران مردمی، مؤسسات محلی و دیگر اعضای جامعه نیز به همان اندازه در تواندهی زنان مؤثر است، مؤسسه به بازدید

گردهمایی زنان در زامبیا

یک مؤسسه محلی بهائی در روستای کاتویولا در زامبیا گردهمایی دو روزه‌ای را برای مشورت در باره نقش زنان ترتیب داد که ۱۲۰ زن از پیشینه‌های مذهبی متفاوت در آن شرکت کردند. شرکت‌کنندگان اذعان داشتند که از حمایت اعضای مرد مؤسسه‌ای که گردهمایی را ترتیب داده بود بسیار تحت تأثیر قرار گرفته‌اند؛ ایشان به تدارکاتی از قبیل آشپزی و سرو غذا رسیدگی کردند تا زنان عضو مؤسسه بتوانند به طور کامل در گردهمایی شرکت کنند. از نظر بسیاری از شرکت‌کنندگان، این سطح از حمایت در تاریخ اجتماعشان بی‌سابقه بوده است.

هنگامی که آنها دور هم جمع شدند تا بخش‌هایی از آموزه‌های دیانت بهائی در باره جایگاه زنان و همچنین نقش کلیدی زنان در تربیت کودکان روستا و به طور کلی در پرورش یک اجتماع صلح‌آمیز را مورد تأمل قرار دهند، شرکت‌کنندگان به این نتیجه رسیدند که چنین گفتگوهایی چقدر برای بررسی مسائلی که برای مشارکت کامل ایشان در اجتماع مانع ایجاد می‌کنند ضروری است. یکی از موانع مورد بحث، فقدان فرصت‌های تحصیلی برای زنان بود؛ فقدان ایجاد شده به دلیل مشکلات اقتصادی و باورهای فرسوده که تحصیل را برای پسران مقدم بر دختران می‌داند. چنین چرخه‌ای مانع از آن شده است که بسیاری از زنان بتوانند از کودکانشان در فرایند یادگیری حمایت کنند. علاوه‌براین، دسترسی محدود به مدارس متوسطه در روستا مانع از آن شده است که تعداد زیادی از کودکان بتوانند بر تحصیلاتشان تمرکز کنند. برای مثال بسیاری ناچار می‌شوند که خانه‌هایشان را ترک کنند تا بتوانند در مکانی دیگر به مدرسه بروند و نهایتاً به جای شرکت در مدرسه مجبور به کسب درآمد برای غذا یا به خاطر ازدواج زودهنگام و بارداری ناچار به ترک تحصیل می‌شوند. در این صورت دختران اغلب درگیر مسئولیت‌های خانوادگی می‌شوند یا خجالت می‌کشند که به مدرسه بازگردند. بسیاری از والدین به دلیل بعد مسافت احساس می‌کنند که توان حمایت از فرزندانشان برای عبور از این چالش‌ها را ندارند.

« ... ترقی عالم نساء سبب
ظهور عظمت و بزرگواری این
کور بدیع است. »
- حضرت عبدالبهاء

یک سؤال اساسی در حین گفتگوها مطرح شد: چطور زنان می‌توانند در حالی که خودشان از فرصت‌های مناسب برخوردار نیستند از تحصیل روحانی و فکری کودکانشان به طور کامل حمایت کنند؟ به‌علاوه، چطور می‌توانند برای پاسخ‌گویی به این آرمان‌ها توانمند شوند؟ چه اصلاحاتی در ساختار و کارکرد روستا باید ایجاد شود؟

این فضا موقعیتی برای زنان فراهم کرد تا این سؤالات را بررسی کرده، بر پاسخ‌های احتمالی تأمل کنند. تعدادی از اعضای جامعه که در گردهمایی حاضر بودند حمایت خود را اعلام کردند. برای مثال معلمان حرفه‌ای تصمیم گرفتند که برای زنان کلاس سوادآموزی تشکیل دهند. برخی پیشنهاد دادند که به زنان کمک کنند تا با راه‌اندازی باغچه در حیاط خانه‌هایشان و همچنین پس‌انداز بانکی بتوانند خودشان درآمد کسب کنند. در برخی از برنامه‌های جامعه بهائی - مانند مدارس جامعه، کلاس‌های آموزش اخلاقی برای کودکان و گروه‌های نوجوانان - فرصت‌های دیگری برای حمایت از خانواده‌ها در آموزش کودکانشان یافت شد.

گردهمایی زنان نه به عنوان رویدادی مجزا بلکه بخشی از فرایند جاری مشورت و همکاری در روستا - با مشارکت رهبران سنتی، نهادهای بهائی که آموزش روحانی و مادی را در روستا ترویج می‌کنند، والدین، جوانان و کودکان - بود که سؤالات کلی‌تر مربوط به نیازهای جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهد. حاصل گفتگوها تصمیم به تأسیس یک مرکز یادگیری در روستا بوده است که در آن کلاس‌ها و فعالیت‌های متعددی برای تمامی سنین برگزار شود، مانند کلاس کمک‌درسی برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه. این اقدام نیاز بسیاری از جوانان به ترک روستا برای تحصیلات متوسطه را کاهش داده و به آنها کمک می‌کند تا انرژی‌شان را در مسیر رسیدگی به نیازهای جامعه صرف کنند.



چند نمونه از تأملات زنان جامعه در ذیل آورده شده است:

«امیدوارم آگاهی زنان و مردان از نقش زنان در جامعه افزایش پیدا کند. با درک بهتر از اهمیت آموزش، جامعه اطمینان حاصل می‌کند که کودکان از هر دو آموزش روحانی و مادی بهره‌مند می‌شوند تا ما شاهد تحوّل اجتماع باشیم.»

«این گردهمایی به من کمک کرد تا قدرت مردم متحد را ببینم حتی اگر از پیشینه‌های مذهبی مختلف باشند.»

«بهترین راه آموزش فرزندانمان این است که برایشان الگو باشیم ... زنان باید پیشرفت کنند تا با مردان برابر باشند. ما یاد گرفته‌ایم که زنان و مردان مانند بال‌های یک پرند هستند. برای پرواز لازم است هر دو بال پرند قوی باشند.»

«ما همه باید با هم تلاش کنیم و پیگیر رشد هر یک از کودکان روستا باشیم ... معلمان و والدین باید با هم همکاری کنند تا مطمئن شوند که کودکانشان هر دو آموزش روحانی و مادی را دریافت می‌کنند. این همکاری به ایجاد یک پایه قوی برای رشد کودکان در آینده کمک می‌کند و این رشد در نهایت به پیشرفت جامعه آنها می‌انجامد.»



هنر و رسانه

تعالیم بهائی برای هنر اهمّیت و ارزش خاصی قائل است و آن را موجب «تعالی بخشیدن به عالم بشری» و «بیدار کردن احساسات برجسته و اصیل» در توده‌های مردم می‌داند. افراد و جوامع با الهام از این بیانات و سایر آثار بهائی در تلاش‌اند تا با استفاده از ابزارهای مختلف ارتباطی، الهام‌بخش اهداف متعالی باشند و در بارهٔ اصول پیشرفت مادی و روحانی یک جمعیت آگاهی بخشند.

اخلاقی می‌پردازد و این ویدئوها مبنای گفتگو را فراهم می‌کند. بالغ بر ۸۰۰۰ دانش‌آموز در بیش از ۴۰ مدرسه و دیگر سازمان‌های آموزشی در این برنامه شرکت کرده‌اند. این سازمان همچنین به جوانان در ساخت فیلم کوتاه با هدف انتقال مفاهیم اخلاقی به همسالانشان کمک می‌کند و معلّمان و مددکاران اجتماعی را آموزش می‌دهد. «تأثیر مردم» با اتخاذ همین روش در فرانکفورت آلمان به طور سالانه ۱۰ تا ۱۵ جوان را آموزش می‌دهد تا در مدارس و مکان‌های دیگری همچون خانه سالمندان و کانون اصلاح و تربیت پروژه‌های تأثیر تعاملی اجرا کنند. اجراهای مشارکتی، که سالانه در حدود ۹۰۰ برنامه بیش از ۱۰,۰۰۰ تماشاچی دارند، صفاتی همچون شفقت و دوستی را ترویج و شرکت‌کنندگان را تشویق می‌کنند تا توانایی خود را برای مشورت کردن افزایش دهند و از طریق شناسایی نقاط وحدت از تضاد و ستیز عبور کنند.

گروه‌هایی از بهائیان در تعدادی از روستاها و محله‌ها طی سال‌های اخیر آموخته‌اند که با استفاده از مناسب‌ترین ابزارهای ارتباطی برای محیط زندگی‌شان، در جوامع خود محتوای هدفمند بسازند و با دیگران به اشتراک گذارند. این افراد از ابزارهایی مانند فیلم، موسیقی و تأثیر به شیوه‌هایی استفاده کرده‌اند که موجب افزایش درک جمعی، تحوّل محیط اجتماعی و گاهی منجر به پروژه‌های رسانه‌ای جامعه‌محور می‌شود. در ذیل نمونه‌هایی از چنین تلاش‌هایی در حوزهٔ موسیقی ذکر شده است.



پاکستان

بهائیان تلاش می‌کنند تا با روش‌های خلاقانه مفاهیم و مضامین برگرفته از اصول دیانت بهائی را بیان کنند تا قلوب را برای مشارکت در تغییرات اجتماعی سازنده به حرکت درآورند.

برخی از تلاش‌های اولیه در حوزهٔ هنر و رسانهٔ ارتباطی، شکل‌گیری ایستگاه رادیویی بهائی در آمریکای لاتین و آسیا بوده است، مانند «رادیو بهائی سولوی» در پاناما که در دههٔ ۱۹۸۰ تأسیس شد تا صدای مردم بومی باشد و به عنوان یک مجرای آموزشی و فرهنگی به ایشان خدمت کند. برخی از ایستگاه‌های رادیویی با الهام از مفاهیمی چون خدمت به اجتماع، همبستگی، عشق و سخاوت به تولید محتوا در قالب آهنگ، داستان و مصاحبه پرداخته‌اند.

طی سال‌های گذشته چندین کارگاه رقص و گروه تأثیر به منظور استفاده از هنر برای افزایش آگاهی از برخی مسائل اجتماعی پایه‌گذاری شده‌اند. یک مثال از چنین اقداماتی «گروه تأثیر کودکان» در ایالات متحده است که با کودکان و جوانان پنج تا نوزده ساله کار می‌کند تا برای عموم مردم در جوامع شهر نیویورک، تأثیر موزیکال تولید و اجرا کنند. بازیگران در جلسات منظم بر مضامین اجتماعی و اخلاقی تأثیر موزیکال تأمل می‌کنند که به مفاهیمی چون وحدت نژادی، پیشرفت زنان، از بین بردن فقر و ثروت مفرط، و حفظ محیط زیست می‌پردازد. «انجمن آموزش اخلاقی خلاق» در روسیه از هنر و رسانه استفاده می‌کند تا دروس آموزش اخلاقی را به مدارس جمهوری تاتارستان معرفی نماید. یکی از برنامه‌ها به نام «مسیر طلایی» با ساخت ویدئوهای طنزی که موقعیت‌های متضاد گوناگون را به تصویر می‌کشد به دو موضوع صلاحیت اجتماعی و تصمیم‌گیری



آذربایجان



برزیل



کانادا



استرالیا

ابتکارات برخاسته از جامعه در حیطه موسیقی

گروهی از دوستان جوان در یکی از محله‌های سیدنی در **استرالیا** که در برنامه‌های آموزشی بهائی شرکت دارند آهنگ‌هایی برای القاء امید و ابراز آرمان‌های شریف افراد و خانواده‌های محله می‌سازند - محله‌ای که از گذشته در رسانه همواره به شکل منفی ترسیم شده است. طی این فرایند، جوانان مسیر تواندهی خود در جهت تبدیل به همان تغییری که می‌خواهند در جامعه‌شان ببینند شرح می‌دهند و بر مفاهیمی کاملاً متفاوت با آنچه به طور وسیع در جامعه ترویج می‌شود تأکید می‌نمایند. تلاش‌های گروه توسط خبرگزاری‌های مختلف کشور به عنوان عاملی برای همبستگی اجتماعی شناخته شده است و اعضای گروه توسط مؤسسات محلی دعوت شده‌اند تا گفتگو در باره مضامینی را تسهیل کنند که دانش‌آموزان مدارس، معلمان و دیگر اعضای جامعه در آهنگ‌ها یافته‌اند.

شرکت‌کنندگان برنامه تواندهی روحانی نوجوانان در گران کاناریا در **اسپانیا** نیز دیدگاهشان در مورد اجتماع را با آهنگسازی به اشتراک می‌گذارند و طی سال‌ها در باره تأثیر موسیقی بر قلوب آموخته‌اند. این آهنگ‌ها که در کارگاه‌های برگزار شده در اردوهای نوجوانان و سایر فضاها ساخته شده‌اند، اکنون در چندین آلبوم ضبط شده و در کنسرت‌های سالانه جامعه و رویدادهای دیگر اجرا می‌شوند. «صدای ما» که به عنوان یک ابتکار غیررسمی دوستانه آغاز شد، به یک پروژه رسانه‌ای جامعه‌محور معتبر تبدیل گشته است.

در برخی از جوامع مانند **جمهوری دموکراتیک کنگو** که هنر یکی از خصیصه‌های اصلی فرهنگ می‌باشد و موسیقی به شکلی طبیعی در جوانب مختلف زندگی جلوه می‌یابد، گروه‌های کر آهنگ‌هایی را با هدف افزایش آگاهی پیرامون مضامین روحانی عمیق و متعالی ساخته و با دیگران

به اشتراک می‌گذارند. به علاوه، این آهنگ‌ها ابزارهایی مهم برای به اشتراک گذاشتن بصیرت‌ها با افرادی است که دسترسی به آموزش علمی نداشته و قادر به خواندن نیستند. اعضای جامعه بهائی در امبوجی-مایی می‌آموزند که آهنگ‌های ملهم از مفاهیم والا را به عنوان عنصری طبیعی از حیات جامعه بسازند و با دیگران به اشتراک بگذارند. برخی از این آهنگ‌ها در گردهمایی‌های مختلف پخش شده و بانی گفتگوهای معنادار بوده‌اند و به همین دلیل در جامعه بزرگتر در سطح گسترده معروف شده‌اند. به عنوان نمونه گروهی از نوجوانان جامعه شرح داده‌اند که آهنگ‌ها به ایشان کمک نموده تا بیشتر در باره اصل عدالت بیندیشند و هنگام رویارویی با جلوه‌های بی‌عدالتی در اجتماع برای طرح سؤالات سازنده احساس توانمندی بیشتری داشته باشند.

کمک‌های بشردوستانه

جوامع بهائی با فزونی یافتن انواع بحران‌های بشری در تکاپوی عملی ساختن دعوت حضرت بهاءالله خطاب به نوع بشر هستند تا «للمنادی مجیباً»، «للمریض شفاءً»، «لللغریب وطناً»، «للمظلوم ناصراً و عضداً و ظهراً».

«هر آنچه این روابط (تعاون و تبادل) متانت و ازدیاد بیشتر یابد، جمعیت بشریه در ترقی و سعادت قدم پیش‌تر نهد.»
- حضرت عبدالبهاء

در **مالزی و موزامبیک** موجب سیل سهمگین شد، مؤسسات محلی بهائی وارد عمل شدند و از بهائی‌سنتر به عنوان مکان جمع‌آوری و توزیع غذا، لباس، مواد شوینده و دیگر اقلام ضروری استفاده کردند؛ در همین حین خانواده‌ها در سراسر کشور درب خانه‌های خود را به عنوان پناهگاه گشودند. شبکه‌هایی که پیش‌تر از طریق فعالیت‌های جاری ایجاد شده بود نیز به مجرای تبدیل گردید تا جوانان همکاری نمایند و برای تأمین کمک‌های مختلف به سرعت اقدام کنند. عضو یکی از مؤسسات بهائی محلی اظهار داشت: «بسیاری از مردم اکنون خود را نه به صورت تعدادی غریبه، دوست یا آشنا که برحسب اتفاق کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، بلکه بخشی از یک خانواده گسترده می‌بینند.» به‌علاوه، فرهنگ مشورت که در طی زمان به وجود آمده بود به جوامع در برنامه‌ریزی، اقدام و همکاری با دیگر سازمان‌های جامعه مدنی یاری رساند.

فعالیت‌های مستمری که بر تواندهی روحانی جوانان تمرکز دارند تجربه لازم برای ترویج همکاری و حس مساعدت جمعی را در جوانان تقویت نموده است که ضرورت این قابلیت‌ها در دوران بحران به اثبات رسیده. شرکت‌کنندگان جوان برنامه پس از انفجار در بیروت در **لبنان** ضرورت اقدام را احساس کردند و باچالاکي گردهم آمده تا برای امداد و ترمیم برنامه‌ریزی کنند. در ابتدا تنها ده نفر بودند اما مساعی‌شان به سرعت مشارکت حدود ۸۰ داوطلب از سنین و پیشینه‌های مختلف را جلب کرد، چه در تهیه غذا، آماده کردن لباس‌های اهدایی و یا کمک به تمیز کردن املاک آسیب‌دیده. همچنین جلسات دعا با هدف تقویت بنیه روحانی برگزار گردیدند. بسیاری از حاضرین بیان کردند که چنین فضاهایی نه تنها پیوندهای اجتماعی ایشان را تقویت می‌کند بلکه باعث امیدواری و استقامت ایشان شده است.

افراد، جوامع و مؤسسات در نقاط مختلف جهان می‌آموزند که چگونه فعالیت جامعه بهائی در مجهودات جامعه‌سازی می‌تواند به تاب‌آوری بیشتر منجر شود و قابلیت‌های مشخصی را پرورش دهد که برای مواجهه با مخاطرات شدید ضروری هستند. برخی از قابلیت‌های مذکور عبارتند از: مشارکت در خدمت بی‌شائبه به اجتماع، تسهیل اقدام جمعی، افزایش همکاری میان عوامل مختلف، اقدام در حالت یادگیری، و ابداع راهکارهای مبتنی بر اصول روحانی و دانش علمی.

رویکرد جامعه بهائی در حیطه اقدامات بشردوستانه به سه گروه تقسیم می‌شود: امداد، بهبود و مجهودات توسعه پایدار. همزمان که جمعیت‌ها می‌آموزند تا هنگام وقوع بلایایی از قبیل سیل و زلزله، کمبود غذا، جنگ و بحران‌های بهداشتی قابلیت‌های فوق‌الذکر را به کار بندند، دانش جهانی به تدریج افزایش می‌یابد. یکی از نگرش‌های در حال گسترش، ظرفیت ترتیبات تشکیلاتی است که به عنوان تسهیل‌گر اقدام سریع و هماهنگ و منبعی از ثبات و امنیت عمل می‌کنند - ترتیبات تشکیلاتی مختلفی که نتیجه طبیعی الگویی از حیات پرتحرک جامعه‌اند. در برخی از موارد جوامعی که در امدادرسانی حوادث تجربه قابل‌ملاحظه‌ای کسب کرده‌اند مجهودات خود را به توان‌بخشی و نوسازی گسترش داده و کاهش خطر را در فعالیت‌های معمول خود گنجانده‌اند. در سطح جهانی، «سازمان توسعه بین‌المللی بهائی» مساعی مربوط به این حیطه را هماهنگ و به سیستماتیک‌سازی دانش به دست آمده کمک می‌کند.

تاب‌آوری و استقامت: تجلیات همبستگی

گزارش‌های متعددی از سراسر جهان به چشم می‌خورد که جوامعی در پی فجایع، روح خدمت و اقدام جمعی را خط مشی خود قرار داده‌اند. برای مثال، هنگامی که بارندگی شدید



هندوراس



لبنان



تیمور لسته



هندوراس

بررسی عمیق: رویارویی با بحران سلامت جهانی

در پی همه‌گیری جهانی ویروس کرونا سیستم‌های موجود در سراسر جهان در تمامی سطوح و در همه بخش‌های اجتماع به طور بی‌سابقه مورد آزموده قرار گرفتند. تحت شرایط ایجاد شده، افراد، جوامع و مؤسسات آموختند که چگونه رنج فراوان موجود در اجتماع را تسکین بخشند. جامعه بهائی در نقاط مختلف شانه به شانه مردم محلی فعالیت کردند و حتی در زندگی اجتماعی به شکلی عمیق‌تر ممزوج شده، طیفی از راهکارهای ساده و پیچیده را یافتند. در بسیاری از موارد مؤسسات محلی بهائی با چالاکي به نیازهای جوامع رسیدگی نمودند و ظرفیت خود را برای همکاری با دولت و فعالان جامعه مدنی به منظور امداد رسانی در همه‌گیری افزایش دادند.

همکاری در تمامی سطوح اجتماع

نوجوانان در سراسر جهان برای مواجهه با مشکلات ناشی از همه‌گیری در جوامعشان هزاران راهکار خلاقانه را به کار بستند. برای مثال، گروهی از جوانان در حومه شهر نیویورک در **ایالات متحده** با همکاری هیئت آموزش و فروشندگان ناحیه برای کودکانی که به دلیل تعطیلی مدارس منبع اصلی غذای روزمره‌شان را از دست داده بودند غذا تهیه کردند. آنها ترتیبی اتخاذ کردند تا با مراعات فاصله فیزیکی و اقدامات بهداشتی لازم از اتاق اجتماعات مجتمع به عنوان محل توزیع استفاده شود. در **ایتالیا** جوانان استفاده از فضاهای آنلاین را برای پخش آهنگ و برنامه هنری و همچنین ایجاد محیطی جهت تأمل بر مضامین عمیق و ارتباط‌گیری در دورانی که گردهمایی‌های حضوری غیرممکن می‌نمود مورد بررسی قرار دادند.



هند

قابلیت مؤسسات بهائی در بسیج کردن و هدایت منابع بومی و همکاری با دیگر عناصر محلی در تسکین آلام بسیاری از جوامع، مفید واقع شده است. برای مثال یکی از مؤسسات بهائی **هند** در دوران همه‌گیری به کشاورزانی که محصولاتشان را به دلیل عدم دسترسی به بازار دور می‌ریختند مراجعه و محصولات را بین خانواده‌های نیازمند توزیع کرد. این مؤسسه همچنین با رئیس روستا و کارکنان بهداشت محلی برای سازماندهی کمپ پزشکی و توزیع دارو همکاری نمود. یک مؤسسه ملی بهائی در **میانمار** با کمک مؤسسات محلی و منطقه‌ای بهائی لیستی از حدود ۱۰۰۰ نفر از افرادی که به علت همه‌گیری با فشار اقتصادی مواجه بودند را آماده کرد و از طریق مجاری مناسب، وجوه مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به نیازهای ضروری ایشان را تأمین نمود.

بسیاری از جوامع بهائی در سراسر جهان صندوقی را برای کمک‌های بشردوستانه در سطح محله یا روستا تأسیس کردند و پس از اتمام منابع محلی، منابع منطقه‌ای و ملی مورد استفاده قرار گرفت. برخی به منظور هماهنگ‌سازی فعالیت‌های امدادی مربوط به همه‌گیری، با حضور پزشکان و پرستاران، گروه‌های ویژه ملی، منطقه‌ای و محلی تشکیل دادند. برخی از گروه‌های ویژه، زیرمجموعه تشکیل دادند تا بر کاهش چالش‌های اقتصادی، تحصیلی یا پزشکی متمرکز شوند. گروه‌های ویژه محلی در **هند** حوزه عملیات خود را به چند بخش تقسیم کردند و تا حد

امکان از طریق ارتباط با خانواده‌های هر بخش، نوع نیاز را - مانند غذا، دارو یا حمایت مالی - تعیین و افراد دارای بضاعت را به مشارکت و خیریه تشویق نمودند تا نیازمندان بتوانند از صندوق محلی بهره‌برند. گروه‌های ویژه در **اکوادور** برای انتقال مؤثر منابع، خانواده‌ها را بر اساس نوع حمایت مورد نیاز شناسایی کردند. منابع موجود برای پیشگیری از انتشار ویروس در اختیار کل جامعه قرار گرفت و برای حمایت از خانواده‌هایی که منبع درآمدشان را از دست داده بودند قدم‌هایی برداشته شد؛ حمایت مذکور شامل تأمین اقلام غذایی و کمک به خانواده‌ها بوده است تا برای طرح‌ها و امکانات ارائه شده توسط نهادهای دولتی یا سازمان‌های غیردولتی تقاضا دهند. خدمات درمانی در دسترس کسانی قرار گرفت که بیمار شده بودند و در مکان‌های فاقد این نوع خدمات، گروه ویژه امکان دریافت توصیه درمانی را از طریق تماس تلفنی با گروهی از پزشکان فراهم کرد. مؤسسه ملی بهائی در **عراق** گروه ویژه متخصصین سلامت را تشکیل داد. گروه ویژه اطلاعات معتبر و حمایت‌های بهداشتی مورد نیاز را در دسترس افراد قرار داد و همچنین با برگزاری جلسات آنلاین هفتگی به آموزش مباحث مربوط به همه‌گیری پرداخت. گروه ویژه‌ای که به منظور انتقال منابع و متصل کردن مردم به یکدیگر در **هندوراس** در دوران همه‌گیری تشکیل شد، خود را تاکنون به عنوان سازوکاری ضروری برای پاسخ‌گویی به بحران‌های دیگری همچون طوفان به اثبات رسانده است.

بسیاری از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی نیز به چالش‌های ناشی از همه‌گیری در حد امکانات خود پاسخ دادند. به عنوان نمونه «بنیاد کیمانیانیا-نگیو» در **اوگاندا** با همکاری جوانانی که در برنامه‌های قابلیت‌سازی شرکت کرده بودند، با تأسیس صدها باغچه در حیات خانه‌ها گامی برای رسیدگی به مشکل کمبود مواد غذایی برداشت (به صفحه ۶۲ مراجعه کنید). ایستگاه‌های رادیویی بهائی در نقاطی چون **فیلیپین** داستان‌های سرورآوری که در برخی موارد شنوندگان را الهام می‌بخشید تا به دیگران کمک کنند و فعالیت درسی برای کودکانی که مدارسشان تعطیل شده بود پخش

می‌کردند و بدین‌واسطه امید و شادی را به مخاطبان انتقال می‌دادند. سازمان‌های مرتبط با مدارس جامعه برای درک واقعیت پیش روی دانش‌آموزان، معلمان و خانواده‌ها تلاش نمودند. برای مثال تعدادی از سازمان‌ها به منظور درک شرایط معلمان و دانش‌آموزانشان جلسات منظم تلفنی با هر معلم برگزار می‌کردند. سازمان‌های دیگر فرصت‌هایی برای تبادل بینش و تجربه میان مؤسسين مدارس برگزار نمودند و معلمان ضمن رعایت پروتکل‌های بهداشتی با خانواده‌ها به طور منظم ملاقات می‌کردند. برخی از مدارس **مالاوی** لیستی از همه کودکان جامعه تهیه کردند تا اطمینان یابند که هیچ کودکی نادیده گرفته نخواهد شد و امکان تماس تلفنی یا ویدئویی، پیامک یا ملاقات منظم دانش‌آموزان توسط معلمان ساکن محله را فراهم کردند. معلمان در **جمهوری آفریقای مرکزی** کلاس غیرمتمرکز در منازل خانواده‌ها برگزار نمودند که این عمل برای والدین فرصتی فراهم کرد تا در آموزش روحانی و فکری کودکانشان نقش فعال‌تری عهده‌دار شوند.

توانایی دست‌اندرکاران در مشارکت دادن نهادهای دولتی و سایر عناصر اجتماع در اثربخشی این تلاش‌ها حیاتی بود. جامعه بهائی **شیلی** با مشارکت «انجمن گفتگوی بین‌المذاهب شیلی» برنامه‌ای برای رسانه ملی در این باره تهیه کردند که چگونه ایمان در یافتن پاسخ سازنده در مواجهه با بحران سلامت به عنوان عاملی امیدبخش عمل می‌کند. در اکناف جهان از جمله **اردن** و **اسپانیا** اعضای جامعه بهائی با روزنامه‌نگاران و دیگر فعالان اجتماعی در باره نقش مهم رسانه در مقابله با همه‌گیری گفتگو نمودند.

«امور در حال حاضر هر قدر مشکل باشد و طاقت و تحمل بخش‌هایی از اجتماع هرچند نزدیک به انتها ولی عالم انسانی نهایتاً این مصیبت را پشت سر خواهد گذاشت و پس از عبور از این بحران با درایتی بیشتر و با درکی عمیق‌تر از وحدت اصلیه و همبستگی متقابل اعضایش، ظاهر خواهد شد.»
- بیت العدل اعظم



سیستماتیک‌سازی یادگیری

فرایند یادگیری در سطح محلی، هر قدر ضروری و مهم باشد، اگر با دانش وسیع‌تر مرتبط نباشد، تأثیرگذاری‌اش محدود خواهد ماند. در برخی از موارد، مؤسسات امری که در سطوح منطقه‌ای یا ملی فعالیت می‌کنند، گردهمایی‌هایی برای تأمل و بررسی میان گروهی از افرادی ترتیب می‌دهند که در حوزه‌های مشابه اقدام می‌کنند، یا بدین منظور نهادهای تخصصی ایجاد می‌نمایند. در سایر اوقات شبکه‌ای از مدارس و سازمان‌ها به صورت طبیعی در داخل و خارج از مرزها شکل می‌گیرند، همان‌طور که در صفحات ۴۱ و ۴۲ در باره مدارس و در صفحه ۵۱ در مورد ابتکارات متمرکز بر حمایت از جوانان شرح داده شده است.

یادگیری در باره توسعه در سطح بین‌المللی، مستلزم درجه‌ای از مفهوم‌سازی است که فرایندهای گسترده‌تر تحول جهانی در حال وقوع را در نظر گیرد و برحسب آن مسیر کلی فعالیت‌های توسعه را تعدیل کند. از این نظر، «سازمان توسعه بین‌المللی بهائی» که در مرکز جهانی امر استقرار دارد، خود را یک نهاد یادگیری که مختص سیستماتیک کردن تجارب روزافزون جهانی است می‌داند - تجاربی که با مشارکت تعداد فزاینده‌ای از افراد، نهادها و جوامع به دست آمده. کارکرد این سازمان بینش لازم را برای جمع‌آوری یادگیری‌های جوامع بهائی سراسر عالم در باره توسعه، برای شناسایی و تجزیه و تحلیل الگوهای که تحت شرایط مختلف پدید آمده‌اند، و برای

یادگیری در باره تئوری و عمل توسعه در جامعه بهائی با حمایت ترتیبات تشکیلاتی از سطح محلی تا بین‌المللی صورت می‌پذیرد. دانش به دست آمده از حیطه‌های مختلف اقدام به تدریج سیستماتیک شده و برخی اوقات منجر به ظهور روش‌ها یا برنامه‌هایی می‌شود که ممکن است در سطح وسیع‌تر و برحسب شرایط محلی مورد استفاده قرار گیرد. در روستاها و محله‌های سراسر عالم همچنان که تعداد روزافزونی از مردم با اکتساب و به‌کارگیری دانش - هم دانش روحانی و هم دانش علمی - برای پیشرفت جوامع خود گام برمی‌دارند بصیرت‌هایی از طریق تجربه حاصل می‌شود. در همین بسترهای محلی است که سیستماتیک نمودن یادگیری شکل می‌گیرد. اولین درس‌های آموخته شده ممکن است چیزی بیش از چند داستان و امثله و رخداد‌های شخصی پراکنده نباشد ولی به مرور زمان الگوهای پدید می‌آید که می‌توان آنها را ثبت و بادقت تجزیه و تحلیل نمود. برای تسهیل سیستماتیک کردن یادگیری، ساختارهای مناسبی باید در سطح محلی ایجاد گردد از قبیل مؤسسات و دوایری با اختیارات لازم تا انسجام فرایند یادگیری را حفظ کنند و مطمئن شوند که به اظهارنظر و یا به مجموعه‌ای از تجارب گوناگون تقلیل پیدا نیابد. در این مورد، مؤسسات اداری امر که در سطح مردمی کار می‌کنند نقشی حیاتی دارند تا خواست فردی را با اراده جمعی هماهنگ سازند و مشارکت را حمایت و تشویق نمایند.



مؤسّساتی که برنامه را اجرا می‌کنند، تمهیدات و ساختارهایی برای تسهیل جریان اطلاعات و یادگیری تکامل می‌یابند تا اطمینان حاصل شود که جوامع سراسر دنیا نه تنها از برنامه استفاده می‌نمایند بلکه به پیشرفت بیشتر آن نیز کمک می‌کنند.

سیستماتیک‌سازی و تسهیل جریان یادگیری تا حدی بسته به مقتضیات هر حیطه – که در بخش قبل توضیح داده شد – صورت می‌پذیرد. چهار مثال ذیل به تشریح نحوه پیشبرد این فرایند کمک می‌کنند.

انتشار دانشی که به این نحو تولید شده فراهم می‌کند. زمانی که رویکرد و روش‌شناسی مشخصی را با نتایج نویدبخش در یک حوزه عمل‌شناسایی نماید، از طریق مشورت با مؤسّسات مربوطه می‌تواند با هدف اصلاح محتوا و روش‌ها و جمع‌آوری‌شان در یک برنامه آزمایشی شده، آغاز پروژه آزمایشی در قاره‌های مختلف را ترتیب دهد. برنامه آزمایشی شده مذکور متعاقباً به کشورهایی با شرایط مناسب انتشار یافته و جوامع ملّی بهائی می‌توانند آن را با نیازهای خود منطبق سازند. با افزایش تعداد

تواندهی اخلاقی نوجوانان

در اواسط دهه ۱۹۹۰ گروهی از افراد به منظور تحلیل تجارب جوامع بهائی در حیطه سوادآموزی به «دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی» - نهاد پیش از «سازمان توسعه بین‌المللی بهائی» - دعوت شدند. بدین‌ترتیب طرح آزمایشی سوادآموزی در تعدادی از کشورها آغاز گشت. در مشاورات بعدی که به منظور تبادل مشاهدات و تأمل بر دستاوردها برگزار گردید، با وضوحی فزاینده مشخص شد که جوانان بین ۱۲ تا ۱۵ سال آرمان‌گرایی، انرژی منحصربه‌فرد، و نسبت به برنامه‌هایی که قوه بیان را افزایش می‌دهد پذیرشی ویژه دارند. در نتیجه، برنامه تواندهی روحانی نوجوانان توسعه یافت (به صفحات ۵۲ تا ۵۵ مراجعه شود).

«دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی» در سال ۲۰۰۲ پیش‌نویس سندی را آماده نمود که پیشینه، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های کلی مجهوداتی با هدف تواندهی روحانی نوجوانان را شرح می‌داد. انتشار سند مزبور به سرتاسر جهان تحرک بیشتری برای کار با این گروه سنی بخشید و مرحله جدیدی در فرایند یادگیری آغاز شد. با چندین برابر شدن پروژه‌های نوجوانان، «دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی» از برگزاری چند

سمینار قاره‌ای حمایت کرد که در آن نمایندگان کشورهای مختلف می‌توانستند تجربیاتشان را با دیگران به اشتراک گذارند، آموزش ببینند و طرح‌هایی را تدوین کنند. پس از آنکه قابلیت لازم برای تحکیم فعالیت‌ها ایجاد شد، تمرکز سمینارها به آماده‌سازی نفوس کاردانی در هر کشور معطوف گردید که برای ارتقاء کیفی برنامه بتواند ایشان را اعزام کرد.

کردند. از آغاز سال ۲۰۰۸ در پاسخ به تقاضای گسترده برای برنامه، شبکه‌ای از پایگاه‌های نشر یادگیری در تمامی قارات با هدف حمایت از مساعی این مؤسسات آموزشی تأسیس شد. این پایگاه‌ها، که اکنون حدود ۶۰ مورد از آنها مشغول به فعالیت‌اند، هماهنگ‌کنندگان برنامه را آموزش می‌دهند و به سیستماتیک کردن و اشاعه دانش به دست آمده در بسترهای مختلف کمک می‌کنند. ترتیبات غیررسمی میان شبکه پایگاه‌های نشر یادگیری در هر منطقه به تدریج به ایجاد نه دفتر قاره‌ای یا شبه قاره‌ای برای تسهیل جریان یادگیری در هر منطقه منتج گردید. با تداوم فرایند مزبور، تکامل تمهیدات سازمانی در سطوح مختلف به منظور سیستماتیک‌سازی و انتشار یادگیری‌های برنامه مورد تأمل بیشتری قرار گرفته است.





جمهوری دموکراتیک کنگو

مدارس جامعه

دومین حیطه‌ای که به طور سیستماتیک مورد توجه قرار گرفته ترویج مدارس جامعه در مناطقی از جهان است که دسترسی به سیستم آموزشی ملی بسیار محدود می‌باشد. در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، همزمان با فعالیت جامعه بهائی برای معرفی مدارس بزرگ در سراسر عالم، یک کمپین جهانی نیز به منظور ترویج مدارس آموزشی آغاز گردید - مدرسی با امکانات متوسط، عموماً در محیط‌های روستایی، و معمولاً تحت مدیریت مؤسسات بهائی محلی. تعداد زیادی از جوامع بهائی سراسر عالم در تأسیس چنین مدرسی موفق بوده‌اند اما تحکیم این مدارس در فقدان قابلیت‌های تشکیلاتی لازم در سطوح منطقه‌ای یا ملی که از پیشرفت مستمر مدارس حمایت کند امکان‌ناپذیر می‌نمود.

به مرور زمان دو سازمان توسعه بهائی در قاره آفریقا در **جمهوری آفریقای مرکزی** و **مالی** به منظور ترویج مدارس جامعه با استفاده از برنامه منسجم تربیت معلم به وجود آمدند. سیر تدریجی مساعی «بنیاد ناهید و هوشنگ عهدیه» در جمهوری آفریقای مرکزی با جزئیات بیشتر در صفحات ۳۲ و ۳۳ شرح

داده شده است. با تکیه بر تجارب این دو نهاد و نگرش‌های پیشین، «دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی» در سال ۲۰۰۷ عناصر استراتژی لازم را برای پایه‌گذاری سیستماتیک مدارس جامعه در کشورهایی که منابع مؤسساتی و انسانی‌شان مبادرت به اقدام مذکور را ممکن می‌ساخت مشخص نمود.

از آن زمان تاکنون تعداد فزاینده‌ای از نهادهای ملهم از تعالیم بهائی در آفریقا، آسیا و اقیانوسیه در مسیر تکثیر مدارس جامعه در روستاها و شهرها تلاش کرده‌اند. با تعدد نهادهای مذکور تمهیداتی برای تسهیل جریان یادگیری ترتیب داده شده است. چند سازمان باتجربه به عنوان مراکز آموزشی برای نهادهای نوپا آغاز به فعالیت نموده، از مساعی‌شان برای توسعه و اصلاح برنامه‌های تربیت معلم حمایت می‌کنند. به منظور افزایش قابلیت‌های تشکیلاتی نهادهای مروج مدارس جامعه و سیستماتیک‌سازی دانش به دست آمده در سراسر قاره، دفترخانه‌ای در آفریقا مشغول به فعالیت است. سؤالاتی در رابطه با ظهور تمهیدات مشابه در سایر مناطق اکنون در حال بررسی است.

«مقصود از علم
منفعت عباد است
...»
- حضرت بهاءالله



کلمبیا

آمادگی برای اقدام اجتماعی

درباره استفاده از این برنامه در کشورهای خود بودند مشورت نمود. در سال آغازین در حالی که این سازمان‌ها در باره محتوا و رویکرد آموزشی زیربنایی برنامه می‌آموختند، «فوندائیک» با ارائه آموزش و مشاوره فنی از ایشان حمایت می‌کرد. به تدریج یک شبکه جهانی از سازمان‌ها آغاز به شکل‌گیری نمود که هر کدام در دانش رو به رشد پیرامون اجرای برنامه در محیط‌های مختلف مشارکت داشتند. با افزایش توانایی سازمان‌ها، به نحوی فزاینده امکان حمایت از مؤسسات علاقه‌مند در کشورهای همسایه برایشان فراهم گردید.

برنامه «آمادگی برای اقدام اجتماعی» تاکنون در حدود ۲۰ کشور در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و اقیانوسیه اجرا شده و بیش از ۱۷,۰۰۰ شرکت‌کننده داشته است. در تعدادی از کشورهای دیگر مؤسساتی درخواست معرفی برنامه را داشته‌اند و گام‌هایی در این مسیر برداشته شده است. همکاری شبکه‌ای در حال ظهور از افراد و نهادها در هر منطقه قاره‌ای، یادگیری در باره استفاده از محتوا و در باره قابلیت‌های مروجین رفاه جامعه را تحرکی جدید بخشیده است. ضمن بررسی امکان گسترش بیشتر برنامه، پیش‌بینی می‌شود که سازوکارهای رسمی‌تری برای سیستماتیک کردن یادگیری در مناطق مختلف قاره‌ای پدیدار شوند.

رسیدگی به نیازهای آموزشی جوانان به‌خصوص در مناطق روستایی از دیرباز دغدغه بسیاری از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی بوده است. محتوای آموزشی و برنامه‌های مختلفی که توسط نهادهای ملهم از تعالیم بهائی طراحی شده بودند جمع‌آوری و به دیگران ارائه شده‌اند؛ همچنین فضاهایی برای مشورت پیرامون کارایی برنامه‌ها ترتیب داده شده است. «فوندائیک» در آمریکای لاتین محتوای آموزشی نویدبخشی را طی سال‌ها تحقیق و اقدام تنظیم نمود (به صفحه ۵۶ مراجعه شود) که با دقت زیاد آموزشی و کارایی، قابلیت‌هایی را در افراد جوان افزایش می‌دهد که ایشان را قادر به مشارکت در پیشرفت روحانی و مادی جوامع خود می‌نماید.

در پاسخ به علاقه تعداد فزاینده‌ای از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی در سراسر دنیا، «فوندائیک» با مشورت «دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی» در اوایل دهه ۲۰۰۰ برخی از عناصر برنامه آموزشی خود را اندکی اصلاح و در برنامه‌ای به نام «آمادگی برای اقدام اجتماعی» جمع‌آوری نمود. در سال ۲۰۰۶ «دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی» با سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و اقیانوسیه که علاقه‌مند به یادگیری

کشاورزی حوزه دیگری است که یادگیری‌های آن سیستماتیک می‌شوند. علی‌رغم توجه ویژه‌ای که جوامع بهائی در آفریقا در طول تاریخ به کشاورزی داشته‌اند اما یک رویکرد سیستماتیک‌تر برای نخستین بار در سال ۲۰۱۰ آغاز گردید. در آن سال، «دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی» گفتگوهای را با معدودی از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی در قاره آغاز نمود که در حمایت از مدارس جامعه یا ارائه برنامه «آمادگی برای اقدام اجتماعی» تجارب قابل‌توجهی کسب کرده بودند. گفتگوها به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه قابلیت‌ها و ساختارهایی که در سطح روستا در نتیجه تلاش‌هایشان ایجاد شده بود، مبنای یک فرایند سیستماتیک‌تر یادگیری در باره کشاورزی را خواهد گذاشت. واقعیت جوامعی که این سازمان‌ها در آن فعالیت می‌کردند این‌طور ایجاب نمود که چنین فرایندی به منظور حل مشکلات مربوط به عدم امنیت غذایی و مشارکت در توسعه اقتصادی خانواده‌های کشاورز، تولید فراینده و متنوع در مزارع کوچک را هدف قرار دهد. لازم است توجه ویژه‌ای به افزایش قابلیت علمی و تکنولوژیکی کشاورزان مبذول گردد و به آنها کمک شود تا نه تنها انتخاب‌های آگاهانه‌ای مطابق با ارزش‌ها و آرمان‌هایی که برای جوامعشان دارند انجام دهند، بلکه در فرایند توسعه و انتشار تکنولوژی جدیدی که پیشرفت‌های نوین در علوم کشاورزی را با دانش سنتی ادغام می‌کند مشارکت کنند. خواسته و هدف آن بود که پیشرفت‌های به دست آمده به جای معدودی از افراد دارای امتیاز، کل جوامع را بهره‌مند سازد و رابطه متقابل و همکاری میان کشاورزان را ترویج داده، به تدریج بر بازار محلی غذا تأثیر گذارد.

یک چشم‌انداز در نتیجه گفتگوها نمایان شد: گروه‌هایی از افراد که از این برنامه‌های آموزشی بهره‌مند می‌شدند و اغلب کشاورز بودند می‌توانستند به هدایت فرایند یادگیری در سطح

روستا کمک نمایند؛ خواه پیرامون فضای فیزیکی و اجتماعی مدارس جامعه و خواه به عنوان بخشی از مساعی جمعی یک گروه «PSA». یکی از متون «فوندائیک» که بر تولید غذا در مزارع کوچک تمرکز دارد و محرک فرایند یادگیری در مراحل اولیه شناسایی شد، گزارشی از تحقیق این سازمان با کشاورزان **کلمبیا** و وسیله‌ای است برای مستند کردن دانش تولید شده در بستر هر کشور. کت‌های آزمایشی توصیف شده در این محتوا محیطی را فراهم می‌کنند که بتوان در آن روش‌های مرتبط با فرایند تولید را آزمایش و ارزیابی نمود.

مجهوداتی که در معدودی از مدارس جامعه ملهم از تعالیم بهائی در **جمهوری آفریقای مرکزی و مالوی** آغاز گردیده بودند به مرور زمان به هشت کشور دیگر از جمله **کامرون، چاد، جمهوری دموکراتیک کنگو، کنیا، مالوی، تانزانیا، اوگاندا و زامبیا** گسترش یافت. در گردهمایی‌های برگزار شده توسط «سازمان توسعه بین‌المللی بهائی» متخصصان کشاورزی در این شبکه در حال ظهور از سازمان‌ها در فواصل معین ملاقات می‌کنند تا تجاربشان را تحلیل و حوزه‌های جدید یادگیری را شناسایی کنند. یک گردهمایی قاره‌ای که در اواخر سال ۲۰۱۹ در **اوگاندا** برگزار شد فرصت یک دوره یک ماهه مطالعه، مشورت و تأمل را فراهم نمود - دوره‌ای که متخصصین کشاورزی را برای تشدید فرایند یادگیری جاری آماده می‌نمود، به‌خصوص با در نظر داشتن چالش‌های جدید سیستم‌های غذایی در قاره ناشی از مشکلاتی مانند تغییرات اقلیمی، بحران‌های بهداشتی و عدم امنیت. برخی از سؤالات مورد بررسی در این مرحله بدین قرارند: چه نوع قابلیت‌های تشکیلاتی در سطوح محلی و ملی برای پایدار نمودن این قبیل مساعی مورد نیاز است؟ چگونه بصیرت‌های حاصله را می‌توان به نواحی دیگری تعمیم داد که سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی در آنها در حوزه کشاورزی شروع به مشارکت نموده‌اند؟ بررسی اجمالی این مساعی در صفحات ۶۲ و ۶۳ شرح داده شده است.





مشارکت در گفتمان توسعه در سطوح مختلف

برای جامعه بهائی شبکه در حال گسترش فعالیت‌هایی که در صفحات پیشین به آن اشاره شد اهمیت فراوانی از تأثیرات آنی برای دست‌اندرکاران داشته است. تجربه به‌کارگیری اصول مطروحه در آثار بهائی در طیف وسیعی از موقعیت‌ها جامعه بهائی و همکارانش را به کسب بینشی فزاینده نسبت به چالش‌های کنونی حوزه توسعه و جامعه بهائی را برای مشارکت با اطمینان بیشتر در گفتمان جهانی فعلی توسعه مجهز نموده است.

هدف بهائیان از مشارکت در گفتمان‌های متفاوت ترغیب سایر افراد به پذیرش موضع دیانت بهائی در مورد موضوعات مختلف نیست و شرکت در این حیطه از مجهودات اقدامی جهت ایجاد روابط عمومی یا فعالیت آکادمیک محسوب نمی‌گردد. بلکه بهائیان مشتاقند تا یادگیری‌هایشان از به‌کارگیری تعالیم حضرت بهاءالله برای مشارکت در پیشرفت تمدن را با دیگران سهیم شده و از سایر افراد و گروه‌ها و همچنین در کنار ایشان در باره پاسخ به دغدغه‌های مشترکی که پیش روی بشریت است یادگیری کسب نمایند.

مشارکت افراد

در هر زمان و در فضاهای اجتماعی در تمامی سطوح اجتماع، گفتگوهای مستمری در ارتباط با جنبه‌های گوناگون رفاه و پیشرفت نوع بشر جریان دارد. در سطح محلی، مشارکت افراد در مباحثات مربوط به پیشرفت اجتماعی و همچنین پرورش ظرفیت برای پرداختن به گفتگوهای معنادار در باره مضامین روحانی بخشی طبیعی از تلاش برای ساخت جوامع پرتحرک را شامل می‌شود. مشارکت در گفتمان در سطح محلی می‌تواند شامل یک عمل ساده مثل استناد به اصول دیانت بهائی ضمن یک صحبت روزمره تا فعالیت‌های منظم‌تری مانند تهیه مقالات و حضور در جلساتی راجع به مسائل اجتماعی باشد. چنین گفتگوهایی درک جمعی از ماهیت چالش‌های پیش روی جامعه را افزایش می‌دهد و مسیرهای ممکن برای اقدام سازنده را روشن می‌کند. افراد بی‌شماری نیز با مساعی حرفه‌ای و داوطلبانه‌شان در مراودات مربوط به خیر عمومی مشارکت نموده‌اند.

سازمان‌ها و مدارس ملهم از تعالیم بهائی

سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی نیز در گفتمان‌های مرتبط با حیطة فعالیت خود مشارکت دارند. در حالی که این نوع جهت‌گیری معمولاً در مراحل ابتدایی مجهودات یک نهاد قابل مشاهده است، فرصت مشارکت در مکالمات و نشست‌های مربوطه با افزایش تجربه نهاد به صورت طبیعی افزایش می‌یابد. به عنوان نمونه تعدادی از مدارس و نهادهای ملهم از تعالیم بهائی در **هند** شرکت در مکالمات مربوط به آموزش در سطوح محلی و ملی را می‌آموزند. چندین مدرسه ملهم از تعالیم بهائی در سیکیم از دیگر مدارس جامعه بزرگتر نیز دعوت گسترده‌ای به عمل آورده‌اند تا خدمت بهتر به اجتماع، شناسایی جمعی برخی از چالش‌های پیش روی خود، و شکوفا نمودن استعدادهای دانش‌آموزانی که به ایشان خدمت می‌کنند را بیاموزند. گردهمایی‌های مشورتی مذکور به حمایت و همکاری بیشتر میان مدارس از جمله از طریق تبادل بینش‌ها و منابع انجامید. برخی از مدارس فعال در این اقدام اخیراً دعوت شده‌اند تا افکارشان درباره



هند

سیاست‌گذاری‌های دولت برای آموزش را بیان کنند و چندین رسانه در این رابطه با ایشان مصاحبه کرده‌اند.

«کرسی بهائی مطالعات توسعه» در «دانشگاه دوی آهلیا» در ایندور، که حدود ۳۰ سال پیش تأسیس گردید، تحقیقات میان‌رشته‌ای و بورسیه تحصیلی در حوزه توسعه را از منظر ترویج می‌کند که رفاه بشر را هم نتیجه پیشرفت روحانی و هم مادی می‌داند. به عنوان بخشی از این اقدام، کرسی بهائی میزبانی سمینارهایی در مورد مضامین مربوط به چالش‌های توسعه در کشور از جمله سیاست‌های آموزشی، کشاورزی، رشد اقتصاد محلی، و تغییرات اقلیمی را برعهده داشته و در باره اینکه جوامع و سازمان‌ها چگونه از اصول روحانی در مساعی‌شان برای مشارکت در خیر عمومی استفاده می‌کنند تحقیقاتی را منتشر کرده است.

«بنیاد وحدت» در **لوکزامبورگ** یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی است که در



شناسایی و همکاری با اهداکنندگان هم‌فکر به نمایندگی از نهادهایی در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین که به سطح مشخصی از قابلیت برنامه‌ریزی و اجرایی رسیده‌اند تخصص دارد. وزارت امور خارجه کشور یکی از شاخص‌ترین اهداکنندگان است. ویژگی اصلی رویکرد بنیاد، احترام به استقلال سازمان‌های توسعه‌ای است که با آنها شراکت دارد و در روابط مخصص به همکاری و یادگیری متقابلی که ایجاد کرده به عنوان مدافع و حامی شرکایش در برابر اهداکنندگان عمل می‌کند. طی سنوات اخیر، این سازمان آموخته است که با تکیه بر بینش‌های برگرفته از نهادهایی که با آنها همکاری می‌کند در گفتمان توسعه در لوکزامبورگ شرکت کند. در این راستا مساعی سازمان بر ترویج گفتگوی سازنده در باره اصول زیربنایی توسعه متمرکز است. در فضاهای مختلف - چه در ارتباط با اهداکنندگان، مدارس، در جوامع، در رسانه یا در رویدادهای عمومی - از شرکت‌کنندگان دعوت به عمل می‌آید که مفاهیمی همچون عدالت، مساعدت متقابل، برابری جنسیتی، غلبه بر تعصب و همچنین به‌کارگیری این اصول در زندگی خودشان را مورد بررسی قرار دهند. بنیاد همچنین در گردهمایی‌های مختلف سازمان‌های غیردولتی در لوکزامبورگ شرکت و این سازمان‌ها را به جلسات منظم دعوت می‌کند تا بر بینش‌هایی که همگی از طریق تجربه به دست می‌آورند تأمل کنند.

سطح بین‌المللی

چندین دهه است که «جامعه جهانی بهائی» در گفتمان‌های متعدد مربوط به پیشرفت اجتماع در سازمان ملل متحد

مشارکت داشته است. طی سنوات اخیر در نشست‌های مرتبط با «اتحادیه آفریقا»، «اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا»، «اتحادیه اروپا» و سایر گروه‌های فراملیتی شرکت کرده است. از جمله گفتمان‌هایی که در آن مشارکت دارد می‌توان به این موارد اشاره کرد: حکومت جهانی، توسعه، برابری زنان و مردان، صلح و امنیت، نقش دین در اجتماع، حقوق بشر، محیط زیست و تغییرات اقلیمی، امنیت غذایی و نقش جوانان.

به‌علاوه «جامعه جهانی بهائی» به طور منظم با دیپلمات‌های دولتی، نهادهای سازمان ملل متحد و فعالین جامعه مدنی در کنفرانس‌های بین‌المللی و نشست‌های غیردولتی - از جمله کمیسیون‌های سازمان ملل مانند «کمیسیون توسعه اجتماعی» و «کمیسیون وضعیت زنان» و همچنین «کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد» - شرکت می‌کند. «جامعه جهانی بهائی» طی سال‌ها بیانیه‌های متعددی در ارتباط با گفتمان‌های فوق‌الذکر منتشر ساخته است، به طور مثال یکی از اسناد مهم با عنوان رفاه عالم انسانی که در میانه دهه ۱۹۹۰ منتشر گردید همچنان در سطوح مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. این سند مفهوم رفاه جهانی در بستر تعالیم بهائی، موضوعات بنیادینی از قبیل ماهیت و هدف فرایند توسعه، و همچنین نقش‌های متفاوتی که به شرکت‌کنندگان مختلف توسعه اختصاص یافته را بررسی می‌کند.

یکی دیگر از بیانیه‌های اخیر «جامعه جهانی بهائی» با نام حکومت‌داری شایسته: بشریت و مسیر دستیابی به یک نظم جهانی عادلانه به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد سازمان ملل متحد منتشر شد. این بیانیه به ابعاد حکومت‌داری می‌پردازد - مخصوصاً با در نظر داشتن آنکه جامعه جهانی چگونه قادر خواهد بود سیستم‌های مشارکتی بین‌المللی را تقویت و امور خود را در پرتو یگانگی و همبستگی خانواده بشری به گونه‌ای از نو طرح‌ریزی کند که به چالش‌های جهانی پاسخ دهد و فرصت‌های بی‌سابقه آنی را مغتنم شمرد.

فرانسه

«نشر افکار عالی، قوه
محركه در شريان امكان
بلكه جان جهان است.»
- حضرت عبدالبهاء





«از جمله کائنات معقوله دین است. دین باید متحرک باشد. روز به روز نشو و نما نماید.»
- حضرت عبدالبهاء

می‌نماید تا مفاهیم اساسی را بررسی نمایند - مفاهیمی از قبیل صلح و عدالت در اجتماعاتی که دوران انتقالی را طی می‌کنند، حرکت جهانی جمعیت‌ها، نقش دین در مهاجرت، و رشد و توسعه شهرهای بزرگ. این مؤسسه با هدف تأکید بر اهمیت جایگاه اندیشه‌هایی که به تغییر اجتماعی ماندگار اشاره دارند یافته‌های خود را، اغلب در همکاری با «جامعه جهانی بهائی»، در قالب نشریات و گردهمایی‌های مختلف ارائه می‌کند.

هیچ ناظری قادر نخواهد بود نیاز عظیم به منابع انسانی و مادی را درک نماید و از اهمیت سرمایه و تلاشی که دول و سازمان‌های جامعه مدنی وقف ارتقاء سعادت نوع بشر می‌نمایند غافل بماند، یا ارزش حقیقی هشیاری و روحیه آرمان‌گرایانه‌ای که محرک این اقدامات است را نادیده انگارد. جامعه بهائی با تعهد به ترویج و افزایش مساعی‌اش در زمینه توسعه به تلطیف این نگرش خود که یادگیری و قابلیت‌سازی در مرکزیت توسعه موق قرار دارد ادامه می‌دهد. چنین نگرشی مردمان هر کجا و هر قشری را به فعالیت فرامی‌خواند و معرف تنوع خانواده بشری در تولید و به‌کارگیری دانش است. اصول روحانی و روش‌های علمی در کنار یکدیگر می‌توانند واسطه چنین فعالیتی باشند. جامعه بهائی باور دارد که مشارکتش در گفتمان‌های مربوط به توسعه، در سودمندترین حالت ممکن، نهایتاً از طریق تبادل بینش‌های به دست آمده به واسطه تجربه سیستماتیک به وقوع خواهد پیوست.

بیانیه دیگر با عنوان یک ستاره، یک زیستگاه: دیدگاه بهائی در مورد بازبینی رابطه نوع بشر با جهان طبیعت به مناسبت پنجاهمین سالگرد سازمان ملل متحد در «گردهمایی محیط زیست انسانی ۱۹۷۲» منتشر شد. با تکیه بر تجارب چندین جامعه ملی و همچنین دانش تخصصی بهائیان فعال در اقدامات زیست محیطی، سند مذکور به بررسی این دیدگاه می‌پردازد که پیشبرد یک مدنیت در هماهنگی با طبیعت - مدنیتی که به لحاظ مادی و روحانی در حال شکوفایی است - چگونه به انسان حس هدفمندی و معنا می‌بخشد. جوامع بهائی مختلف به منظور شرکت در گفتگوهای مرتبط در سطوح محلی و ملی از این بیانیه استفاده کرده‌اند. از آن زمان تاکنون، سایر منابعی که تجارب چندین جامعه را توصیف می‌کنند این بیانیه را تکمیل نموده‌اند - جوامعی از قبیل **کلمبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، دومینیکا، ملت ناواهو در ایالات متحده، سنگاپور، وانواتو و زامبیا.**

علاوه بر مساعی «جامعه جهانی بهائی»، «مؤسسه مطالعات رفاه جهانی»، که ۲۵ سال پیش تأسیس گردید، یک نشست دائمی برای کاوش مداوم و عمیق در چالش‌های مربوط به پیشبرد تمدن به وجود آورده است. یکی از اولین ابتکارات مؤسسه، برگزاری یک سلسله گردهمایی در باره علم، دین و توسعه در چندین کشور در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود. مؤسسه، در ادامه فعالیت‌های پیشین خود، با افراد و مؤسسات هم‌فکر همکاری



«عباد از برای اصلاح و الفت و
اتِّحاد از عدم بوجود آمده‌اند.»

- حضرت بهاءالله

برای اطلاعات بیشتر

وبسایت‌ها

برای مطالعه بیشتر

bahai.org رساله مدنیّه

ترویج گفتمانی درباره علم، دین و توسعه

وبسایت رسمی جامعه جهانی بهائی

bahai.org/action/involve-

ment-life-society/social-action

اطلاعات و منابع پیرامون مساعی توسعه بهائی

رساله‌ای خطاب به حکما و مردم ایران که نوشته فرزام ارباب در سال ۱۸۷۵ به زبان فارسی از قلم حضرت به نقل از کتاب The Lab, the Temple, and the Market و منتشر شده توسط مرکز عبدالبهاء صادر گردید، تفسیر مفصلی‌ست در باب قوای عظیم مکنونه بشری. این رساله به تحقیقات توسعه بین‌المللی (IDRC)، این خصائل، ساختارها و فرایندهای تمدنی متأثر از مقاله به مفهومی از توسعه می‌پردازد که تولید قوای مزبور می‌پردازد. و به‌کارگیری دانش متکی بر هر دو منبع علم و دین در بطن آن قرار دارد.

news.bahai.org/socialaction اقدام اجتماعی

سرویس خبری جامعه بهائی، اخبار مجهودات مجموعه‌ای از دارالتحقیق بیت العدل اعظم راجع به اقدام اجتماعی توسعه

نوشته پل لمپل

این کتاب بررسی می‌کند که بهائیان چگونه می‌کوشند تا ظهور حضرت بهاءالله را درک نمایند و چطور عمل می‌کنند تا بینش آن حضرت را از مدنیتی پیشرو محقق سازند.

bahaiworld.bahai.org/specialcollections/contributing-to-social-transformation /mation

مجموعه اختصاصی از مقالات در باره مشارکت جهانی می‌پردازد در تحول اجتماعی

Moral Empowerment: In Quest of a Pedagogy

سند اقدام اجتماعی

bic.org

نوشتاری از دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی، تهیه شده در سال ۲۰۱۲، که چارچوب مفهومی در حال تکاملی که مساعی جامعه بهائی را در حیطه توسعه هدایت می‌کند توصیف نموده است. نوشته سونا فرید-ارباب این کتاب با بررسی یک چارچوب مفهومی ملهم از تعالیم بهائی می‌تواند راهنمای برنامه‌هایی باشد که هدفشان تواندهی اخلاقی دانش‌آموزان است.

globalprosperity.org

وبسایت مؤسسه مطالعات رفاه جهانی

به سوی جهانی بهتر

رویکرد جامعۀ بهائی به توسعه اجتماعی و اقتصادی